



پرسش و پاسخ های قرآنی
ویژه جوانان

روابط دختر و پسر (۲)

جلد ۸



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان

نویسنده:

محمدعلی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، جلد ۸ روابط دختر و پسر (۲)
۸	مشخصات کتاب
۸	درآمد
۹	فصل اول: ازدواج
۹	اشاره
۹	نظر قرآن در باره خواستگاری و مقدمات آن چیست؟
۱۰	اصول اولیه در نگاه و گفتگو قبل از ازدواج چیست؟
۱۱	نگاه به جنس مخالف از منظر قرآن چگونه است؟
۱۴	گفتگوی دختر و پسر قبل از ازدواج چه حکمی دارد؟
۱۵	دست دادن دختر و پسر چه حکمی دارد؟
۱۶	حضور دختران در اجتماع تا چه اندازه جایز است؟
۱۶	مواردی که در نگاه دختر و پسر استثنا شده کدام است؟
۱۹	بررسی آیه خواستگاری
۲۳	الگوی قرآن در روابط دختر و پسر
۲۳	موسی (ع) و دختران شعیب
۲۴	چرا در جامعه ما مرد به خواستگاری زن می‌رود؟
۲۵	حکمت‌ها و اسرار خواستگاری مرد از زن
۲۵	معیار انتخاب همسر شایسته از نظر قرآن چیست؟
۲۸	در هنگام مخالفت پدر و مادر با ازدواج، چه باید کرد؟
۲۹	پرسش: آیا در ازدواج با دختر باکره اجازه پدر او واجب است؟
۳۰	آیا «قسمت بودن» در ازدواج از نظر اسلام صحیح است؛ یعنی مشخص است که در آینده با چه فردی ازدواج می‌کند؟
۳۱	اگر تعیین شده که در آینده با چه کسی ازدواج می‌کنیم، آیا این مصداق جبر نیست؟

- ۳۳ اهمیت ازدواج از دیدگاه قرآن و احادیث در چیست؟
- ۳۵ آثار و قواعد ازدواج چیست؟
- ۳۵ اشاره
- ۳۵ الف- اثر اجتماعی (حفظ نسل)
- ۳۶ ب- آثار فردی
- ۳۷ ازدواج چند قسم است؟
- ۳۹ مسئولیت جامعه در مورد ازدواج جوانان چیست؟
- ۴۰ ازدواج‌های ممنوع کدام است؟
- ۴۲ رخصت در ازدواج چرا؟
- ۴۲ اشاره
- ۴۳ اقسام زنان و مسئله رخصت
- ۴۴ کابین (مهر) چرا و چگونه؟
- ۴۴ اشاره
- ۴۴ تعیین مهر
- ۴۵ مهر معتین
- ۴۷ چند همسری چرا و به چه شرطی؟
- ۴۸ قرآن چه توصیه‌هایی به زوجین دارد؟
- ۴۹ خواستگاری و عروسی چه آدابی دارد؟
- ۵۳ نظر قرآن در باره ازدواج موقت چیست؟
- ۵۳ اشاره
- ۵۶ ازدواج موقت در قرآن مجید
- ۵۶ ازدواج موقت در روایات شیعه
- ۵۸ فتوای جدید برخی از علمای اهل سنت درباره ازدواج موقت
- ۵۹ ازدواج موقت در حقوق

۶۲	احکام و مسائل متفرقه
۶۳	از نظر قرآن و فقه چه تفاوتی بین زنا و عقد موقت وجود دارد؟
۶۳	گناه بزرگ
۶۴	راهکار قرآنی برای سلامت جامعه
۶۵	ویژگی‌های ازدواج موقت از منظر فقه
۶۶	فصل دوم: مسائل گوناگون
۶۶	اشاره
۶۶	روابط دختر و پسر
۶۶	اگر شخص به خاطر این‌که فرد مورد نظر از نظر ایمان کامل نیست و یا ...، با او ازدواج نکند، نظر اسلام در این مورد چیست؟
۶۶	اشاره
۶۷	ویژگی‌های همسر مناسب
۶۷	شرایط چهارگانه کمال در همسر
۶۸	آیا می‌توان با ارتباط تلفنی دختر یا پسری را ارشاد کرد؟
۶۹	اگر دختری برای انسان مزاحمت ایجاد کند، می‌تواند برای دور کردن آن از خویش با او صحبت کند؟
۶۹	آیا آرایش زنانه برای مردان اشکال دارد؟
۶۹	حکم نامه نگاری بین دختر و پسر نامحرم چیست و آیا ارتباط تلفنی جایز است؟
۷۰	شیوه اجرای عقد ازدواج و شرایط آن چگونه است؟
۷۰	احکام ازدواج در رساله مراجع چیست؟
۷۰	احکام عقد
۷۱	دستور خواندن عقد دائم
۷۱	دستور خواندن عقد غیردائم
۷۱	شرایط عقد
۷۲	فهرست منابع دو جلد
۷۸	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، جلد ۸ روابط دختر و پسر (۲)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: پرسش‌های قرآنی جوانان ۷ روابط دختر و پسر ۲/ جمعی از پژوهشگران؛ زیر نظر محمدعلی رضایی اصفهانی
 مشخصات نشر: قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۶
 مشخصات ظاهری: ۲۲۸ص
 وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرست نویسی (اطلاعات ثبت)
 یادداشت: چاپ دوم
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۲۸۶۱۸۰

درآمد

قرآن کریم نوری همواره تابان است که بر اندیشه‌ی بشر تابید و راه انسان‌ها را روشن ساخت، این کتاب منبع عظیم معرفتی و سفره‌ای الهی است «۱» که می‌تواند نسل‌های بشر را از زلال معرفت خویش سیراب سازد؛ و مقام دانش و دانشمندان را ارج می‌نهد و عالمان و جاهلان را مساوی نمی‌داند، «۲» بلکه با اشارات متعدد به مباحث علوم تربیتی، کیهان‌شناسی، زیست‌شناسی، رویان‌شناسی و روح و روان انسان بلکه با اشاره به مسائل فرا روان‌شناسی، حس کنجکاوی و پرسشگری انسان را تحریک می‌کند و زمینه رشد علوم را فراهم می‌سازد. «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۴

پرسش کلید دانش است. «۱» و ذهن پرسشگر ارجمند است، و وظیفه دانشمندان دریافت پاسخ از منابع قرآن، حدیث، عقل و علوم تجربی و ارائه آن به تشنگان حقیقت است.

از این رو جمعی از پژوهشگران حوزه و دانشگاه گردهم آمده و با تأسیس «واحد پاسخ به پرسش‌های تخصصی قرآن و علم»، و ارسال پرسش نامه به دانشگاه‌های مختلف، به گردآوری پرسش‌ها و ارائه پاسخ پرداخته‌اند و حاصل تلاش این عزیزان در این مجموعه گردآوری شده است.

بنده که از آغاز با این عزیزان همراهی داشته‌ام، شاهد تلاش علمی همراه با تعهد آنها بوده‌ام، که در حد توان کوشیده‌اند پاسخ‌های مناسب و متین ارائه نمایند. البته برخی پرسش‌ها نیز از طریق شنوندگان محترم رادیو قرآن دریافت شده و در برنامه پرسش و پاسخ قرآنی آنجا پاسخ داده‌ایم که به این مجموعه اضافه شده است.

امیدوارم خدای متعال این خدمت علمی و قرآنی را از همه‌ی ما بپذیرد و در پرتو قرآن و اهل بیت (ع) پاداش نیک عطا فرماید!
 از آنجا که واحد تخصصی پاسخ به پرسش‌های قرآن و علم، مشمول حمایت ویژه «ستاد پاسخگویی به مسائل مستحدثه دینی دفتر تبلیغات» بوده، بر خود لازم می‌دانیم از مسئولین محترم ستاد تشکر کنیم.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۵

در ضمن از خوانندگان محترم درخواست داریم که ما را از راهنمایی و پیشنهادات و انتقادات خویش محروم نفرمایند و از جوانان عزیز می‌خواهیم که اگر پرسش‌هایی در زمینه قرآن و علم دارند، به آدرس ما ارسال فرمایند. «۱»

با سپاس

دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

قم - ۸۵ / ۶ / ۷

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۷

فصل اول: ازدواج**اشاره**

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۹

نظر قرآن در باره خواستگاری و مقدمات آن چیست؟

پرسش:

نظر قرآن در باره خواستگاری و مقدمات آن چیست؟

پاسخ:

درآمد:

در آغاز گسترش جامعه انسانی، مسئله روابط میان پسر و دختر در جوامع مطرح بوده است و این چیز تازه‌ای نیست، لیکن در دوران توسعه سیاسی، اجتماعی و ظهور رسانه‌های ارتباط جمعی، سمعی و بصری، این مسئله شکل دیگری به خود گرفته و با نگرشی نو دوباره مطرح شده است، به ویژه که در محیطهایی مانند دانشگاه، سینماها، پارک‌ها، خیابان‌ها و مانند آن‌ها که نمود بیشتری پیدا می‌کند، این مسئله می‌تواند بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

بر این اساس، اگر بخواهیم در این زمینه موفقیتی داشته باشیم و تا حدی دغدغه خاطر خود را برطرف نماییم، می‌باید راهکارهای درست را بیابیم و الگوی مناسب با فرهنگ جامعه اسلامی را به نسل جوان نشان دهیم. امری که باید گفت با همه اهمیت که دارد. و دل مشغولی را که برای متولیان امور

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۰

اجتماعی، فرهنگی و دینی فراهم کرده است، متأسفانه کم‌تر مورد توجه جدی قرار گرفته است. به هر صورت، در این نوشتار کوتاه تلاش بر آن است تا از منظر قرآن به موضوع نگرسته و دیدگاه وحی طرح شود.

دیدگاه‌ها

در خصوص روابط دختر و پسر سه دیدگاه عمده و یا به تعبیر درست‌تر، سه فرض وجود دارد که ضروری است اشارتی کوتاه بدان‌ها داشته باشیم.

۱. آزادی ارتباط

بر پایه این دیدگاه، دو جنس مخالف به هر نحو که خواسته باشند، اعم از گفت و شنود، مسافرت، رفاقت، تماس بدنی و حتی کام گرفتن از یکدیگر می‌توانند با هم روابط داشته باشند، به این گمان که هرگونه محدودیت باعث فزونی میل و رغبت می‌شود.

این که عامل رویکرد به این نظریه چیست و مروج این طرز تفکر کیست، بررسی جداگانه‌ای می‌طلبد که از حوصله این نوشتار خارج است، ولی به اجمال می‌توان گفت: خواستگاه این تز و مهد کنونی این ارتباط افسار گسیخته، جهان غرب به خصوص آمریکا و اروپای غربی است و معماران اصلی آن امثال «برتراند راسل» و «فروید» می‌باشند. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۱

۲. پرهیز از هر گونه ارتباط

مطابق این دیدگاه، زن و مرد، پسر و دختر حق ندارند کم‌ترین ارتباطی با هم داشته باشند؛ خواه ارتباط مکالمه‌ای باشد یا مکاتبه‌ای و خواه با نگاه باشد یا در گفتار، و در نتیجه نباید گذاشت این دو جنس مخالف حتی در شعاع دید و صدای یکدیگر قرار گیرند. این نظریه بیشتر جنبه بهداشت اجتماعی - دینی دارد، و به عنوان راهکاری برای جلوگیری از فساد اجتماعی جامعه پیشنهاد می‌شود.

۳. میانه روی

طبیعی است که میان دو دیدگاه افراط و تفریط همواره نظر سومی مطرح می‌شود؛ زیرا آن دسته از انسان‌ها که از اندیشه متعادل برخوردارند، با نامعقول دانستن فرض اول، و ناممکن دانستن فرض دوم، راه سوم را بر می‌گزینند، نقاط منفی هر دو دیدگاه را نادیده گرفته و نقاط مثبت هر دو را برمی‌گزینند.

دیدگاه قرآن

از آن‌جا که قرآن کریم مبین عدل در تکوین، بیان‌کننده اعتدال در تشریح و بیانگر عدالت اخلاقی است، می‌توان گفت: فرض اخیر به دیدگاه قرآن نزدیک‌تر بوده، و این همان نظریه‌ای است که در ادامه بحث بدان خواهیم پرداخت.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۳

اصول اولیه در نگاه و گفتگو قبل از ازدواج چیست؟

پرسش:

اصول اولیه در نگاه و گفتگو قبل از ازدواج چیست؟

پاسخ:

برای دستیابی به موضع اسلام نسبت به نگاه و گفتگو در روابط پسر و دختر، ابتدا لازم است اصولی کلی ترسیم شود، تا روشن گردد اصل در نمادهای روابط، جواز است یا ممنوعیت؟

این اصول عبارت است از:

۱. چشم و گوش و زبان، برای دیدن، شنیدن و گفتن

شکی نیست که وظیفه هریک از اعضای بدن انسان همان است که دست قدرتمند آفرینش آن را برایش معین کرده است، و وظیفه اصلی، این سه عضو مهم منهای برخی وظایف دیگر، نیز همان است که برای آن‌ها مقرر شده است، چشم برای دیدن، گوش برای شنیدن و زبان برای گفتن؛ پس نباید آن را تعطیل کرد و یا از آن‌ها کاری خواست که از عهده آن‌ها بر نمی‌آید.

۲. افزایش آگاهی و شناخت

بدیهی است که نگاه، گفتن یا شنیدن برای افزایش شناخت و آگاهی انسان است. نگاه به مظاهر طبیعت، انسان را به شناخت هر چه بیشتر چیزها

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۴

می‌رساند، و به اصطلاح فرهنگ دینی، او را به یاد آفریننده و سازنده آن می‌اندازد، و سرانجام کارایی و انواع بهره‌دهی آن را تداعی می‌نماید. گفتگوی انسان‌ها نیز برای انتقال معلومات، کسب آگاهی، بیان نیازمندی‌ها و آموزش است.

قرآن کریم نیز این اصل را مورد تأکید قرار داده، و به چشم و گوش به دیده ابزار شناخت نگریسته است؛ چشم را وسیله دیدن آیات تکوینی، و گوش را وسیله شنیدن آیات تشریحی، و زبان را وسیله تشریح و تفسیر هر دو قرار داده است.

۳. انسان مظهر آیات الهی

وجود جسمانی و روحانی انسان به عنوان یکی از مظاهر آیات الهی، بلکه از مهم‌ترین آن‌هاست. که خود آفریننده آن پس از خلقتش فرموده است: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ؛» (۱)

و خجسته باد خدا، که بهترین آفرینندگان است! و نیز فرموده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ؛» (۲)
بیقین انسان را در بهترین (نظام معتدل و) استوار آفریدیم، و اگر درباره حیوانی بیابانگرد می‌فرماید: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ؛» (۳)
و آیا به شتر نظر نمی‌کنند.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۵

۴. التذاذ طبیعی

هر یک از قوای ظاهری و باطنی انسان در راستای اهداف مقرر آن‌ها، به لذت‌های طبیعی خود نیازمند است و باید بدان برسد، زیرا انسان در هریک از ابعاد وجودی خویش، با پاسخ مثبت به خواسته‌ها و خواهش‌هایش لذت می‌برد؛ یعنی همان‌گونه که انسان در بعد جسمی با رسیدن به غذا، آب، میوه و لباس لذت می‌برد، مهر، محبت، عاطفه و نیز شعر برای روح او لذت بخش است؛ به کار گرفتن چشم، گوش و زبان نیز مایه التذاذ طبیعی انسان خواهد بود.

۵. آزادی

افزون بر آنچه گفته شد، محدود کردن افراد انسان در روابط با دیگران با اصل آزادی ناسازگار است؛ زیرا انسان آزاد آفریده شده و باید در روابط اجتماعی‌اش معاشرت آزاد داشته، و میان آن‌ها هیچ حریمی وجود نداشته باشد.

بر پایه این اصول که برخی از آن‌ها تا حدی توجیه‌کننده دیدگاه نخست می‌باشد، هر فرد انسانی مجاز است به دیگری نگاه کند، با او به گفت و شنود پردازد و یا به شکل‌های دیگر رابطه داشته باشد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۶

نتیجه‌سخن

نتیجه این اصول به ظاهر جواز هر نوع ارتباط نگاه و گفتگو میان پسر و دختر و به طور کلی زن و مرد است؛ اما حقیقت چیز دیگری است، و اگر نگوییم اصول دیگری را باید ترسیم کرد، دستکم این اصول دارای استثناهایی است که در نهایت نتیجه دیگری را در پی خواهد داشت که در تبیین دیدگاه قرآن بیان خواهیم داشت.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۷

نگاه به جنس مخالف از منظر قرآن چگونه است؟

پرسش:

نگاه به جنس مخالف از منظر قرآن چگونه است؟

پاسخ:

با نگاهی به آیات قرآن درمی‌یابیم که قرآن ضمن تأیید مفاد اصول ذکر شده، توصیه می‌کند تا از ابزار ادراکی خود به ویژه دیدگان و گوش استفاده کنند، و اگر می‌فرماید: به حیوان [شتر]، آسمان، کوه‌ها و زمین بنگرید که چگونه آفریده، افراشته، نصب و گسترده شده است، این موارد برای نمونه و مصداق بیان شده است و منحصر به این‌ها نیست.

اما در اولین استثنا برای این اصل انسان را از دایره فراگیر و مطلق نگاه کردن بیرون می‌کند و می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يُغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ ... وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ؛ [ای پیامبر] به مردان با ایمان بگو چشم‌های خود را فرو بندند ... و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را فرو گیرند. «(۱)»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۸

بررسی آیه

تشریح احکام در قرآن کریم با تعبیرهای گوناگونی صورت گرفته است. گاهی با تعبیر «کتب» آمده است؛ مانند: «کتب علیکم الصیام و...» گاهی با فعل امر و نهی بیان شده است؛ مانند: «اقیموا الصلوه»، «اغسلوا وجوهکم»، «جاهدوا الکفار» و «لا- تأکلوا اموالکم» و «لا- تنکحوا ما...»، گاهی به صورت جمله خبری تشریح شده است مثل: «الطلاق مرتان» و «لایحل لکم» گاهی با بیان وصف اعلام نموده است؛ همچون: «ماء طهوراً» و... و در این آیه مورد بررسی، خداوند سبحان با فعل مضارع که توأم با تأکید است، بیان فرموده؛ زیرا این گونه تعبیرها، بیانگر انجام شدن موضوع است؛ بدین معنا که صادر کننده حکم می‌گوید: این کار را انجام می‌دهد!

به هر صورت، این آیه مشتمل بر بیان حکم نگاه کردن زن و مرد به یکدیگر است و حکم نیز از نوع تحریمی یعنی ممنوعیت می‌باشد.

نکته بسیار لطیفی که در آیه وجود دارد، به کار رفتن واژه «غَضَّ» و «بصر» به جای غمض و عین است. «غَضَّ» به معنای کوتاه کردن نگاه و صداست، «ا» در حالی که «غمض» به معنای بستن چشم است، و «عین» به معنای چشم و عضو مخصوص است، ولی «بصر» اگرچه در معنای مرادف با «عین» می‌باشد، کاربرد آن بیشتر درباره دیدن (عمل کرد چشم) است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۹

ملاحظه می‌شود که قرآن نمی‌گوید زنان و مردان چشمان خود را ببندند، بلکه می‌گوید: نگاه‌ها را کوتاه کنند و به یکدیگر خیره نشوند.

درباره شأن نزول آیه می‌نویسند: جوانی در مسیر خود با زنی روبه‌رو شد و چون در آن زمان، زنان مقنعه خود را پشت گوش‌ها قرار می‌دادند و به طور طبیعی بخشی از بدن [گردن و سینه زن نمایان بود، چهره آن زن. نظر جوان را به خود جلب کرد و چشم خود را به او دوخت. هنگامی که آن زن گذشت، جوان همچنان با چشمان خود او را تعقیب می‌کرد، در حالی که راه خود را ادامه می‌داد، تا این که وارد کوچه تنگی شد و باز همچنان به پشت سر خود نگاه می‌کرد که ناگهان صورتش به دیوار خورد و زخم شد، بلافاصله خدمت پیامبر (ص) آمد و حکم مسئله را جویا شد که در پی آن، این آیه نازل گردید. «ا»

راز پرهیز از نگاه

در بدو نظر و با توجه به اصول گذشته چنین می‌نماید که انسان باید از این ابزار ادراکی کمال بهره‌برداری را بنماید و لذت‌های طبیعی هر عضو از جمله چشم را تأمین کند. آزادی انسان به او حکم می‌کند تا به هر چه بخواهد نگاه کند؛ پس چرا ممنوعیت و چرا محدودیت؟

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۳۰

در پاسخ باید گفت که استفاده کامل از عضوی مانند چشم، گوش و... همیشه به این نیست که هر آنچه در شعاع دیدش قرار می‌گیرد، ببیند، یا به هر صدایی که در فضای زیست او وجود دارد، گوش فرا دهد. مگر هر دیدن و شنیدن می‌تواند انسان را به شناخت جدید و معرفتی نو سوق دهد؟ مگر هر عکس و نقشی که از شبکه چشم و هر صدایی که از پنجره گوش به صفحه ادراک انسان برسد می‌تواند کمک کار انسان در رفع نیازهای مادی و معنوی او باشد؟

آیا واقعاً نگرستن به پیکر و هیكل انسان به خصوص جنس مخالف و به ویژه افراد صاحب جمال و موزون می‌تواند مفسر آیات تکوین باشد و یا شنیدن صدای آن‌ها می‌تواند شارح آیات تشریح گردد؟ آیا به همان اندازه که انسان با نگاه کردن به کوه، دشت، دریا، افلاک، کواکب و... کسب معرفت می‌کند، از نگاه به انسان‌ها نیز می‌تواند معرفت حاصل نماید؟

مگر می‌شود به همه لذت‌های طبیعی پاسخ مثبت داد؟ و اصلاً مگر گستره همه لذت‌ها یکسان است تا با همه آن‌ها به یک شیوه برخورد کرد؟ مگر نه این است که خواهش جسمانی انسان با مقداری خوردنی، آشامیدنی و پوشاک اشباع می‌شود و پس از سیر شدن به لذیذترین غذاها و گواراترین نوشیدنی‌ها میلی ندارد، و حتی روح انسان نیز پس از چندی از شعر، سخنان موزون، محسنات لفظیه و محسنات معنویه خسته می‌شود؟!

اما در آن سوی، غریزه جنسی هرگز سیری ندارد و هرچه بیشتر بدان پاسخ مثبت داده شود، ولع آن افزون می‌شود و بسان آتش که هرچه بر مواد

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۳۱

سوختی آن افزوده شود، شعله‌ورتر می‌گردد و به قول شهید مطهری: غریزه جنسی غریزه‌ای نیرومند، عمیق و دریا صفت است که هرچه بیشتر اطاعت شود، سرکش‌تر می‌شود. «۱»

غریزه جنسی افزون بر آن که در درون همچون کوره آتش می‌سوزد، از دریچه‌های گوش، چشم و لمس نیز پشتیبانی می‌شود و به وسیله این ابزار صدا برداری، تصویر برداری و سایش، بیش از پیش تهییج می‌شود و گویا با هر عکس، تصور، صدای جدید و تخیل شهبانی به نوعی تجدید قوا می‌کند، و چنان به پیش می‌رود که اگر به فرض از نیمی از افراد جنس مخالف و موافق کام بگیرد، از نیم دیگر نیز چشم نمی‌پوشد، و به خصوص در مرحله نگاه کردن این‌گونه نیست که با یکی دو نگاه، به دو یا چند نفر و شنیدن صدایشان سیر شده و دیگر میلی بدان نداشته باشد، بلکه چنان است که هرچه بیشتر نگاه کند، تشنه‌تر می‌شود؛ از این رو است که امام صادق (ع) می‌فرماید: «لایشبعن العین من النظر و الانثی من الذکر؛ چشم از نگاه کردن و زن از مرد سیر نمی‌شود.» «۲» بنابراین، برداشتن حریم میان پسر و دختر و آزادی معاشرت آن‌ها، ثمره‌ای جز التهاب جنسی در پی ندارد و با اندکی پیشرفت، تقاضای سکس را به عطشی روحی و خواستی سیرناشدنی بدل می‌کند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۳۲

اگر واقعاً می‌پذیریم که انسان در بعد غریزه جنسی نیز نیازمند به آرامش است، نمی‌شود او را به ابزار گوناگون سمعی، بصری و سایشی تحریک و تهییج کرده و سپس بخواهیم با ارضای آن، این دیو وحشی و غریزه دیوانه آرام شود، بلکه باید به نیاز طبیعی او تا حدی پاسخ مثبت داده و ارضاء شود و از بقیه جلوگیری کرد و این‌جا است که اسلام در برابر اخلاق جنسی نوین امروز غرب، که همان اخلاق جنسی فرسوده جاهلیت می‌باشد، اخلاق جنسی دیگری را برای بشر ارائه کرده است، و بر اساس آن، حکم محدودیت روابط میان زن و مرد، پسر و دختر، و نیز پسر با پسر، یا دختر با دختر، در حوزه نگاه، تماس، گفتگو و دیگر تمتعات را قرار داده است؛ چنان که امام صادق (ع) می‌فرماید:

«اجتنب المسّ و القبلة و النظر، فانها سهم من سهام ابلیس؛ از تماس [بدنی و بوسیدن و نگاه کردن بر حذر باشید که این‌ها تیرهای شیطان هستند.» «۱» و بالاتر این که از نگاه، بوسیدن و لمس کردن به زنای چشم، لب و دستان یاد می‌کند و می‌فرماید: «فرنا العینین النظر، و زنا الفم القبلة و زنا الیدین اللمس؛ زنای چشمان نگاه کردن و زنای لب بوسیدن و زنای دستان سایش است.» «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۳۳

دستاورد نگاه

نگاه کردن پسر و دختر و به طور کلی زن و مرد به یکدیگر موجب انتقال تصاویر به صفحه ذهن می‌شود و به صورت غیر ارادی آثار عمیقی در خیال و تصورات شهبانی انسان، حتی انسان‌های مؤمن به جای می‌گذارد؛ چرا که این عکس‌ها در قوه خیال به گونه‌ای نقش می‌بندد که جزء جداناپذیر فکر انسان می‌گردد.

امام علی (ع) به این حقیقت اشاره کرده و می‌فرماید: «کم من نظره جلبت [اورثت حسره طویله؛ بسا یک نگاه، حسرت و اندوه دراز

مدتی را به بار می‌آورد.» (۱) و نیز فرمود: «فکم من ناظر نظره زرع فی قلبه شهوه؛ چه بسیار نگاه‌هایی که شهوت را در دل بیننده کاشته است.» (۲)

و در جای دیگر می‌فرماید: «اول نظره لک، و الثانیه لا لک، و النظره الثالثه سهم مسموم من سهام ابلیس؛ نگاه اول از آن تو است، نگاه دوم به سود تو نیست، و اما نگاه سوم تیری از تیرهای زهر آگین شیطان است.» (۳) زیرا نگاه اول چون بدون توجه است، اثر آن چندانی ندارد، نگاه دوم که با توجه است، کمی اثر دارد، اما نگاه سوم که با قصد تصویربرداری انجام می‌شود، به سان تیری است که به سوی قلب نشانه می‌رود، زیرا هر آنچه دیده می‌بیند، دل از

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۳۴

آن یاد می‌کند. این را نیز می‌پذیریم که پاسخ مثبت به همه آنچه دل می‌طلبد، نه عقلاً و عرفاً ممکن است و نه شرعاً جائز؛ بنابراین، بهتر آن است که از همان چشم و چشمه جلوگیری شود.

نکته اخلاقی

نگاه آن چنان بی رحم است که نه جوان را می‌شناسد و نه پیر، نه دختر می‌شناسد و نه پسر، نه شهری می‌شناسد و نه روستایی، نه شاه و نه شاهزاده می‌شناسد و نه گدا. نگاه زلیخا همسر عزیز مصر را شیفته یوسف کرده؛ یوسف را زندانی و زلیخا را رسوا نمود. یک نگاه زنان مصری به یوسف باعث شد تا به جای میوه دست خود را بریندند. (۱) اگر انسان و به ویژه جوان بتواند خود را از این دام برهاند و از لذت پست، نگاه، چشم پوشی کند، به طور حتم شیرینی ایمان را خواهد چشید و خواهد فهمید که لذت همیشه در لذت بردن نیست، بلکه گاهی در ترک لذت است؛ چنان که پیامبر (ص) فرمود: «النظر سهم مسموم من سهام ابلیس، من ترکها خوفاً من الله اعطاه الله ایماناً یجد حلاوته فی قلبه؛ نگاه، تیر زهر آلود شیطان است، هر کس به خاطر خداترسی آن را ترک نماید، خداوند ایمانی را به وی می‌بخشد که شیرینی آن را در خویش احساس می‌کند.» (۲)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۳۵

گفتگوی دختر و پسر قبل از ازدواج چه حکمی دارد؟

پرسش:

گفتگوی دختر و پسر قبل از ازدواج چه حکمی دارد؟

پاسخ:

بعد از نگاه، گفتگوی پسر با دختر از مهم‌ترین نمودهای ارتباطی آن‌ها به شمار می‌رود. حال باید دید این مسئله از دیدگاه قرآن چه حکمی دارد؟ آیا دختر و پسر می‌توانند با یکدیگر به گفتگو بنشینند؟ با یکدیگر بحث علمی داشته باشند یا خیر؟

بررسی این مهم پژوهش گسترده‌ای را می‌طلبد، ولی به اجمال باید گفت: قرآن کریم به این مسئله اشاره دارد و صدور جواز اصل گفت و شنود همراه با شرایط آن را بیان کرده؛ می‌فرماید: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ پس به نرمی (و ناز) سخن مگویید، تا کسی که در دلش (نوعی) بیماری است طمع ورزد؛ و سخنی پسندیده بگویید.» (۱) مفهوم این کلام الهی این است که زن و مرد و دختر و پسر می‌توانند با یکدیگر صحبت کنند، ولی با دو شرط:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۳۶. ۱. محتوای سخن

در این زمینه می‌فرماید: «قُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» سخن شایسته باید گفت، نه این که سخنان مهیج و تحریک کننده مانند عزیزم، جانم، فدات شوم، دوست دارم و ... به یکدیگر بگویند.

۲. کیفیت سخن

سخن گفتن زن با مرد و دختر با پسر نباید با ناز و عشوه باشد، بلکه باید به فرمود قرآن «لَمَا تَخْضَعْنَ» ی عنی با نرمی و خضوع (نازکی) در گفتار همراه نباشد؛ زیرا این گونه سخن گفتن باعث تحریک انسان می‌شود؛ از این رو قرآن این تدبیر را برای سالم سازی جامعه اتخاذ کرد و فرمود: «فَيَطْمَعُ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ»؛ بیمار دلان با این سخنان طمع پیدا می‌کنند.

سخنان کذایی با شیوه‌ای تحریک‌آمیز، در وهله اول دل‌های بیمار و آنان که جنون جنسی دارند را به هوس می‌اندازد و باعث شعله‌ور شدن غریزه شهوتش در آن‌ها می‌شود و در وهله دوم، امنیت خود دختر و زن را به مخاطره می‌اندازد و شکی نیست که هم بهداشت روانی افراد باید حفظ شود و هم امنیت جانی و روانی آنان.

در نتیجه دختر و پسر و زن و مرد درباره مباحث علمی، پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و مانند این‌ها، با همکار، همکلاس، استاد و ... به شرط آن

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۳۷

که قصد لذت بردن در کار نباشد و ایمن از آلوده شدن به گناه باشند، سخن می‌گویند.

آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی - از فقهای بزرگ - می‌نویسد: شنیدن صدای زن در صورتی که تلذذ و ریبه نباشد، جایز است. (۱)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۳۹

دست دادن دختر و پسر چه حکمی دارد؟

پرسش:

دست دادن دختر و پسر چه حکمی دارد؟

پاسخ:

در قرآن کریم به این مسئله اشاره نشده است و شاید به دلیل روشن بودن آن باشد؛ زیرا وقتی مسئله نگاه و گفتگو بیان شد، دیگر نیازی به طرح این مسئله نیست. از سوی دیگر، بر خلاف دو مورد پیشین که در رویه مسلمانان نمونه‌هایی دارد، برای این مورد در سیره عملی مسلمانان نمونه‌ای به چشم نمی‌خورد، و حتی در بیعت با پیامبر (ص) نیز زنان به آن حضرت دست ندادند، بلکه ظرف آبی واسطه دست پیامبر (ص) و زنان بیعت کننده بود. (۱)

آری در روایات به این مطلب اشاره شده و امامان معصوم (ع) در پاسخ به پرسش اصحابشان، جواز مصافحه (دست دادن) زن و مرد از زیر پوشش را صادر کرده‌اند. سماعه می‌گوید: از امام صاق (ع) درباره دست دادن مرد و زن سؤال کردم، آن حضرت فرمود: «لا يحل للرجل ان يصافح المرأة الا امرأه يحرم عليه ان يتزوجها، اخت او ابنة او عمها و خاله او بنت اخت و نحوها و اما المرأة التي يحل له ان

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۴۰

يتزوجها، فلا يصافحها الا من وراء الثوب و لا يغمزها؛ برای مرد روا نیست که با زنان مصافحه کند، مگر زنانی که ازدواج با آنان حرام است (محرّم‌ها)؛ مانند خواهر، دختر، عمه، خاله، دختر خواهر و امثال این‌ها، و اما زنی که محرم نیست، تنها با استفاده از پوشش می‌تواند مصافحه کند، ولی نباید دستش را بفشارد. روایت دیگری نیز به این مضمون وجود دارد. (۱)

صاحب جواهر الکلام - از فقهای نامدار شیعه - می‌نویسد: مانعی ندارد که زن با مرد اجنبی و برعکس از زیر پوشش مصافحه کند، به شرط آن که التذاذ و ریبه در کار نباشد. (۲)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۴۱

حضور دختران در اجتماع تا چه اندازه جایز است؟

پرسش:

حضور دختران در اجتماع تا چه اندازه جایز است؟

پاسخ:

از جمله مسائل مهم مطرح در روابط پسر و دختر، حضور دختران در جمع جوانان و مردان است. قرآن به این حقیقت نیز اشاره دارد و با پذیرش اصل مسئله، برای آن شرایطی مقرر می‌کند و می‌فرماید: زن مسلمان نباید به هنگام راه رفتن آن‌چنان پاهای خود را بر زمین بکوبد که زینت‌های پنهانش نمایان شود: «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ». «۱» به خوبی ملاحظه می‌شود که کلام وحی نمی‌گوید زن در اجتماع ظاهر نشود، بلکه می‌فرماید به طور معمولی و عادی باشد، تا زیبایی‌ها و زینت‌های پنهانشان آشکار نشود و موجب پیامدهای سوئی نگردد؛ چنان که در جای دیگر می‌فرماید: «وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى»، و همانند خود آرایی (دوران) جاهلیت نخستین، (بازیورها) خود نمایی نکنید. «۲» «تبرج» یعنی

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۴۲

نمایاندن زیبایی‌ها و انگشت‌نما شدن. «۱» در زمان جاهلیت زنان با وضع بسیار زشت و زننده در برابر مردان آشکار می‌شدند که قرآن کریم این شیوه را شایسته زن مسلمان نمی‌داند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۴۳

مواردی که در نگاه دختر و پسر استثنا شده کدام است؟

پرسش:

مواردی که در نگاه دختر و پسر استثنا شده کدام است؟

پاسخ:

قرآن کریم با ترسیم اصل ثانوی، نگاه کردن زن و مرد به یکدیگر را از مطلق نگاه کردن استثنا کرده و فرموده است به هرچه در دیدرس تو قرارداد، می‌توانی نگاه کنی، ولی در نگاه کردن به انسان‌ها «غَضُّ بَصَرٍ» لازم است، در گفتگو و مصافحه با آنان نیز محدودیتی مقرر کرده است؛ اما برای این اصل نیز استثناهایی قرار داده است که در این بخش از نوشتار، به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

البته پیش از بیان موارد استثنا یادآوری چند نکته ضروری است:

- هر شخص مقلد می‌باید جهت تعیین تکلیف در این گونه مسائل به مرجع تقلید خود مراجعه کند؛ زیرا این مسائل نیاز به کارشناسی فقهی بیشتری دارد.

- همه موارد استثنا به جز یکی دو مورد مشروط به این است که نگاه کردن از روی التذاذ و ریه نباشد.

- این استثناها تنها در حکم تکلیفی است نه حکم وضعی؛ بدین معنا که اگر فرض شود در حوزه تکلیف، کسی که به دیدگاه متعادل‌تری رسید، و نگاه

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۴۴

به برخی انسان‌ها و یا مواضعی را از دایره منع بیرون کرد، نمی‌تواند آثار وضعی، تصورات و خطورات رسیده به ذهن را حتی برای یک لحظه از بین ببرد، مگر با توصیه‌های اخلاقی که آن هم باید در متون دینی یافت.

به هر صورت، مواردی از اصل منع از نگاه استثنا شده که عبارت‌اند از:

۱. زنان غیر مسلمان

تعبیر به «للمؤمنین» و «للمؤمنات» (نور/ ۳۱ و ۳۰) بیانگر این است که منع نگاه در راستای کرامت انسان و ایمان او است؛ از این رو، نگاه به زنان غیر مسلمان به شرط آن که همراه با التذاذ و ریه نباشد، اشکالی ندارد؛ چنان که طبق روایتی، امام امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «لابأس بالنظر الی رؤس اهل الذم؛ مانعی نیست که به سر زنان اهل ذمه [زنان یهودی و نصرانی ...] نگاه کنند.» (۱) و در روایت دیگری از پیامبر (ص) آمده است: «لا حرمه لנساء اهل الذمه ان ينظر الی شعورهنّ و ایدیهنّ؛ زنان اهل ذمه حرمتی ندارند و می‌توان به موهایشان و دستانشان نگاه کرد.» (۲)

باید توجه داشت که روا بودن نگاه به زنان کافر جایزه کفرشان نیست، بلکه به دلیل نبودن ایمان در آنان، احترام برخاسته از ایمان نیز از آنان نفی شده است؛ یعنی زن مسلمان و مؤمن، کالای در معرض نمایش نیست و زیبایی و زینتش منحصر به خودش و همسرش می‌باشد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۴۵

۲. زینت آشکار

قرآن به این استثنا تصریح کرده و می‌فرماید: «الما ظهر منها؛ مگر آنچه آشکار است.» از این تعبیر معلوم می‌شود که زینت بر دو نوع است آشکار و نهان؛ حال باید دید زینت آشکار و نهان چیست؟ در اصل معنای زینت در جمله «زینتھن» دو دیدگاه عمده وجود دارد:

نخست این که بعضی مفسران می‌گویند منظور از زینت، جای زینت در بدن است و زینت ظاهر عبارت است از چهره و دو دست و زینت نهان دیگر مواضع بدن است. (۱)

در دیدگاه دوم، برخی دیگر از مفسران زینت را به همان زیور و وسیله آراستن تفسیر کرده‌اند و اموری چون لباس، سرمه، خضاب، انگشتر و حلقه را در ردیف زینت‌های آشکار دانسته، و مواردی چون گوشواره، خلخال (پای برتجن)، دستبند، بازوبند و گردنبند را جزء زیورهای پنهان می‌دانند. (۲)

در روایات نیز دو تفسیر وارد شده است. در روایتی از امام صادق (ع) می‌خوانیم: «الزینة ظاهرة الكحل والخاتم؛ زینت ظاهر عبارت است از سرمه و انگشتر.» و نیز فرمودند: «الخاتم والمسکه زینت آشکار انگشتر و دست‌بند است. (۳) و امام باقر (ع) در روایتی دیگر فرمود: «هی الثیاب و الکحل و الخاتم و»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۴۶

خضاب الکف و السوار، الزینة ثلاث: زینة للناس و زینة للمحرم و زینة للزوج، فاما زینة الناس فقد ذکرناها، و اما زینة المحرم فموضع القلاصه فما فثقها و الدمليج و ما دونه و الخلخال و ما اسفل منه و اما زینة الزوج فالجسد کله؛ منظور از زینت ظاهر، جامه، سرمه، انگشتر و خضاب دست‌ها و انگو است. زینت بر سه نوع است: یکی برای همه و آن همین است که گفتیم؛ دوم، برای محرم‌ها و آن جای گردنبند و بالاتر و جای بازوبند و پایین‌تر است و سوم، زینت ویژه شوهر و آن تمام بدن است. (۱)

طبق دو روایت اول و بخش نخست روایت سوم زینت به همان وسیله آراستن معنا شده است، ولی در ادامه روایت سوم که زینت محارم و زینت شوهر را بیان می‌کند، زینت به جا و محل زیور و زینت تفسیر شده است، و در روایت دیگری امام صادق (ع) در پاسخ کسی که پرسید مرد نامحرم چه مقدار می‌تواند به زن نگاه کند؟ می‌فرماید: «الوجه و الکفان و القدمان»، چهره و دو دست و پشت دو پا. (۲)

این دو تفسیر با هم ناسازگاری ندارند؛ زیرا نمایش زینت به تنهایی معنا ندارد؛ چرا که زیور و زینت همواره با موضعی از بدن

همراه است و معنا ندارد که بگوییم زینت روی لباس مقصود است و اگر به فرض بین این دو تفسیر ناسازگاری باشد، می‌توان به این صورت میان آن‌ها جمع کرد که زینت‌ها و

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۴۷

زیبایی‌های آشکار و موضع آن؛ هر دو با هم مراد است؛ بدین معنا که مواضع آشکار از جمله چهره، دو دست و پشت دو پا با زینت‌های مخصوصشان خواه طبیعی باشد یا مصنوعی، از محدوده منع نگاه استثنا شده است، ولی دیگر مواضع خواه آراسته باشد یا نباشد، نگاه بدان ممنوع است، و چنانچه زیورهایی باشد که زنان با آویزان نمودن آن‌ها به لباس، خود را می‌آرایند، از دائره جواز بیرون است.

۳. مَحْرَم‌ها

ممکن است مردانی پیدا شوند که با سرپچی از دستور نخست (غَضَّ نَظْر) قصد نگاه هوس آلود به زنان را داشته باشند؛ از این رو با طرح مسئله حجاب می‌فرماید: «وَلْيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ؛ و باید روسری‌هایشان را بر گریبان‌هایشان (فرو) اندازند، و زیورشان را آشکار نمایند.» (۱) این بدان معناست که زن با پوشش خویش، از دیدرس مردان دور بماند، لیکن بلافاصله به بیان استثنای آن می‌پردازد و می‌فرماید: «إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ...؛ جز برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدران شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان.» (۲) بنابراین، زن می‌تواند مطلق زینت، خواه ظاهر یا پنهان را برای

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۴۸

گروه یاد شده آشکار نماید و با توجه به سوره نساء که حکم زنان محرم را بیان کرده و می‌فرماید: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ...» (۱) عمو، دایی و نیز پدر و برادر رضاعی به صف مردان محرم و عمه، خاله و نیز مادر و خواهر رضاعی را به جمع زنان محرم اضافه می‌شوند.

بر این اساس، نگاه به افراد محرم و گفتگو با آنان اشکالی ندارد، خواه در خانه و خیابان باشد، یا در اداره و دانشگاه به شرط آن که همراه با ریه و التذاذ نباشد.

۴. افراد فاقد از شهوت

استثنای دیگر بر دامنه منع نگاه و گفتگو این است که زن می‌تواند زینت و زیور خود را در برابر کسانی که فاقد نیروی شهوت و میل جنسی هستند آشکار کند: «أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأَرْبَابِ مِنَ الرِّجَالِ» (ارب) هم به معنای حاجت است و هم به معنای عقل؛ (۲) بنا بر معنای اول مقصود کسانی‌اند که نیازی به زن ندارند؛ مانند مردان پیر. زنان سالخورده نیز به همین نحو مستثنا شده‌اند: «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا؛ و بازنشستگان از زنان که امید به ازدواج ندارند.» (۳)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۴۹

و بنا بر معنای دوم افرادی (هرچند جوان) هستند که هیچ احساس جنسی ندارند و بعید نیست که افراد خصی و خنثی نیز در این استثنا قرار بگیرند.

۵. کودکان

گروه دیگری که از این حکم مستثنا شده‌اند، کودکان‌اند: «أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ؛ یا کودکانی که بر امور جنسی زنان آگاه نشده‌اند.»

تعبیر به «لَمْ يَظْهَرُوا» ممکن است به معنای «لم يطلعوا» باشد؛ یعنی آگاهی ندارند و امکان دارد به معنای «لم يقدرُوا» باشد؛ یعنی توانایی ندارند که بنابر معنای اول، مقصود کودکان غیر ممیز و بنا بر معنای دوم کودکان نا بالغ هستند و در هر دو صورت، به

معنای عدم احساس جنسی است و در نهایت، از حکم منع روابط مستثنا می‌باشند.

۶. زنان

از جمله کسانی که در روابط اجتماعی، از دایره منع مستثنا شده‌اند، زنان هستند: «أَوْ نِسَائِهِنَّ»؛ جالب است بدانیم که معنای این سخن روا بودن نگاه مردان به زنان یا برعکس نیست، بلکه به این معناست که زن می‌تواند زینتش را برای زن مسلمان آشکار کند، و مفهومش این است که زن مسلمان نباید مواضع زینتی خود را برای زن نامسلمانی نمایان کند؛ زیرا ممکن است زنان کافر اگر بر زینت زن مسلمان و زیبایی‌های او آگاه شوند، به مردان خود

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۵۰

منتقل کنند و به این ترتیب زمینه نا امنی برای زن مسلمان فراهم شود. در روایتی از امام صادق (ع) می‌خوانیم: «لا ینبغی للمرأه ان تنکشف بین الیهودیه و النصرانیه فانهن یصفن ذلک لازواجهن؛ روا نیست که زن [مسلمان در میان زنان یهودی و نصرانی برهنه و مکشوف باشد؛ زیرا آن‌ها برای شوهرانشان خواهند گفت.» (۱) نتیجه‌گیری:

نتیجه‌ای که این دسته از آیات قرآن به دست می‌دهد، این است که زن و مرد مسلمان حق دارند با یکدیگر روابط اجتماعی داشته باشند به شرط آن که رعایت محدوده نگاه، محتوای سخن، چگونگی ادای آن و ... را بنمایند، ولی مرد حق ندارد به بدن، مو، زیبایی‌ها و زینت‌های نهان زنان مؤمن نگاه کند و یا آن را لمس نماید و زن نیز حق ندارد با آنان گفتگو هیجان‌برانگیز داشته باشد، و یا با شیوه تحریک‌آمیز سخن بگوید؛ همچنان که نباید خود را در معرض چنین برنامه‌هایی قرار دهد. خواستگاری امری طبیعی:

از آن‌جا که پیش از ازدواج هیچ‌گونه رابطه و علاقه‌ای بین دختر و پسر، یا زن و مرد وجود ندارد و دختر هرچند از خویشاوندان پسر باشد، از جهت لذات سمعی و بصری و زناشویی بیگانه و اجنبی به شمار می‌رود، این سؤال به ذهن پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۵۱ می‌رسد که اصلاً چرا پسر به سراغ دختر می‌رود و از وی خواستگاری می‌کند و چگونه این پسر با شخصی نامحرم درباره همسری با وی گفتگو می‌کند؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت: خواستگاری به حکم طبیعت و فطرت انسانی و نظام آفرینش از سوی مرد صورت می‌گیرد و این یکی از عوامل حفظ حیثیت و احترام زن می‌باشد، و به قول شهید مطهری آفریننده انسان، طبیعت مرد را مظهر طلب و عشق آفرید و زن را مظهر مطلوب و معشوق بودن؛ طبیعت زن را گل، و طبیعت مرد را بسان بلبل، زن را شمع و مرد را پروانه او قرار داد. یکی از تدابیر حکیمانه و شاهکارهای خلقت این است که، در غریزه مرد، طلب و در غریزه زن، جلوه قرار داده است؛ «۱» بنابراین، خواستار است و زن خواسته، گزینش از مرد است و پذیرش از زن؛ از این رو، قرآن نیز در هماهنگی با تکوین می‌فرماید: «وَلَا جُنَاحَ عَلَیْكُمْ فِیْمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكُنْتُمْ فِیْ أَنْفُسِكُمْ؛ و هیچ گناهی بر شما نیست که در مورد خواستگاری زنان (پس از مرگ همسرانشان) به طور سر بسته بدان سخن بگویید، یا [آن را] در دلتان پوشیده دارید.» (۲)

یادآور می‌شویم که مرد با تقاضای خود گزینش می‌کند و زنان آن را می‌پذیرند و این هرگز به معنای خریدن زن به وسیله مرد نیست، بلکه به معنای خریداری زیبایی، هنر و جلوه‌گری زن است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۵۲

اما جواز شرعی و قانونی خواستگاری افزون بر دلالت این آیه از قرآن، در قوانین مدنی نیز بدان تصریح شده است؛ چنان که در ماده ۱۰۳۴ قانون مدنی آمده است: «هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد، می‌توان خواستگاری کرد.» (۱)

درباره این آیه فوق نکاتی وجود دارد که لازم است بررسی شود.

۱. معنای واژگان و مفهوم آیه

«خُطْبَه» بر وزن نُسخه، به معنای سخنرانی کردن است و «خِطْبَه» بر وزن سِرکه، اسم مصدر از اختطاب و به معنای خواستگاری کردن برای ازدواج است. تعریض در مقابل تصریح و رک گویی است؛ یعنی به گونه‌ای سخن بگویند که مقصودش را برساند و در عین حال نام نبرد؛ برای مثال، به جای این که بگوید اگر با من ازدواج کنی سعادت‌مند می‌شوی، بگوید من خیلی خوش اخلاق و زن دوست هستم. «اکنان» بر وزن انسان به معنای پنهان کردن است؛ «لؤلؤ مکنون» یعنی مروارید که در صدف پنهان است. مفهوم آیه این است که شما می‌توانید از زنان خواستگاری کنید، لیکن می‌باید از رک گویی پرهیز نمایید؛ یعنی صورت تعریض و غیر صریح گفته شود، و نیز بر شما گناهی نیست که در دل تصمیم داشته باشید تا با زنی ازدواج کنید.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۵۳

۲. امکان خواستگاری از زنان

زنان در رابطه با خواستگاری چند گروه هستند:

گروه اول: زنان بی همسری هستند که هیچ مانعی از ازدواج با آنها نیست، و تنها با توافق طرفین و اولیای آنها ازدواج صورت می‌گیرد؛ مانند دختران و نیز زنانی که در عده وفات نیستند. خواستگاری از این دسته چه به صورت تصریح و یا تعریض اشکالی ندارد.

گروه دوم: زنان شوهردار و عده داری هستند که به هیچ وجه نباید از آنها خواستگاری کرد؛ زیرا این امر باعث تشویش و لرزش کانون خانواده و یا عامل سرعت در جدایی آنان است.

گروه سوم: زنانی هستند که نکاحشان فسخ شده و یا طلاق بائن گرفته‌اند. خواستگاری از آنها توسط شوهر به تصریح و یا تعریض و از سوی دیگران به تعریض جایز است.

گروه چهارم: زنانی هستند که در عده وفات به سر می‌برند که آیه نیز ناظر به آنهاست. خواستگاری از این گروه به صورت رک و صریح با مشکل روبه‌رو است و می‌باید با تعریض و کنایه انجام پذیرد و راز آن نیز رعایت حریم شوهر سابق از یک سو و نیاز طبیعی زن به همسر از سوی دیگر است.

۳. فراگیر بودن حکم آیه

آیه شریفه درباره زنانی است که همسرشان از دنیا رفته و در عده به سر می‌برند، ولی شمول تعبیر «خِطْبَه النِّسَاء» از یک سو و نبودن مانع در دختران و زنان بی عده از سوی دیگر، و با اولویت در مسئله می‌توان به جواز اصل

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۵۴

خواستگاری و احکام مرتبط بر آن نسبت به همه زنانی که خالی از مانع هستند، حکم کرد؛ در نتیجه به جاست دختر و پسری که قصد ازدواج با یکدیگر را دارند، برای پرهیز از تهمت و افترا و دیگر پیامدها، پیش از جلب موافقت اولیا و به تعبیر قرآن، «الَّذِي يَبْدُوهُ عُقْدَةُ النِّكَاحِ؛ یا کسی که پیوند ازدواج به دست اوست.» (۱) از گفتگوی مستقیم خودداری کنند و آن را به فرد میانجیگر واگذار نمایند، تا با اولیا به ویژه از ناحیه دختر گفتگو شود. همچنین به هنگام خواستگاری با تعریض و کنایه سخن گفته شود تا اثر بدی به دنبال نداشته باشد.

۴. خواستگاری از نامزد دیگران

در این که آیا می‌شود از زنی که از او خواستگاری شده و موافقت کرده است، خواستگاری کرد یا خیر، نظریاتی وجود دارد.

علمای اهل سنت به حرمت فتوا داده‌اند، و برخی علمای شیعه مثل شهید اول و شیخ طوسی نیز با آن‌ها موافق هستند، «۲» دلیل این گروه روایتی است که از پیامبر (ص) رسیده است.

پیامبر (ص) در این روایت می‌فرماید: «لَا يَخْطُبُ أَحَدُكُمْ عَلَيَّ خُطْبَةً خِيَهَ؛ نَباید کسی از شما نامزد دیگری را خواستگاری نماید.» «۳» اما دیگران با دیده تردید بدان نگریسته و یا فتوا به کراهت داده‌اند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۵۵

۵. پرهیز از خواستگاری پنهانی

این نکته‌ای است که قرآن بدان اشاره کرده است: «لَا تُؤَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ و لیکن پنهانی با آنها قرار [زناشوئی نگذارید، مگر آنکه (به کنایه) سخن پسندیده‌ای بگویید.» «۱»

از آن‌جا که در صدر آیه از خواستگاری صریح منع شده، و تنها آن را به صورت تعریض مجاز دانسته است، امکان دارد برخی تصور کنند که در پنهانی اشکال ندارد که به صراحت سخن بگویند از این رو، در ادامه آیه می‌فرماید: در پنهان نیز نباید خواستگاری کرده و وعده ازدواج بگذارید، مگر این که سخنی پسندیده (قَوْلًا مَعْرُوفًا) و توأم با ادب اجتماعی باشد.

این آیه شریفه حکم زنی را که شوهرش از دنیا رفته و هنوز در عده وفات است، بیان می‌کند، ولی با شمولی که در تعبیر «خُطْبَةُ النِّسَاءِ» از یک سو و اهمیتی که نسبت به امور دختران از سوی دیگر وجود دارد، می‌توان به فراگیر بودن حکم در آیه دست یافت.

نمادهای روابط در خواستگاری

به این نکته باید توجه داشته که در مسئله خواستگاری دو نماد از نمادهای روابط میان پسر و دختر قابل استنباط است، یکی نگاه و دیگری گفتگو.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۵۶

الف - نگاه خواستار به خواسته خود

نظر به آنچه گفته شد، نگاه کردن زن و مرد بیگانه به یکدیگر طبق اصول ثانوی حرام است. جوانی هم که می‌خواهد ازدواج کند، تا عقد درست شرعی اجرا نشود، روا نیست که به زن نامحرم نگاه کند؛ اما در خصوص خواستگاری، در مورد نگاه به زن مورد نظر خود، به جواز فتوا داده‌اند و از آیات قرآن نیز می‌توان به این جواز دست یافت.

در قرآن کریم تنها از یک آیه می‌توان بر این مسئله استدلال کرد، آن‌جا که می‌فرماید: «لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدِ وَلَا أَنْ تَبْدَلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ؛ «۱»

بعد از (این همسران، ازدواج با) زنان و اینکه همسران (دیگری) جایگزین آنان کنی، بر تو حلال نیست؛ هر چند نیکویی آنان تو را به شگفت آورد.» از این که فرمود: «وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ» معلوم می‌شود که پیامبر چون قصد ازدواج با زنان دیگر را داشته، می‌توانسته به آن‌ها نگاه کند و از این که خداوند سبحان، پیامبر (ص) را تنها از ازدواج بعدی و تبدیل ازواج نهی کرده، نه از نگاه کردن به آن‌ها، روشن می‌شود که نگاه پیامبر اشکالی نداشته است، و نیز بدیهی است که نگاه اعجاب برانگیز نمی‌تواند لحظه‌ای باشد؛ زیرا تفسیر کردن نگاه پیامبر (ص) به نظرهای تصادفی سخن درستی نیست.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۵۷

مرز نگاه در خواستگاری

در روا بودن نگاه مرد به زن، هنگامی که قصد جدی برای ازدواج دارد، تردیدی نیست، ولی در این که تا چه اندازه و تا کجا می‌تواند نگاه کند و اینکه آیا مرزی وجود دارد یا خیر، بررسی گسترده می‌طلبد که از حوصله این نوشتار بیرون است؛ اما به اجمال می‌توان گفت: از مجموع روایات و فتوای فقها به دست می‌آید زمانی که مرد تصمیم قطعی بر ازدواج گرفت، حق دارد به صورت،

دست، موی، بدن و زیبایی‌های زن مورد نظر خود، در حال ایستاده، در حال راه رفتن، روبه‌رو، یا پشت سر او نگاه کند، به شرط آن که:

۱. امکان فعلی ازدواج با زن باشد، نه این که زن شوهردار و یا عده‌دار باشد که برای ازدواج با وی مانع وجود دارد.
۲. احتمال توافق باشد؛ بدین معنا که اگر مرد به طور قطع بداند که به خواستگاری وی پاسخ مثبت نمی‌دهند، نمی‌تواند نگاه کند.
۳. زن معین شده باشد، نه این که به همه دختران و زنان نگاه کند تا ببیند کدام یک از آنها بیشتر مورد پسند او است.
۴. به قصد لذت بردن نباشد و تنها برای فزونی بینش و بصیرت باشد؛ آری، اگر با این انگیزه به خواسته خود نگریست و در بین نگاه التذاذی حاصل شد مانعی ندارد؛ زیرا که شارع با علم به این امر، نگاه خواستار را روا دانسته است.

بیشتر فقها نیز متعزض این مسئله شده‌اند، ولی به این نکته اشارت نکرده‌اند که آیا زن نیز می‌تواند به خواستگار خود نگاه کند یا خیر؟ تنها علامه حلی با تعبیر «و بالعکس» به این مسئله اشاره کرده است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۵۸

این مسئله نیاز به بررسی تفصیلی دارد، ولی به اجمال می‌توان گفت: وقتی برای دختر حق انتخاب همسر و دست کم در میان خواستگاران وجود دارد، رواست که به خواستار خود با رعایت شرایط نگاه کند.

ب- گفتگوی خواستار با خواسته خود

گفتگو در حقیقت سومین مرحله از مراحل آشنایی پسر با دختری است که قصد ازدواج با وی را دارد که اگر به شیوه درست صورت بگیرد، می‌تواند در استحکام کانون زندگی آینده نقش به‌سزایی داشته باشد؛ بدین معنا که اولاً: با هماهنگی اولیا باشد، ثانیاً: تا آنجا که امکان دارد در حضور آنها باشد و ثالثاً: رعایت موازین شرعی بشود، برای این که اگر ازدواج صورت نگیرد، پیامدهای اجتماعی ناگوار به دنبال نداشته باشد.

به هر صورت، در این گفتگو می‌توان با توجه به مرحله مورد نظر اهداف زیر را تعقیب کرد:

۱. آگاهی از وضعیت ظاهری و قیافه؛
 ۲. اطمینان پیدا کردن به تحقیقات میدانی؛
 ۳. آشنایی با خصوصیات ناگفته و ویژگی‌های ناپیدا؛
 ۴. شناخت دیدگاه‌های اخلاقی، عقیدتی خانواده دو طرف؛
 ۵. آشنایی با مهارت‌ها و مراتب علمی یکدیگر؛
 ۶. آشنایی با آداب و رسوم یکدیگر؛
 ۷. زمینه‌سازی برای انجام تشریفات و مراسم ازدواج.
- پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۵۹
- دوست‌گزینی از جنس مخالف

شاید برای بسیاری از افراد به ویژه جوانان این پرسش مطرح باشد که آیا پسر و دختر می‌توانند پیش از ازدواج با جنس مخالف به بهانه این که شاید در آینده همسر او شود، طرح دوستی بریزند یا خیر؟

پاسخ این است که قرآن در دو جا به طور سر بسته به این مسئله اشاره کرده است؛ یک جا می‌فرماید ... «وَلَا مَتَّخِذِي أَخْدَانٍ» «۱»

و در جای دیگر می‌فرماید: «و لا متخذات اخدان» «۲» «خیدن» بر وزن سدر، به معنای دوستی پنهان است. «۳» در آیه اول به مردان سفارش می‌کند که پنهانی با زنان و دختران اهل کتاب دوست نشوند، و در آیه دوم از دوستی پنهانی زنان (کنیزان) با مردان نکوهش می‌کند.

این دو آیه اگرچه درباره ازدواج با اهل کتاب و کنیزان است، و واژه «خَدَن» در کنار سفاح (زنای آشکار) و در مقابل احسان (عفت) قرار دارد و به معنای زنای پنهانی است، ولی عمل زنا در پنهانی چیزی نیست که بشود بدون دوستی محکم و مطمئن صورت گیرد؛ از این رو، از آن دوستی که مایه چنین عملی است، استفاده می‌شود.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۶۰

الگوی قرآن در روابط دختر و پسر

قرآن کریم با نقل داستان‌های پیامبران و امت‌های پیشین و تقریر آن، در حقیقت درستی عمل مثبت یا منفی بودن آن را تأیید کرده است؛ یعنی هر کجا داستانی را نقل نموده و نسبت بدان موضع‌گیری منفی نکرده، به معنای صدور تأیید و جواز عمل بدان است، و هر جا که پس از نقل داستان آن را مورد نقد قرار داده، به معنای رد آن و در حقیقت نهی از عمل به آن است. در خصوص روابط دختر و پسر می‌توان به داستان موسی (ع) و دختران شعیب اشاره کرد.

موسی (ع) و دختران شعیب

قرآن کریم در بیش از سی سوره، به نقل داستان موسی پرداخته و در هر مورد به یکی از زوایای زندگی این پیامبر بزرگ اشاره کرده است؛ از جمله داستان آشنایی موسی با شعیب پیامبر و دختران او در سور قصص است. داستان از آنجا آغاز می‌شود که موسای جوان از مصر به مدین آمد و به کنار چاه آبی رسید. دید مردم مشغول سیراب کردن چهارپایان خود هستند و کمی آن طرف‌تر دو زن مراقب گوسفندان خویش‌اند و به چاه نزدیک نمی‌شوند: «وَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ» موسی از آن‌ها درباره علت آب ندادن گوسفندانشان پرسید: «مَا خَطْبُكُمَا» چه کار می‌کنید؟ آن‌ها پاسخ دادند: «لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ» ما آن‌ها را آب نمی‌دهیم تا چوپان‌ها همگی از [آبگاہ خارج شوند. این‌جا بود که موسی به همیاری آن‌ها شتافت و به آنان کمک نمود: «فَسَقَى لَهُمَا»، موسی به گوسفندان آن‌ها پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۶۱

آب داد، اما در کنار آن‌ها نماند و به گوشه‌ای رفت: «ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ؛ سپس رو به سایه آورد و گفت: «رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ؛ خدایا، هر خیر و نیکی برای من بفرستی به آن نیازمندم». و این در حالی بود که دختران راه خود را گرفته و به خانه رفتند.

دیری نپایید که یکی از دختران شعیب با نهایت حیا به سراغ موسی آمد: «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ»، و پیام پدر را به وی رساند، و گفت: «إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا؛ پدرم از تو دعوت می‌کند تا مزد سیراب کردن گوسفندان ما را به تو پردازد.»

موسی در حالی که از جلو و دختر شعیب پشت سر راه می‌رفت، حرکت کرده تا به خانه شعیب رسیدند. موسی داستان گرفتاری خود در مصر و مسائل دیگر را با شعیب در میان گذارد. در این میان یکی از دختران پیشنهاد استخدام موسی را مطرح کرد: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ» و این برای این بود که آن دختر موسی را مردی قوی و امین یافته بود: «إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ؛ بهترین کسی که استخدام می‌کنی (شخص) نیرومند درستکار است.»

در نهایت شعیب پیشنهاد ازدواج موسی با یکی از دخترانش را به وی می‌دهد: «قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ؛ من می‌خواهم که یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم.» (۱۱)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۶۲

نکات موجود در این داستان

۱. دختر تنها از خانه بیرون نرود: «مرأتین».
 ۲. مختلط نشدن دختران با جمعیت: «وجد من دونهم» و «لا نسقی حتی یصدر الرعاء».
 ۳. سخن گفتن موسی با دختران: «ما خطبکما».
 ۴. در کار کردن، اولویت با مردان است: «ابونا شیخ کبیر».
 ۵. همکاری موسی با دختران: «فسقی لهما» که ظاهراً به صورت تعاون بوده است نه معاونت.
 ۶. پرهیز از تداوم ارتباط: «ثم تولی الی الظل».
 ۷. رعایت شرم و حیا: «تمشی علی استحیاء».
 ۸. ارتباط با اذن پدر: «ان ابی یدعوک».
 ۹. پیشنهاد رفاقت و اجرت: «یا ابت استأجره».
 ۱۰. ارتباط وسیله شناخت: «القوی الامین»؛ زیرا دختران شعیب یافته‌های خود را به پدر منتقل کرده بودند و او را آن گونه که شناخته بودند معرفی نمودند.
- تردیدی نیست که مواردی از این امور ده گانه می‌تواند نشانه جواز رابطه گفت و شنودی و نگاه میان دختران و پسران باشد، ولی با رعایت آنچه گذشت؛ در ضمن پسران نیز می‌توانند به دختران کمک کنند، ولی هنگامی که کار به پایان رسید، نباید به بهانه‌های واهی با یکدیگر به اختلاط پردازند، بلکه باید از هم فاصله بگیرند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۶۳

اصل ثانوی

با آنچه از آغاز تا انجام گفته شد، به این نتیجه می‌رسیم که اصول اولیه در روابط زن و مرد و به اصطلاح دموکراسی جنسی و کام‌یابی آزادانه مردان از زنان و معاشرت‌های لذت‌بخش سمعی و بصری مورد تأیید اسلام نیست و به این اصول تبصره‌ها و استثناهایی وارد شده است، تا آن‌جا که در رابطه با انسان اصل را به روا نبودن نگاه و گفت و شنود گذاشته و لمس و بوسیدن را جز برای محارم جایز نمی‌شمارد، و میان دختر و پسر حریمی به ضخامت حجاب و صلابت عفاف قرار داده است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۶۵

چرا در جامعه ما مرد به خواستگاری زن می‌رود؟

پرسش:

چرا در جامعه ما مرد به خواستگاری زن می‌رود؟

پاسخ:

خواستگاری در لغت به معنای «درخواست ازدواج کردن از دختر یا زن»^۱ است و در اصطلاح فقهی به آن «خطبه» اطلاق می‌شود و آن عبارت است از درخواست مرد از زن برای ازدواج که قبل از مراسم عقد و اجرای صیغه ازدواج صورت می‌گیرد.

زن در فرهنگ ایران-جامعه ما- گوهری گران‌بها و ارزشمند مورد خواست مرد بوده و از قدیم‌الایام رسم بر این بوده است که مردان به عنوان خواستگار نزد زنان یا خانواده آن‌ها می‌رفتند و تقاضای همسری می‌کردند. این رسم ضمن سازگاری با روحیه لطیف زنان، با حیای اجتماعی نیز به طور کامل سازگار است و از جمله عوامل حفظ حیثیت و حرمت زن شمرده می‌شود؛ البته خواستگاری در میان هر قوم و ملتی آداب و سنن خاصی دارد پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۶۶

که عرف عامه مردم، آن را ترسیم می‌کند و اوضاع و شرایط زمان و مکان آن را تغییر می‌دهد.

این عمل از سوی اسلام مورد توجه قرار گرفته و در دستورهای ائمه اطهار (ع) آداب و سنن خاصی برای آن شمرده شده است؛ از جمله این که از لحن روایات می‌توان استفاده کرد که خواستگاری از طرف مرد می‌باشد؛ برای نمونه، از امام صادق (ع) روایت شده است به شخصی که قصد ازدواج داشت، فرمود: «دقت کن خودت را کجا قرار می‌دهی و چه کسی را شریک اموال خودت می‌کنی و بر دین و اسرار خود آگاه می‌گردانی»؛ «۱» «زن چون گردنبد است، بنگر که چه به گردن می‌آوری.» «۲» البته در آیات قرآن خواستگاری حضرت شعیب از موسی (ع) برای یکی از دخترانش مطرح شده است «۳» که خواستگاری خانواده عروس از داماد است.

حکمت‌ها و اسرار خواستگاری مرد از زن

۱. خداوند طبیعت مرد را مظهر طلب، عشق و تقاضا، و زن را مظهر مطلوب بودن و معشوق بودن آفریده است. طبیعت زن را گل و مرد را بلبل، زن را شمع و مرد را پروانه قرار داده است. از بزرگ‌ترین عوامل حفظ حیثیت و حرمت زن این است که مردان به خواستگاری زنان می‌روند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۶۷

این که زن به دنبال مرد برود خلاف حیثیت و حرمت زن است. برای مرد قابل تحمل است که از زنی خواستگاری کند و جواب رد بشنود و از زن دیگری خواستگاری کند، ولی برای زن که می‌خواهد محبوب و معشوق و مورد ستایش باشد و بر قلب مرد بلکه بر سراسر وجودش حکومت کند، قابل تحمل نیست که مردی را به همسری خود دعوت کند و احیاناً جواب رد بشنود.

۲. خواستگاری جنس مذکر از مونث شیوه‌ای طبیعی است که این اختصاص به جنس بشر ندارد بلکه حیوانات نیز معمولاً همین گونه عمل می‌کنند.

در نتیجه، اصل طبیعی و غریزی در خواستگاری این است که طلب از سوی مرد اعلام شود و پذیرش و رضایت از سوی زن باشد. ۳. عرف و عادت در نوع خواستگاری و کیفیت آن تاثیر دارد و لازم است عرف هر منطقه رعایت شود تا افراد مورد تمسخر قرار نگیرند؛ برای مثال، در هند بسیار می‌شود که خواستگاری از ناحیه خانواده عروس صورت می‌گیرد. آن‌ها به سراغ خانواده داماد و انتخاب او می‌روند و حتی سعی می‌کنند با تعهد جهیزیه‌های سنگین دل آن‌ها را به دست آورند. در بسیاری از کشورهای غربی هر دو به خواستگاری یکدیگر می‌روند. دختر و پسر مشخصات خود را در بعضی از روزنامه‌ها عنوان کرده و آمادگی خود را برای ازدواج با همسری که دارای شرایط و مشخصاتی چنین و چنان باشد، اعلام می‌کند. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۶۹

معیار انتخاب همسر شایسته از نظر قرآن چیست؟

پرسش:

معیار انتخاب همسر شایسته از نظر قرآن چیست؟

پاسخ:

آیات متعددی از قرآن کریم ویژگی‌های همسر شایسته را برمی‌شمارد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. اسلام

قرآن کریم می‌فرماید:

«عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكَنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَنَّ مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا؛ «۱»

امید است که اگر شما را طلاق دهد، پروردگارش همسرانی بهتر از شما برای او جایگزین کند، (زنانی) مسلمان، مومن فرمانبردار [فروتن، توبه کار، پرستشگر، روزه‌دار، بیوه و دوشیزه.]

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۷۰

از این آیه شریفه به دست می‌آید که همسر مناسب برای زندگی، باید مسلمان باشد و شرایط مسلمانی را رعایت کند و قرآن کریم ازدواج با غیرمسلمان را برای پیروان خویش سفارش نمی‌کند.

۲. ایمان

ویژگی دیگری که در این آیه و آیات دیگری از قرآن مطرح شده، ایمان است؛ چنان‌که قرآن کریم در سوره بقره آیه ۲۲۱ می‌فرماید:

«... وَلَآئِمَّةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ... وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ؛ «۱» ... و مسلماً کنیز با ایمان، از زن (آزاد بت پرست) مشرک بهتر است؛ و اگر چه شما را به شگفت آورد. ... و مسلماً برده با ایمان، از مرد (آزاد بت پرست) مشرک، بهتر است؛ و اگر چه شما را به شگفت آورد.»

«ایمان» یعنی اعتقادی که در اعماق قلب انسان نفوذ کند.

می‌توان گفت: مهم‌ترین شرطی که قرآن کریم در آیات متعدد برای همسر مطرح می‌کند، ایمان و اعتقاد داشتن او است؛ زیرا ایمان و اعتقاد به خداوند و اسما و صفات او و باور قلبی به روز قیامت و حساب‌رسی دقیق آن، از آدمی انسانی متعهد می‌سازد؛ انسانی که شرایط یک همسر خوب را دارد و حقوق همسر خود را زیر پا نمی‌گذارد. در واقع ایمان واقعی، سبب و سرمنشا همه خوبی‌ها است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۷۱

آری، نه مهریه‌های سنگین و نه الزامات دیگر هیچ‌کدام نمی‌تواند مانند «ایمان» و «اعتقاد» شخص را به زندگی و مسئولیت‌های آن پایبند کند.

بنابراین، اگر در فردی «ایمان قوی» یافتیم، می‌توانیم امیدوار باشیم که گزینه‌های دیگر را نیز دارد یا اگر ندارد، می‌تواند آسان‌تر به دست آورد.

۳. تواضع و فرمان‌برداری (قانتات)

براساس آی فوق، تواضع و پرهیز از تکبر و خودخواهی و فرمان‌برداری یک ویژگی لازم برای همسر است. مادر خانواده اگر اهل فرمان‌برداری نباشد و خضوعی را که دین و وظیفه او خواننده، ابراز نکند، زندگی از مسیر طبیعی و فطری خود خارج می‌شود و مشکلات متعددی به بار می‌آورد؛ البته متواضع بودن زن به معنای ابراز عقیده و اظهار نظر نکردن او نیست؛ همچنین به این معنا نیست که همیشه حرف پدر خانواده باید حرف اول و آخر باشد، بلکه از مجموع آیات و روایاتی که در این زمینه وارد شده، چنین به دست می‌آید که مرد نقش مدیر خانواده را دارد که باید با اعمال مدیریت زندگی را اداره کرده و حقوق همه را رعایت کند، و زن نقش مشاور و مدیر داخلی خانه را دارد و مدیر لایق کسی است که اگر دید یکی از اعضای خانواده، اگرچه فرزند کوچک خانواده باشد، حرف حقی را ابراز می‌کند، سخن او را ملاک عمل قرار دهد.

۴. اعتراف به خطا و جبران آن (تائبات)

منظور از توبه کار بودن این است که اگر اشتباهی انجام داد درصدد جبران برآید و با عذرخواهی و ابراز پشیمانی و عزم بر جبران آن، مشکلات به

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۷۲

وجود آمده را برطرف سازد. که اگر بعد از انجام اشتباه، متکبران بر خطای خود اصرار کند و حاضر به عذرخواهی صادقانه نباشد، گام به گام به سست کردن ستون‌های زندگی خود نزدیک می‌شود.

۵. عبادت و بندگی خداوند (عبادات)

عبادت خداوند تاثیر بسزایی در تنظیم روحیه و افکار افراد دارد و باعث آرامش و بهداشت روان و لطافت روح شده و موجبات تقویت ایمان و صالح شدن اعمال آدمی را فراهم می‌کند؛ از این رو، قرآن یکی از شرایط همسر را اهل عبادت بودن می‌داند؛ چنان‌که در سوره عنکبوت می‌خوانیم:

«و نماز را برپا دار [چرا] که نماز از [کارهای زشت و ناپسند باز می‌دارد، و البته یاد خدا بزرگ‌تر است و خدا آنچه را با زیرکی انجام می‌دهید، می‌داند.» (۱)

بدین ترتیب نقش عبادت در سلامت زندگی معلوم می‌شود.

۶. سیر طریق اطاعت خدا و اهل معصیت نبودن (سائحات)

«سائحات» جمع (سائح) را بسیاری از مفسران به معنای «صائم» و روزه‌دار تفسیر کرده‌اند، ولی به طوری که «راغب» در «مفردات» می‌گوید روزه بر دو گونه است: «روزه حقیقی» که به معنای ترک غذا و آمیزش است، و «روزه حکمی» که به معنای نگهداری اعضای بدن از گناهان است، و منظور

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۷۳

از روزه در این آیه، معنای دوم می‌باشد. این گفته «راغب» با توجه به مناسبت مقام جالب به نظر می‌رسد، ولی باید دانست که «سائح» را به معنای کسی که در طریق اطاعت خدا سیر می‌کند نیز تفسیر کرده‌اند. (۱)

با توجه به مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت: کسی که اهل انجام محرمات الهی می‌باشد و حدود الهی را رعایت نمی‌کند، نمی‌تواند فرد مناسبی برای زندگی باشد؛ زیرا کسی که حقوق الهی را رعایت نمی‌کند و بی‌باکانه با خدا مخالفت می‌نماید، چگونه حقوق بنده او را رعایت خواهد کرد؟! (۲)

۷. عیب پوشی و تامین نیازهای همسر:

قرآن کریم در سوره بقره آیه ۱۸۷ می‌فرماید:

«هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ؛ آنان لباسی برای شما، و شما لباسی برای آنان هستید.»

«لباس» از یکسو انسان را از سرما و گرما و از خطر برخورد اشیا با بدن حفظ می‌کند و از سوی دیگر، عیوب او را می‌پوشاند و افزون بر این دو، زینتی است برای تن آدمی، و این تشبیه در آیه به همه این نکات اشاره دارد؛ زیرا دو همسر شایسته که عیوب همدیگر را می‌پوشانند، وسیله راحتی و آرامش

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۷۴

ی

کدیگرند و هر یک برای دیگری زینت می‌باشند و مهم‌تر این که یکدیگر را از انحراف‌های جنسی حفظ و این نیاز را نیز تامین می‌کنند. (۱)

تعبیری که در آیه درباره زن و شوهر آمده، کاملاً ارتباط معنوی مرد و زن و نزدیکی آن‌ها به یکدیگر و همچنین مساوات آن‌ها را در این زمینه روشن می‌سازد؛ زیرا همان تعبیر که در مورد مردان آمده، درباره زنان نیز آمده است. (۲)

۸. مهربانی

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (۳)

و از نشانه‌های او این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید، تا بدان‌ها آرامش یابید و در بین شما دوستی و رحمت قرارداد؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.

چنان‌که آیه شریف می‌فرماید، فلسفه ازدواج سکونت و آرامش جسمی و روحی می‌باشد و راز بقای آن مهربانی و مودت زن و شوهر است. حال که

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۷۵

چنین است، پس باید یکی از شرایط اساسی همسر شایسته را اهل مودت و مهربانی بودن شمرد؛ چرا که اگر شخصی اهل عاطفه و ابراز آن نباشد، در زندگی آینده خود دچار مشکل خواهد شد و نمی‌تواند نیاز عاطفی همسر و فرزندان خود را تامین کند.

۹. صالح بودن (تعهد و مسئولیت‌پذیری)

خدای متعال می‌فرماید:

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ» (۱)

و افراد بی‌همسران، و شایستگان از بندگانتان، و کنیزانتان را به ازدواج (یکدیگر) در آورید؛ اگر نیازمند باشند، خدا از بخشش خود آنان را توانگر می‌سازد؛ و خدا گشایشگری داناست.

از نظر قرآن صالح بودن برای ازدواج شرط است. صالحان چه کسانی هستند؟ در این رابطه در تفسیر المیزان چنین می‌خوانیم:

و مراد از «صالحین» صالح برای ترویج است، نه صالح در اعمال.

از این رو، باید کسانی را به عنوان همسر انتخاب نمود که به بلوغ فکری و اجتماعی و ... که برای زندگی لازم می‌باشد، رسیده باشند و به عبارت بهتر، مسئولیت‌پذیر و توانایی ایفای نقش را داشته باشند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۷۶

۱۰. سنخیت و همتایی

قرآن کریم در سوره نور آیه ۲۶ می‌فرماید:

«الْحَبِيبَاتُ لِلْحَبِيبِينَ وَالْحَبِيبُونَ لِلْحَبِيبَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ؛ زنان پلید از آن مردان پلیدند، و مردان پلید از آن زنان پلیدند؛ و زنان پاک (نیکو)، از آن مردان پاک (نیکوی) ند، و مردان پاک (نیکو) از آن زنان پاک (نیکوی) ند! آنان از آنچه می‌گویند، بر کنارند؛ و برای آنان آموزش و روزی ارجمندی است.»

این آیه کریمه نیز به اصل مهم دیگر به نام «همانند بودن» اشاره می‌کند؛ مسئله اساسی که با نبود آن زندگی صحنه ناسازگاری‌ها و اختلافات خواهد شد. آری، اگر زن و شوهر از نظر فکری و ارزش‌های روحی با هم سنخیت نداشته باشند و هر کدام برای امری خاص اهمیت ویژه قائل باشند و نقاط اشتراک آن‌ها خیلی کم باشد، سرانجام این زندگی یا طلاق است و یا باید زندگی ناهمگون خود را به سختی ادامه داده و همدیگر را تحمل کنند و شاهد به فعلیت نرسیدن استعدادها و از بین رفتن فرصت‌ها باشند (که در چنین مواقعی وضعیت فرزندان نیز روشن است).

پس پاکان باید به دنبال امثال خود بوده و ناپاکان یا باید خود را پاک کرده و با پاکان وصلت کنند و از این رهگذر سعادت خود و فرزندان خود را رقم بزنند و یا با امثال خود ازدواج کنند. (۱)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۷۷

در هنگام مخالفت پدر و مادر با ازدواج، چه باید کرد؟

پرسش:

در هنگام مخالفت پدر و مادر با ازدواج، چه باید کرد؟

پاسخ:

امر ازدواج فواید بسیاری دارد و هیچ شالوده‌ای مقدس‌تر از بنای رفیع ازدواج نیست «۱» و هر ملتی در دین و آیین خود، به نوعی از آن بهره‌مند است و دین اسلام بیش از همه، بر آن تاکید دارد. فقیهان ازدواج را از مستحبات موکد بر شمرده و آن را برای کسی که به سبب نگرفتن همسر به گناه بیفتد، واجب دانسته‌اند. پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر کس ازدواج کند، به درستی که از نصف دینش پاسداری کرده است. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۷۸

آری، ازدواج دارای چند فایده است: ۱. بقای نسل؛ ۲. آرامش و تعادل روحی و جسمی؛ ۳. سلامت اخلاقی و اجتماعی جامعه؛ ۴. ارضای حسّ محبت کردن و مورد محبت قرار گرفتن، و «۱»

البته هر کس قصد ازدواج دارد و به دنبال زندگی سعادت‌مندی است، باید عجلولانه اقدام نکند، بلکه با استفاده از تجربیات دیگران به ویژه پدر و مادر و عقل و شرع اقدام نماید. ازدواج امری است که استاد راهنما می‌خواهد و بهترین معلم، فطرت و موفق‌ترین واعظ و راهنما، عقل بیدار انسان است که همواره با او و مراقب او است؛ اما بی‌شک باید در آنچه نمی‌دانیم و آنچه از کمال و معنویت می‌خواهیم و نداریم، از آگاهان کمک بگیریم، این سنت الهی برای بشر است، حتی کسی چون موسی (ع) که پیامبر اولوالعزم بود، از کسی چون خضر بی‌نیاز نبود «۲» و در امر خطیر ازدواج چه کسی آگاه‌تر و دلسوزتر از پدر و مادر انسان است؟ فتوهای مراجع بزرگوار تقلید در مورد اذن پدر:

پرسش: آیا در ازدواج با دختر باکره اجازه پدر او واجب است؟

پرسش: آیا در ازدواج با دختر باکره اجازه پدر او واجب است؟

امام (ره) و سیستانی: آری، باید اجازه او باشد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۷۹

بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، صافی، فاضل، مکارم و وحید: بنا بر احتیاط واجب باید اجازه او باشد.

نوری: خیر، به طور کلی اجازه پدر یا جد پدری دختر لازم نیست، ولی اگر بخواهد به احتیاط عمل کند، بر فرض مسئله اجازه او لازم است. «۱»

پرسش: اگر دختر گفت پدر و مادرم رضایت قلبی به ازدواج دارند، آیا می‌توان به گفته او بدون اذن پدر با او ازدواج کرد؟

همه مراجع: در اذن پدر، اظهار لازم است و رضایت قلبی کافی نیست. «۲»

شرط صحت ازدواج در صورت عدم اذن ولی

پرسش: در صورتی که دختر و پسری هم کفو باشند، ولی پدر دختر مخالف ازدواج آن‌ها باشد، آیا باز هم رضایت او لازم است؟ (باید توجه داشت دختر بالغ و رشیده است و نیاز به ازدواج دارد)

همه مراجع (به جز بهجت، تبریزی، صافی): اگر پسر شرعاً و عرفاً کفو و همتای دختر باشد، اجازه پدر لازم نیست.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۸۰

بهجت و تبریزی: اگر پسر شرعاً و عرفاً کفو و همتای دختر باشد و ازدواج هم به مصلحت او باشد، اجازه پدر لازم نیست.

خامنه‌ای و صافی: اگر پسر شرعاً و عرفاً کفو و همتای دختر باشد و کفو دیگری نیز پیدا نشود، اجازه پدر لازم نیست.

اذن ولی یک امر قانونی

در قانون مدنی در ماده ۱۰۴۳، اذن پدر یا جد پدری در نکاح دختر باکره لازم شمرده شده است. «۱»

فرق رضایت با اذن

«اذن» به معنای رخصت است که گاهی در زبان فارسی به آن «اجازه» گویند و فرق اذن ولی با رضایت امر در این است که اگر فقط رضایت و میل قلبی در مورد آن کار باشد، رضایت نامیده می‌شود و اگر رضایت به معنای قصد انشا به کار برود و به وسیله‌ای ابراز گردد، «اذن» خوانده می‌شود. «۲»

پس برای ازدواج افزون بر رضایت، اذن نیز لازم است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۸۱

حکمت دادن اذن ولی

دخالت در ازدواج دختری که به سن بلوغ رسیده است، برخلاف اصول و قواعد می‌باشد، ولی قانون‌گذار برای حمایت از نهاد مهم خانواده و پیش‌گیری از انحراف‌های اجتماعی چنین حکمی را مقرر کرده است؛ زیرا دختران به دلیل کم‌تجربگی و یا غلبه عواطف و احساسات ممکن است بدون بررسی کافی و بدون در نظر گرفتن مصلحت خود به ازدواجی نامناسب اقدام کنند و گرفتار هوس‌بازی مردان هرزه و ناپاک شوند. قانون مدنی در این حکم از نظر رایج میان فقیهان معاصر پیروی کرده است. «۱»

موارد سقوط اعتبار اذن ولی

اذن ولی در مواردی ساقط خواهد شد که عبارت‌اند از:

۱. منع غیر موجه ولی:

در صورتی که ولی از اختیار خویش سوء استفاده کند و بدون دلیل یا به دلیلی غیر موجه از ازدواج دختر باکره با همسر مناسب و شایسته جلوگیری کند، وجهی برای بقای اذن او باقی نمی‌ماند که در ذیل قانون ۱۰۴۳ به آن اشاره شده است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۸۲

۲. عدم دسترسی به ولی:

در صورتی که پدر یا جد پدری غایب بوده، به آن‌ها دسترسی نباشد، طبق نظر فقیهان امامیه دختر می‌تواند بدون اذن ولی با همسر شایسته و همتای خویش ازدواج کند که در ماده ۱۰۴۴ ذکر شده است.

۳. حجر یا فوت ولی:

اگر پدر یا جد پدری دختر به علتی محجور و تحت قیمومیت باشد، اذن شخص دیگری مانند قیم او لازم نمی‌باشد؛ همچنین اگر پدر یا جد پدری دختر از دنیا رفته باشند، دختر مکلف به کسب اذن شخص دیگری نیست و اعتبار اذن ولی ساقط است. «۱»

منابعی جهت مطالعه بیشتر

۱. بررسی فقهی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن، دکتر سید مصطفی محقق داماد، انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۹.

۲. حقوق خانواده- نکاح و انحلال آن، سید حسین صفایی و اسدالله امامی، انتشارات چاپ دانشگاه، چاپ چهارم، تهران ۱۳۷۴، ص ۷۸ تا ۱۰۴.

۳. احکام ازدواج- دایم و موقت، سید حجت موسوی خویی، انتشارات نشر نسیم انتظار چاپ دوم ۱۳۸۴. ش.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۸۳

آیا «قسمت بودن» در ازدواج از نظر اسلام صحیح است؛ یعنی مشخص است که در آینده با چه فردی ازدواج می‌کند؟

پرسش:

آیا «قسمت بودن» در ازدواج از نظر اسلام صحیح است؛ یعنی مشخص است که در آینده با چه فردی ازدواج می‌کند؟

پاسخ:

بخش اول پرسش:

۱. مقصود از قسمت بودن

واژه «قسمت» که در روایات از آن به «قضا و قدر» یا همان «تقدیر و سرنوشت» تعبیر می‌شود، در بین مردم به معنای «توفیق» نیز به کار می‌رود که البته با دقتی در مورد آن، به همان معنای «تقدیر و سرنوشت» است؛ برای مثال؛ به کسی می‌گوییم: آیا به کربلا برای زیارت رفته‌ای؟ می‌گوید: «قسمت نبود».

۲. راستی چرا برخی در هر جا و سر هر مسئله می‌گویند: قسمت این بود؟ پاسخ آن را از دو جهت می‌توان بررسی کرد:

نگاه اول: گاهی به خاطر کم کاری، بی‌احتیاطی و آگاهی نداشتن کلمه «قسمت» بر زبان آورده می‌شود. با بی‌احتیاطی به ماشین شخصی می‌زند، می‌گوید قسمت بود، آگاهی از مسئله‌ای ندارد و به نوعی دچار گرفتاری می‌شود، می‌گوید قسمت این بود و هزاران قسمت گفتن دیگر از این قبیل.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۸۴ آری، درست است که به نوعی تقدیر الهی بوده است، ولی چرا او دقت نکرده است؟! می‌توانست احتیاط کند تا تصادف نکند، می‌توانست علم و آگاهی کسب کند تا گرفتار نشود؛ زیرا اراده انسان هم جزء تقدیر الهی است.

حال در این موارد چون شخص به ماشینی زده و دچار گرفتاری شده است، برای این که مقداری از فشار عصبی و روحی‌اش کم شود، می‌گوید: «قسمت بود و خدا این طور خواسته بود» که البته «انصاف» هم در این جا به خوبی نمایان است؛ زیرا خداوند قوانین و سنت‌های هستی را به او معرفی کرده و به او علم و آگاهی و اراده داده بود و او باید با «علم و آگاهی» و «اراده» خود راه صحیح را انتخاب می‌کرد تا دچار مشکل نشود.

نگاه دیگر: تمام جوانب کار در نظر گرفته می‌شود و با تحقیق، مشورت و نیز رعایت نکات مختلف ازدواج صورت می‌پذیرد؛ آن‌گاه سخن از «قسمت بودن» نیز مطرح می‌گردد؛ این «قسمت» یعنی همان قضا و قدر صحیح؛ همان سرنوشتی که برایمان رقم خورده است؛ یعنی حال که به تمام وظایف خود عمل کرده و هیچ کوتاهی نکرده‌ایم، می‌توانیم ادعا کنیم که «قسمت» بود.

و بالاخره همان سرنوشتی که باید بدان راضی باشیم؛ همان گونه که امام حسین (ع) در آخرین لحظات عمر گرامی‌اش فرمود: «صبراً علی قضائک یا رب لا اله سواک» (۱)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۸۵

اگر تعیین شده که در آینده با چه کسی ازدواج می‌کنیم، آیا این مصداق جبر نیست؟

بخش دوم پرسش:

اگر تعیین شده که در آینده با چه کسی ازدواج می‌کنیم، آیا این مصداق جبر نیست؟

در جواب این طور می‌گوییم:

این که خداوند می‌داند شما با چه کسی در آینده ازدواج می‌کنید، با اختیار شما منافات ندارد؛ زیرا انسان تصمیم‌های زندگی را به اراده و اختیار خویش می‌گیرد و خداوند به این اراده علم دارد؛ یعنی خداوند می‌داند که شما در آینده کدام مورد را به اراده خود

انتخاب می‌کنید؛ برای مثال، در خیابانی ترافیک طولانی شده و رانندگان خبر ندارند چرا راه بسته شده است، حال اگر شخصی از بالای ساختمانی که به خیابان مشرف است، ببیند که علت بسته شدن راه سرپیچی یک راننده از قوانین راهنمایی و رانندگی است که موجب تصادف و بسته شدن راه شده است، ولی سایر رانندگان خبر نداشته باشند که صد متر جلوتر چه اتفاقی افتاده است، حال سوال این است آیا او که از بالای ساختمان آگاهی پیدا کرده، در این ترافیک نقش داشته است و باعث ترافیک شده است؟!

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۸۶

در مثال ازدواج نیز چنین است. خداوند متعال با علم بی‌کران خود خبر دارد که شما روزهای آینده با چه کسی ازدواج می‌کنید و اگر ما با تصمیم اشتباه سرپیچی از قوانین زندگی در ترافیک زندگی بمانیم، آیا تقصیر او است که از این مسئله خبر داشته است؟! یادآوری: با توجه به آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع) حکمت‌های برخی تقدیرات الهی که برای انسان رقم می‌خورد، برای ما معلوم است؛ از جمله:

الف- وجود حوادث و مشکلات، حکمت‌هایی مانند «شکوفای شدن استعدادها» و همچنین «امتحان و آزمایش الهی» دارد که برای رسیدن به مقام‌های بالاتر و رحمت بیشتر است؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «وَلَتَبْلُوَنَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ...» (۱)

و قطعاً [همه شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهشی در ثروت‌ها و جان‌ها و محصولات، آزمایش می‌کنیم؛ و به شکیبایان ...] ب- چه بسیار چیزهایی که ما داریم یا در اختیار دیگران است و ما در آرزوی داشتن آن هستیم، ولی در حقیقت آن‌ها «نعمت» نیست، بلکه «نقمت» اند و چه بسیار چیزهایی که فکر می‌کنیم «نقمت» است، ولی در حقیقت «نعمت» می‌باشند. خداوند متعال با این آیه شریفه: «... عَسَىٰ أَنْ

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۸۷

تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (۱)

آرامشی جدید به ما هدیه می‌کند تا به رضای الهی راضی باشیم.

ج- از طرفی برخی مشکلات که در زندگی برای ما پیش می‌آید، نتیجه اعمال و رفتار خود ماست [گناهان یا تصمیمات اشتباه؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «و اگر (بر فرض) اهل آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و خودنگهداری (و پارسایی) می‌کردند، حتماً برکاتی از آسمان و زمین بر آنان می‌گشودیم؛ ولیکن (آنان حق را) تکذیب کردند؛ پس بخاطر آنچه همواره کسب می‌کردند، گرفتارشان کردیم.» (۲) و در آی دیگر می‌فرماید: «... و هر کس [خودش را از] عذاب خدا حفظ کند، برایش محل خارج شدن (از مشکلات) قرار می‌دهد؛ و او را از جایی که نمی‌پندارد روزی می‌دهد؛ و هر کس بر خدا توکل کند پس او برایش کافی است...» (۳) و در آیه دیگر می‌فرماید:

«بخاطر دستاورد مردم، تباهی در خشکی و دریا آشکار شد؛ تا (سزای) بعضی از آنچه انجام داده‌اند را به آنان بچشانند! باشد که آنان

باز گردند...» (۴) پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۸۸

با توجه به آیات فوق به این نتیجه می‌رسیم که تقوا در رقم خوردن سرنوشت ما نقش مهمی دارد؛ از این رو با رعایت «تقوا» می‌توانیم «سرنوشت» خود را با دست خود، به نفع خود رقم بزنیم و اگر در گذشته خطا یا گناهی از ما سرزده، می‌توانیم توبه کنیم و با «استغفار» از گناهان گذشته طلب بخشش کنیم؛ زیرا: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ...» (۱) و با دعا آینده‌ای زیبا را طلب کنیم که «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (۲).

نتیجه:

از آنچه بیان کردیم بر می‌آید که تمام تقدیرات عالم هستی و انسان به دست قدرت خداوند رقم می‌خورد و او است که «عَزُّ مَنْ

تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ؛ «۳»

یعنی هر که را بخواهد (و شایسته بداند) عزت می‌دهد و هر که را بخواهد، خوار می‌کند. پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۸۹

بنابراین، تمام تقدیرات و سرنوشت انسان به دست خداست، ولی قرآن بفرمانده انسان «۱» را به اندازه تلاش و کوشش او می‌داند؛ از این رو، چیزهایی مانند تلاش انسان، اختیار انسان و دعای انسان و ... جزء تقدیرات الهی می‌باشد که انسان می‌تواند با تلاش، علم، آگاهی، دعا و جز این‌ها خود را در حلق «شایستگان» وارد کند و به تعبیر دیگر، خود را از حلق «خوارشوندگان» خارج کند و شایسته عزتمندی شود تا خداوند او را عزت بخشد.

معرفی کتاب

برای جستار بیشتر در این باره و بحث جبر و اختیار رجوع فرمایید:

۱. درس‌هایی از اصول عقائد اسلامی، محمدی ری‌شهری؛

۲. عدل الهی، شهید مطهری.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۹۱

اهمیت ازدواج از دیدگاه قرآن و احادیث در چیست؟

پرسش:

اهمیت ازدواج از دیدگاه قرآن و احادیث در چیست؟

پاسخ:

مقدمه:

قرآن کریم که چراغ فروزان هدایت انسان است، نسخه شفابخش همه آلام بشری و داروی مؤثر تمامی دردها و تأمین کننده همه نیازهای مادی و معنوی آدمیان است؛ کتاب مبینی است که خود روشن و نیز روشنگر دیگران است، و ناب‌ترین آیین عبادی و اخلاقی و عالی‌ترین قانون اقتصاد و سیاست و عادلانه‌ترین حقوق فردی و اجتماعی را ارائه کرده است و در ازدواج، این امر بس حساس بشری نیز انسان را رها نکرده و با ریزینی تمام به زیر و بم برنامه نگریسته و بهترین برنامه زناشویی را از آغاز تا انجام آن تشریح و تشریح نموده است.

اینک پیش از پرداختن به اصل موضوع به جاست، معنای ازدواج و تعریف آن روشن شود تا محور این پژوهش به خوبی آشکار گردد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۹۲

تعریف ازدواج

۱. معنای لغوی

واژه «ازدواج» عربی است، ولی در فرهنگ عرب کاربرد چندانی در امور زناشویی ندارد و آنچه در این زمینه در قرآن و زبان عرب، کاربرد بیشتری دارد، واژه‌های «نکاح» و «زواج» است.

«زوج» مصدر، و «زواج» اسم مصدر است، و افعال کاربردی آن عبارت‌اند از: زَوَّجَ و تَزَوَّجَ.

«نکاح» مصدر است و مشتقات کاربردی آن عبارت‌اند از: نَكَحَ، انكَحَ، تَنَكَحَ و اسْتَنَكَحَ.

نکاح در اصل به معنای جفت شدن، و به هم رسیدن است؛ چنان‌که وقتی شاخه درختان به هم برسند و تو در توی شوند، می‌گویند:

«تناكح الاشجار» و هنگامی که آب باران به زمین برسد و با آن مخلوط شود، می‌گویند: «نكح المطر الارض».

«تزوُّج» به معنای جفت و قرین یکدیگر شدن است، و «تزوُّج» و «زَوَاج» به معنای جفت کردن و زوج دادن است؛ چنان‌که گفته می‌شود: «زَوَّجْتُ فُلَانًا امْرَأَةً فَتَزَوَّجَهَا.» (۱)

پس می‌توان گفت: که نکاح و زواج مرادف یکدیگرند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۹۳

اما این‌که حقیقت نکاح چیست و آیا نکاح عبارت است از عقد و پیمان زناشویی، یا آمیزش و التذاذ، ارباب لغت آرای گوناگونی دارند.

جوهری می‌نویسد: «نکاح یعنی وطی»، ابن فارس می‌گوید: «نکاح یعنی عقد»، و فیومی می‌نویسد: «معنای حقیقی نکاح نه عقد است و نه وطی؛ زیرا در به کار بردن واژه نکاح در هر دو، نیازمند به قرینه است؛ بنابراین، حقیقت نکاح، عبارت است از: اختلاط و انضمام با یکدیگر.» (۱)

از ملاحظه کاربرد این واژه در روایات چون: «نَكَحَ امْرَأَتَهُ وَ هُوَ صَائِمٌ فِي رَمَضَانَ»، «النَّكَاحُ نَفْسُهُ (خود ارضایی)»، «النَّكَاحُ فِي الدَّبْرِ»، «نِكَاحُ الْبَهَائِمِ.» (۲) و گونه‌های مشابه، به خوبی روشن می‌شود که به خود اختلاط و آمیزش، نکاح گفته می‌شده؛ سپس این واژه در مقدمات آن از قبیل عقد و پیمان زناشویی به کار رفته است.

۲. تعریف حقوقی

حقوق دانان دو نوع تعریف برای نکاح ارائه کرده‌اند:

اول: نکاح عبارت است از: رابطه حقوقی- عاطفی، که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می‌گردد و به آن‌ها حق می‌دهد که با یکدیگر زندگی کنند و مظهر بارز این رابطه، حق تمتع جنسی است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۹۴

دوم: نکاح رابطه‌ای است بین زن و شوهر برای تشکیل خانواده. (۱)

تعریف دوم تنها ازدواج دایم را مد نظر دارد و چهره اسلامی ندارد و با فرهنگ قرآن سازگار نمی‌باشد؛ زیرا قرآن کریم تعبیر به ازدواج دارد که با اطلاق ازدواج دایم و موقت را شامل می‌شود؛ از این رو، تعریف اول مد نظر ماست.

اهمیت ازدواج

وقوف بر جایگاه بلند ازدواج در گرو شناخت چند اصل اساسی است:

۱. در وجود انسان و آفرینش او گزینه جنسی نیرومندی نهاده شده، که خود به تنهایی با دیگر غرایز برابری می‌کند. این نیرومندی را می‌توان از سخن نبوی (ص) به دست آورد که می‌فرماید: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ احْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ؛ کسی که همسر اختیار کند، نیمی از دین خود را حفظ کرده است.» (۲)

۲. در شرع مقدس اسلام میان تشریح و تکوین هماهنگی برقرار است و هیچ‌گاه اجازه سرکوب گزینه جنسی را نمی‌دهد، و گرنه تشریح بر خلاف آفرینش و تکوینش خواهد بود؛ از این رو پیامبر (ص) ضمن نکوهش عَزُوبَت (تنهایی) می‌فرماید: «رَكَعَتَانِ يَصْلِيهِمَا مَتْرُوجٌ أَفْضَلُ مِنْ رَجُلٍ عَزَبَ يَقُومُ لَيْلَهُ»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۹۵

و یصوم نهاره؛ دو رکعت نمازی که مرد متأهل به جای می‌آورد، بر این‌که مرد غیرمتأهل شب‌ها نماز بخواند و روزها روزه بگیرد، برتری دارد.» (۱)

تحقیقات علمی نیز نشان داده است، که با سرکوب گزینه جنسی، تلاش و حرکت از انسان گرفته می‌شود، حتی نبوغ و امکان ابداع

از میان می‌رود؛ از این رو، در میان افراد خواجه، عالم، فیلسوف و نابغه یافت نمی‌شود. «۲»

۳. از سوی دیگر آفریننده این گزینه اجازه نمی‌دهد، انسان آن را در مسیری نادرست به کار گیرد؛ از این رو طرفین در ازدواج، را یکی به منزله پاشنده بذر، و دیگری (زن) را به منزله زمین کشت آن لقب داد، و فرمود: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ؛ زنان شما کشتزار شما هستند.» «۳» البته این بدان معنا نیست که تکون فرزند از یک طرف و طرف دیگر بسان ظرف نگهداری آن است، بلکه بدین معناست که همان گونه که جامعه انسانی برای حفظ بقای خود به مزرعه، زراعت و مواد غذایی نیاز دارد و بدون آن نمی‌تواند دوام داشته باشد، بدون وجود زن نیز حفظ جامعه انسانی و بقای نسل او ممکن نخواهد بود.

۴. بایستن سه اصل بالا حکم می‌کند که برای بهره‌بری از گزینه جنسی، مرزبندی‌هایی در دو سری آن به وجود آید، و قانون ازدواج تشریح شود،

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۹۶

لذا فرمود: «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ؛ پس آنچه از زنان، دلخواهتان است، به زنی بگیرید.» «۱»

قید «طاب» بیانگر اهتمام به نسل بشری است که مبدا نسلی نابهنجار از مادرانی آلوده به جامعه سالم راه پیدا کنند؛ یعنی پیش از ازدواج می‌بایست به فکر تربیت بود.

با توجه به این اصول، به این نتیجه می‌رسیم که ازدواج همان بهره‌برداری درست از پدیده گزینه جنسی است که خالق حکیم در وجود انسان قرار داده است و انسان می‌باید در حد تعادل از آن استفاده کند تا ضمن هماهنگی تشریح با تکوین، زمینه دوام و بقای نسل بشری را فراهم آورد.

به دیگر سخن، ازدواج و تأثیر آن بر جامعه، به منزله آب و غذا و حیات بخشی آن‌ها در بدن انسان است که نبود آن در اندک زمانی انسان را به نابودی می‌کشاند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۹۷

آثار و قواعد ازدواج چیست؟

اشاره

پرسش:

آثار و قواعد ازدواج چیست؟

پاسخ:

ازدواج به عنوان یک پدیده طبیعی، دارای آثار و فواید فردی و اجتماعی فراوانی است، که در قرآن کریم نیز به برخی از آن‌ها اشاره شده است:

الف- اثر اجتماعی (حفظ نسل)

آن گونه که پیش از این نیز بدان اشاره شد، مهم‌ترین اثر در بعد اجتماعی ازدواج، بلکه راز اصلی این پدیده، استمرار نسل بشری است. افزون بر اشاره قرآن، امام علی (ع) در راز وجود شهوت در انبیا می‌فرماید: «و اما الشهوة فجعلها الله تعالى فيهم لما اراده من بقائهم في الدنيا... فلولا موضع الشهوة، لما اكلوا، فبطل قوه اجسامهم عن تكاليفهم و يبطل حال النكاح، فلا يكون لهم نسل ولا ولد، و ما جرى مجرى ذلك، فالشهوة مركبه فيهم لذلك؛ خداوند بدین جهت در انبیا شهوت قرار داد که می‌خواست آن‌ها بتوانند در

دنیا زندگی کنند...؛ پس اگر شهوت در آن‌ها نبود، غذا نمی‌خوردند، بدنشان از ادای وظایف باز می‌ماند و نیروی نکاحشان از بین می‌رفت، و دیگر نسل و فرزندی نداشتند؛ پس بدین پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۹۸ خاطر شهوت در درونشان جاسازی گردید.» (۱) باید توجه داشت که شهوت در سخن امام اعم از شهوت جنسی و اشتها شکی است، ولی مصداق بارز خواست انسانی شهوت جنسی است.

ب- آثار فردی

قرآن برای ازدواج در بُعد فردی، آثار چندی را بیان می‌کند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. آرامش روحی

وقتی بنا شد به حکم حکمت الهی و مصالح آفرینش، در درون انسان غریزه جنسی نهاده شود، چنان که در روایتی از امام صادق (ع) به نقل از علی (ع)، آمده است: «ان الله ركب في الملائكة عقلاً بلا شهوة، و ركب في البهائم شهوة بلا عقل، و ركب في بني آدم كليهما، فمن غلب عقله على شهوته، فهو خير من الملائكة، و من غلب شهوته على عقله فهو شر من البهائم؛ خداوند فرشتگان را از عقل محض آفرید، و حیوانات را از شهوت محض خلق کرد، ولی در آفرینش انسان، هر دوی عقل و شهوت را قرار داد؛ بنابراین، اگر عقل انسان بر شهوتش چیره شود، از فرشتگان برتر خواهد شد، و اگر شهوتش غالب گردد، از چهارپایان نیز پست‌تر می‌شود.» (۲)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۹۹

در درگیری میان عقل و شهوت، به هنگام فوران کوره آتش شهوت، تنها چیزی که می‌تواند به انسان آرامش ببخشد، خاموش کردن طبیعی آتش شهوت است که در قالب ازدواج قانونی انجام می‌شود. اصلاً وجود همسر شرعی و قانونی در کنار انسان از آن جهت که هر زمان اراده کند، در اختیار او است، خود مایه آرامش است و از این رو است که قرآن می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا؛ دیگر از نشانه‌های خدا این است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید، تا در کنار آن‌ها آرامش یابید» (۱) با این آرامش به دست آمده، انسان بهتر می‌تواند از عالم خاکی رسته، از ملک فراتر رفته و به خدا برسد.

۲. دوست یابی

انسان در این دنیا، به حکم این که در درونش، یک جاذبه و کشش قلبی وجود دارد، نمی‌تواند همواره به تنهایی زندگی کند، بلکه می‌بایست برای خود شریک و رفیقی برگزیند. بدیهی است که رفقای درسی و شرکای مالی هر کدام در کوتاه مدت، و تنها در بخشی از نیازها می‌توانند انسان را یاری کنند، ولی آن که در دراز مدت می‌تواند یار و غمخوار انسان و انیس و مونس وی باشد، همسر او است؛ از این رو، قرآن می‌فرماید: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً؛ (۲)

و در بین شما دوستی و رحمت قرارداد.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۰۰

مودت در آغاز زندگی و رحمت در پایان آن است. مودت در بیشتر مواقع، دو سویه و رحمت از یک سوی می‌باشد.

۳. دژسازی

قرآن کریم از هر دوی زن و مرد نسبت به یکدیگر تعبیر به لباس می‌کند و می‌فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ؛ آنان لباسی برای شما، و شما لباسی برای آنان هستید.» (۱) فلسفه آن نیز روشن است؛ زیرا این لباس است که انسان را از سرما و گرما و خطر برخوردار اشیاء به بدن حفظ می‌کند، عیوب انسان را می‌پوشاند و نیز زینتی برای انسان است.»

زن و مردی هم که ازدواج کنند، به آثار ارزشمندی می‌رسند؛ زیرا جوان، چه پسر و چه دختر، وقتی به مرحله‌ای از زندگی رسید، از یک سو احساس استقلال می‌کند و می‌خواهد به نحوی از خانه و خانواده جدا شده و شانه خود را از زیر اوامر و نواهی پدر و مادر خالی کند و از سوی دیگر، این استقلال در بسیاری امور نه تنها کارساز و مشکل‌گشا نیست، بلکه مشکل‌آفرین نیز هست. در این جا می‌بایست ضمن دادن استقلال به فرزند، او را به جایی پیوند داد تا از تند بادهای زندگی، حرارت شهوت، سردی عاطفه، گفتار ناروای مردم و ... در امان بماند و این تنها ازدواج است که می‌تواند این مهم را بر دوش بگیرد؛

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۰۱ یعنی پسر و دختر را در برابر آتش شهوت بیمه کند، در سردی زندگی عاطفه آن‌ها را تأمین نماید، از گفت و شنوهای بی پایه در امانشان دارد و هر کدام را مایه آبروی دیگری سازد. افزون بر آن، این که زن و مرد بسان لباس عیب‌های ظاهری و باطنی یکدیگر را می‌پوشانند.

۴. یادگار نیک

یکی از آثار مهم ازدواج این است که انسان می‌تواند، یادگاری شایسته به نام فرزند صالح تحویل جامعه دهد، ثمره صالحی که چه بسا به مصلحتی بدل شود و با فکر و اندیشه خود عالمی را دگرگون می‌سازد. روشن است که با خودداری از ازدواج ظهور چنین مصلحانی ممکن نخواهد بود؛ از این رو قرآن به دنبال بیان «حرث لکم» می‌فرماید: «قَدْ مَوَّالَ أَنْفُسِكُمْ؛ با پرورش فرزندان خوب، اثر نیکی را از پیش بفرستید.» (۱)

۵. بی‌نیازی

افزون بر آثار عبادی و اخلاقی ازدواج، در بعد فردی و اجتماعی، اثر اقتصادی نیز در آن وجود دارد. قرآن می‌فرماید: «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند آن‌ها را از فضل خود بی‌نیاز می‌کند.» (۲) این تعبیر در پاسخ کسانی است که از ترس

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۰۲

فقر، تن به ازدواج نمی‌دهند، و حال آن‌که قرآن نه تنها ازدواج را موجب تنگدستی نمی‌داند، بلکه بر عکس مایه توسعه زندگی می‌داند؛ زیرا فرد مجرد ممکن است لقمه نانی را از خانه پدر به دست آورد؛ از این رو خود را آزاد انگاشته و دنبال کار و تلاش نرود، ولی همین که ازدواج کرد و وظایفی بر دوش خود احساس نمود، بی‌شک تلاش خواهد کرد تا خود و خانواده‌اش را تأمین کند، و در پرتو این سعی و کوشش به فضل الهی به زندگی‌اش فزونی بخشد.

۶. کسب معنویت

وقتی بر اثر ازدواج، تعادل در غریزه جنسی ایجاد شد، انسان می‌تواند در پرتو آرامش حاصل از آن به عبادت بپردازد و به مبدأ و معاد (خدا و قیامت) توجه بیشتری داشته باشد؛ چنان‌که پیامبر (ص) می‌فرماید: «من احب ان یلقى الله طاهراً مطهراً فلیقله بزوجه؛ هر کس می‌خواهد پاک و پاکیزه خدا را ملاقات کند، باید ازدواج کند.» (۱)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۰۳

ازدواج چند قسم است؟

پرسش:

ازدواج چند قسم است؟

پاسخ:

در بسیاری از جوامع بشری، ازدواج را تنها در شکل دائم آن می‌پذیرند و چون به ازدواج موقت اعتقادی ندارند، کسانی که به هر

دلیل قادر به انجام ازدواج نباشند، بر اثر فشار شهوت به فساد روی می‌آورند. اما شارع مقدس اسلام نظر به ضرورت و دلایلی، دو نوع ازدواج را تشریح کرده است که عبارت‌اند از:

الف- ازدواج دائم: که عبارت است از: پیمان زناشویی که بین زن و مرد برای مدت غیرمعین بسته می‌شود. این نوع ازدواج محور احکام، حقوق، و آداب و رسوم است.

ب- ازدواج موقت (متعّه)، و آن عبارت است از: پیمان زناشویی که بین زن و مرد، در برابر مهر معین و برای مدت مشخص بسته می‌شود. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۰۴

بدیهی است با توجه به حقوقی که ازدواج برای طرفین ایجاد می‌کند و سنگینی هزینه‌ها، ادامه تحصیل، آداب و رسوم پیچیده، ازدواج دائم چه بسا برای همه به سادگی مقدور نباشد؛ از این رو، یا می‌باید با مشکل ارضا نشدن گزینه جنسی سوخت و ساخت و یا به مسیر انحرافی روی آورد؛ به دیگر سخن، یا باید رهبانیت مسیحی را پذیرفت و یا به کمونیزم جنسی تن داد؛ یعنی به دختر و پسر اجازه دهیم که با ده‌ها بلکه صدها نفر رابطه جنسی داشته باشند و از هم کام بگیرند. راسل - فیلسوف انگلیسی - ولیندزی - قاضی آمریکایی - برای حل بحران جنسی، ازدواج رفاقتی و تجربی را پیشنهاد می‌کنند. «۱»

اسلام ضمن رد رهبانیت و نیز کمونیزم جنسی ازدواج موقت (متعّه) «۲» را می‌پذیرد، «۳» که طرح «راسل» تا حدی با آن شباهت دارد. در قرآن به این حقیقت اشاره شده است: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً؛ زنانی را که متعه می‌کنید، مهر آن‌ها را، واجب است بپردازید.» «۴»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۰۵

دلایل جواز ازدواج موقت

۱. اطلاق آیه «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ؛ پس آنچه از زنان، دلخواهتان است، به زنی بگیرید.» «۱»

۲. اطلاق واژه «ازدواج» در آی: «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ اِلَّا عَلَىٰ اَزْوَاجِهِمْ؛ و کسانی که آنان دامانشان را (در امور جنسی) حفظ می‌کنند، مگر در مورد همسرانشان یا آنچه (از کنیزان) مالک شده‌اند.» «۲»

۳. آیه استمتاع (متعّه): «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ...» این قسمت آیه دلالت دارد که قبل از نزول آن، ازدواج موقت وجود داشته است. «۳»

۴. روایات: شیخ طوسی در کتاب «الخلافا»، روایات جواز متعه را از ابن مسعود، جابر بن عبدالله، سلمه بن اکوع، ابوسعید خدری، مغیره بن شعبه، ابن عباس، ابن جریح، عطاء، سعید بن جبیر و جز این‌ها نقل می‌کند. «۴»
مسلمانان و مسئله متعه (ازدواج موقت)

درباره متعه در بین مسلمانان، چند نظریه وجود دارد که عمده آن عبارت‌اند از:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۰۶

۱. موقت بودن حکم آن در زمان پیامبر (ص)، برای چند روز. «۱»

۲. مباح بودن آن در زمان پیامبر (ص) و نسخ آن به وسیله خود آن حضرت. بیضاوی در تفسیر خود به این نظریه اشاره دارد. «۲»

۳. مباح بودن آن در زمان پیامبر (ص) و نسخ آن در زمان عمر. این نظریه بیشتر مفسران و علمای اهل سنت است. «۳»

معروف و مشهور این است که عمر خود گفته است: «متعتان کانتا علی عهد رسول الله (ص)، انا انهی عنهما و اعاقب علیهما؛ دو متعه [متعّه نسا و متعه حج در زمان پیامبر (ص) وجود داشت، من آن را ممنوع کردم و عقاب آن را می‌کشم.» «۴»

۴. جواز متعه و نسخ شدن آن. این نظریه همه فقها و مفسران شیعه و برخی علمای اهل سنت است. «۵» شیعه معتقد است متعه در

زمان پیامبر (ص) وجود داشته و حکم آن همچنان باقی است. روایات ائمه معصومین (ع) نیز بر همین معنا دلالت دارند. در روایتی از امام باقر (ع) می‌خوانیم که فرمود: «... احلها الله فی کتابه و سنها رسول الله و عمل بها اصحابه؛ خداوند در کتابش پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۰۷»

متعهد را حلال کرده، و پیامبر (ص) آن را سنت قرار داد، و اصحاب آن حضرت بدان عمل می‌کردند. «۱» در روایت دیگری آمده است که ابوبصیر از امام باقر (ع) درباره متعه پرسید، امام فرمود: «نزلت فی القرآن، فما استمتعتم ...» «۲»
 وقتی تشریح حکمی در زمان پیامبر (ص) ثابت شد، نسخ شدن آن به نحو صحیح نیازمند دلیل قطع از سوی شارع می‌باشد.
 ج- ملک یمین: این نوع سوم از نکاح است که در قرآن بدان اشاره شده است: «... إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ ...» «۳»
 پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۰۹

مسئولیت جامعه در مورد ازدواج جوانان چیست؟

پرسش:

مسئولیت جامعه در مورد ازدواج جوانان چیست؟

پاسخ:

قرآن کریم در بسیاری از امور، وظایفی را بر دوش افراد جامعه گذاشته است و آن‌ها را مسئول رخدادهایی می‌داند که پیرامونشان روی می‌دهد. مصداق بارز این مسئولیت را می‌تواند در مسئله امر به معروف و نهی از منکر جستجو کرد. نمونه دیگر آن همین مسئله ازدواج است؛ زیرا قرآن گاهی خطاب به افراد «عَزَبَ» می‌فرماید: «انکحوا»؛ یعنی ازدواج کنید.

اما گاهی به اولیا، پدر و مادر، دولت و ملت خطاب کرده و می‌فرماید: به فکر ازدواج نیازمندان باشید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ؛ و افراد بی‌همسرتان، و شایستگان از بندگانتان، و کنیزانتان را به ازدواج (یکدیگر) در آورید.» «۱»
 «ایامی» مقلوب ایائم، جمع اییم، بر وزن قیم به معنای عزب و بی‌همسر است، خواه مرد باشد یا زن و پیش از این همسر داشته یا نداشته است. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۱۰

به این نکته باید توجه داشت که ازدواج امری اختیاری است و هیچ کس نمی‌تواند دیگری را به آن وادار کند، و این که قرآن خطاب به جامعه اسلامی سفارش می‌کند افراد بی‌همسر را همسر دهید، به هیچ وجه مجوز اجبار دیگران نیست، بلکه به معنای زمینه‌سازی و فراهم کردن مقدمات کار است.

نمودهای همکاری

همکاری در امر ازدواج در چند چیز می‌تواند نمود پیدا کند:

الف- تشویق آن‌ها به ازدواج؛

ب- شناسایی همسر شایسته و لایق؛

ج- کمک‌های مالی به ویژه از ناحیه والدین؛

د- پا در میانی و وساطت کردن؛

ه- کمک نمودن در انجام مراسم عقد و عروسی؛

همکاری و تعاون اسلامی در همه زمینه‌ها مطلوب است، اما در خصوص ازدواج شکل دیگری دارد؛ چنان که در روایتی از امام علی (ع) می‌خوانیم: «افضل الشفاعات ان تشفع بین اثنین فی نکاح حتی یجمع الله بینهما؛ بهترین میانجی‌گری آن است که میان دو نفر

برای ازدواج وساطت کنی، تا این دو به سامان برسند.» (۱) افزون بر آن که همکاری در امر ازدواج مصداق بارز

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۱۱

«فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»، (۱)

است، چنان که در روایتی دیگر، ثواب عظیمی (آسایش در قیامت، حور العین و همنشینی با انبیاء) برای میانجی‌گر ازدواج بیان شده است. (۲)

نکته:

قرآن وقتی به خود فرد ازدواج را سفارش می‌کند، به تعدد زوجات نیز اشاره دارد، ولی وقتی به دیگران دستور تلاش و کوشش می‌دهد، سخنی از چند همسری به میان نمی‌آورد، و این بیانگر این است که جامعه، تنها در رفع نیاز اولیه مسئول است، ولی تعدد زوجات بستگی به عدالت، وسعت مالی و دیگر شرایط دارد که متوجه خود شخص است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۱۳

ازدواج‌های ممنوع کدام است؟

پرسش:

ازدواج‌های ممنوع کدام است؟

پاسخ:

ازدواج در اسلام، همانند دیگر پدیده‌های اجتماعی، قانونمند و دارای اصول مسلمی است که باید رعایت شود. اگر آفریننده انسان در وجود وی شهوت جنسی قرار داده و هماهنگ با تکوین، در تشریح، ازدواج را مقرر کرده است، این گونه نیست که مرد بتواند با هر زنی پیمان زناشویی ببندد، و یا هر زنی بتواند با هر مردی ازدواج نماید؛ از این رو قرآن فهرستی از افرادی که زناشویی با آنها ممنوع است، ارایه می‌کند.

عوامل منع ازدواج

آنچه موجب ممنوعیت ازدواج می‌شود، نوعی ارتباط است که میان افراد وجود دارد، که عبارت‌اند از:

الف- خویشاوندی یا ارتباط نسبی؛

ب- شیرخوارگی یا ارتباط رضاعی؛

ج- پیوند زناشویی یا ارتباط سببی (خواه مشروع باشد یا نامشروع)؛

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۱۴

د- کفر و طلاق نیز در مواردی موجب منع می‌گردد که پس از این اشاره می‌شود؛

ارتباط خویشاوندی

ارتباط خویشاوندی باعث می‌شود تا ازدواج با افراد زیر ممنوع گردد:

۱. مادر که شامل مادر بزرگ نیز می‌شود. ۲. دختر که شامل فرزند و نوه او (دختر) نیز می‌شود. ۳. خواهر. ۴. دختر برادر و فرزند و نوه او. ۵. دختر خواهر و فرزند و نوه او. ۶. عمه که شامل عمه پدر و مادر نیز می‌شود. ۷. خاله که شامل خاله پدر و مادر هم می‌شود. قرآن می‌فرماید: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخْوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ؛ بر شما حرام شده است، (ازدواج با) مادرانتان، و دخترانتان، و خواهرانتان، و عمه‌هایتان، و خاله‌هایتان، و دختران برادر، و دختران خواهر.» (۱)

گفتنی است افراد براساس طبع درونی، از ازدواج با این افراد متنفرند؛ از این رو، در بیشتر جوامع ازدواج با این دسته ممنوع است، به

ویژه این که تأثیر هم خونی که ناشی از ازدواج با خویشاوندان است، در این گونه افراد بیشتر می‌باشد.

ارتباط شیری

ارتباط رضاعی با شرایط مقرر در فقه باعث می‌شود تا ازدواج با خویشان نسبی فرد همشیر که جزء محارم او به شمار می‌رود، ممنوع گردد. قرآن

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۱۵

می‌فرماید: «وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ؛ و مادران (رضاعی) تان که شما را شیر داده‌اند، و خواهران رضاعی شما بر شما حرام شده است.» (۱)

نکته‌ای که در این جا وجود دارد، این است که در حرمت ازدواج با مرتبطان رضاعی، تنها مادر و خواهر بیان شده و سخنی از عمه و خاله و دیگران به میان نیامده است، ولی طبق روایات، این منع شامل همه اصناف محرم نسبی می‌شود چنان که در روایتی از پیامبر (ص) می‌خوانیم: «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب؛ تمام کسانی که از نظر ارتباط نسبی حرام‌اند، از نظر شیرخوارگی نیز حرام‌اند.» (۲) در روایتی دیگر از امام صادق (ع) آمده است: «یحرم من الرضاع ما یحرم من القرابه؛ همه کسانی که از نظر نسب حرام‌اند، با شیر نیز حرام می‌شوند.» راز حرمت ازدواج با خویشاوندان شیری این است که کودکی که گوشت و استخوانش با شیر زنی پرورش می‌یابد، شباهت تامی به فرزندان او پیدا می‌کند، و در حقیقت بخشی از بدن مادر و مانند خواهر و برادر نسبی آنان می‌شود.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۱۶

ارتباط سببی

ارتباط سببی باعث می‌شود تا چند گروه در دایره منع ازدواج قرار گیرند که عبارت‌اند از: ۱. مادر زن و نیز مادر او؛ ۲. دختر زن با شرایط مقرر؛ ۳. عروس و نیز عروس پسر و دختر؛ ۴. خواهر زن به طور هم زمان؛ ۵. زن پدر.

قرآن می‌فرماید: «وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِكُمُ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ ... وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ؛ مادران همسرانتان، و دختران همسران که در دامن شما [پرورش یافته‌اند]...؛ و (نیز حرام است بر شما ازدواج با) همسران پسرانتان که از پشت (و نسل) شما هستند، و اینکه بین دو خواهر (در ازدواج) جمع کنید.» (۱) چنان که می‌فرماید: «وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ؛ و زنانی را که پدرانتان به ازدواج (خود) در آورده‌اند، به همسری نگیرید.» (۲)

راز تحریم ازدواج با این افراد آن است که با اجرای صیغه عقد، در واقع آن‌ها به منزله خویشاوندان قرار گرفته‌اند؛ از این رو همان حکم را دارند، به ویژه در جمع میان دو خواهر که تضاد عاطفی (درگیری انگیزه محبت و انگیزه رقابت) خود عامل دیگری در ممنوعیت است.

ازدواج با نامادری افزون بر این که در حکم مادرشان (مادر دوم) است، باعث هتک حرمت پدر نیز شود؛ از این رو، به دنبال حکم تحریم می‌فرماید: «إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا؛ [چرا] که آن، زشتکاری و کینه (ساز) و بد راهی است.» (۳)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۱۷

چرا خطاب به مردان

آنچه در این آیات آمده، همه خطاب به مردان است؛ زیرا نفرموده: «حرم علیکن آبائکُن...» رازش این است که تقاضای ازدواج و خواستگاری به حسب عرف از سوی مردها صورت می‌گیرد؛ از این رو، به آن‌ها می‌گوید: وقتی خواستید ازدواج کنید متوجه باشید که ازدواج با این‌ها حرام است.

به هر صورت، ازدواج زن نیز با عده‌ای از مردان حرام می‌باشد و کافی است برای روشن شدن محارم زن در ازدواج، عناوین را

برعکس کنیم و به جای مادر، پدر و به جای خواهر، برادر و به جای عمه، عمو و به جای خاله، دایی و به جای عروس، داماد و به جای نامادری، ناپدری و به جای دختر خواهر و برادر، پسر خواهر و برادر قرار دهیم.

آمیزش

آمیزش پیش از ازدواج (زنا)، موجب می‌شود مادر و دختر آن زن بر زنا کننده حرام شود؛ «۱» چنان که اگر کسی با زن شوهردار (مسلمان یا غیرمسلمان) زنا کند، همیشه بر زنا کننده حرام خواهد شد؛ بدین معنا که اگر از شوهرش جدا هم بشود، نمی‌تواند با وی ازدواج کند.

یادآور می‌شویم که آمیزش با مرد نیز موجب حرمت ازدواج با مادر مفعول (شخص لواط داده) و خواهر و دختر او می‌شود؛ زیرا این شخص در حکم همسر آن مرد قرار می‌گیرد. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۱۸
طلاق

طلاق نیز در صورتی که مکرر (۳ بار) انجام شود، باعث حرمت ازدواج با زن مطلقه می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّىٰ تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ؛ و اگر (شوهر برای بار سوم) آن (زن) را طلاق داد، پس از آن به بعد بر آن (مرد) حلال نخواهد بود؛ تا اینکه با شوهری غیر از او ازدواج کند. و اگر (شوهر دوم) او را طلاق داد.» «۱» این محرومیت برای کنترل مردان هوس بازی است که زندگی زنان را به بازی می‌گیرند.

گفتنی است چنانچه با وساطت مُحَلِّل، نه بار طلاق دهد، همواره بر او حرام می‌شود. «۲»
کفر

کفر به عنوان نمادی از باور نادرست، مانع از ازدواج انسان مؤمن با کافر می‌شود؛ بدین معنا که زن مسلمان حق ندارد با مرد کافر ازدواج کند، و مرد مسلمان نیز نباید با زن کافر پیمان زناشویی ببندد. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَنَّ... وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا؛ و با زنان مشرک [بت پرست، ازدواج نکنید؛ تا ایمان آورند... و به مردان مشرک [بت پرست زن مدهید، تا ایمان آورند.» «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۱۹

راز ممنوعیت ازدواج با مشرکان این است که در معاشرت‌ها، و به ویژه در معاشرت زناشویی که تأثیر عمیقی بر روحیه طرف مقابل دارد، مشرک سعی می‌کند، همسر خود را به سوی عقاید باطل خویش دعوت نماید.

مشرک به معنای کسی است که شریکی برای خدا قرار می‌دهد، و به این معنا یهود و نصاری نیز (به خاطر این که به نحوی برای خدا شریک قرار می‌دهند) جزء مشرکان می‌باشند، ولی از آن جا که قرآن در خطاب با آن‌ها تعبیر به (اهل الکتاب) می‌کند، حکم شرک از این جهت شامل آن‌ها نمی‌شود.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۲۱

رخصت در ازدواج چرا؟

اشاره

پرسش:

رخصت در ازدواج چرا؟

پاسخ:

در این که پسر و دختر در ازدواج خود مستقل‌اند یا باید با اذن و توافق بزرگ‌ترها اقدام کنند، باید گفت: از ناحیه پسر بی‌تردید اجازه غیر خودش شرط نیست. ولی در طرف مقابل جای سخن است:

اقسام زنان و مسئله رخصت

پیش از بررسی مسئله یادآور می‌شویم که جنس مؤنثی که در ازدواج مد نظر می‌باشد، یکی از موارد زیر است:

۱. ازدواج مجدد باشد.

۲. صغیر و پیش از رسیدن به رشد کافی باشد.

۳. رشید و اولین ازدواج وی باشد.

زنانی که قصد ازدواج مجدد دارند

در این باره قرآن اشاره دارد که زن مختار است و هر تصمیمی که بخواهد، می‌تواند بگیرد؛ از این رو می‌فرماید: «فَإِذَا بَلَغَ الْأَجَلُ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ و هنگامی که به سرآمد (عده) شان رسیدند، پس

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۲۲

هیچ گناهی بر شما نیست نسبت به آنچه بطور پسندیده در باره خودشان انجام دهند.» (۱) این آیه درباره زنانی است که شوهرشان را از دست داده‌اند و باید چهار ماه و ده روز عده وفات نگهدارند، و پس از آن می‌توانند با صلاح دید خود ازدواج کنند، و نیز می‌فرماید: «وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ الْأَجَلَ فَلَا تَعْضُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ؛ و هنگامی که زنان را طلاق دادید و به سرآمد (عده) شان رسیدند. پس مانعشان نشوید که با همسران (سابق) شان، ازدواج کنند.» (۲)

«عضل» بر وزن عزل، به معنای منع کردن از ازدواج و سخت‌گیری کردن در آن است؛ (۳) یعنی کسی (از اولیاء زن) حق ندارد که او را از ازدواج با کسی باز دارد، و یا به ازدواج با کسی مجبور نمایند.

دختران نابالغ و غیررشید

در این مورد، در صورتی که درستی ازدواج وی پذیرفته شود، بی‌شک مصلحت اندیشی اولیای دختر لازم است؛ زیرا دختری که به رشد عقلانی و اجتماعی کافی نرسیده، نمی‌تواند مصالح و مفاسد خود را تشخیص دهد؛ از این رو، اجازه و موافقت پدر شرط است و اگر قرآن می‌فرماید: «الَّذِي بَيْنَهُ

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۲۳

عُقْدَةُ النِّكَاحِ؛ (۱)

یا کسی که پیوند ازدواج به دست اوست.» به ولایت پدر و پدر بزرگ پدری بر این نوع ازدواج اشاره دارد که بدون تردید اختصاصی به دختر نیز ندارد.

البته قرآن در مورد ازدواج «ملک یمین: کنیزان» صراحت در لزوم اذن دارد. «فَإِنْ كُنَّ حُرًّا بِأَذْنِ أَهْلِهِنَّ؛ (۲)

پس آنان را با رخصت خانواده‌شان به همسری در آورید.»

دوشیزگان رشید

در مورد دخترانی که به بلوغ عقلانی و رشد کافی رسیده‌اند، هر چند بکر باشند، در هیچ آیه‌ای دلالت قطعی بر لزوم اذن و موافقت اولیا وجود ندارد.

روایات نیز بر مسئله دلالت قطعی ندارد؛ زیرا برخی روایات صراحت دارد بر این که کار بکر رشید به دست خود او است، و اگر در

پاره‌ای از روایات آمده است: «لا تنكح ذوات الآباء من الابكار الا باذن آبائهن؛ با دخترانی که پدر و پدر بزرگ پدری دارند، بدون اذن آن‌ها ازدواج نکن.» (۳) منظور ارشاد به این است که ازدواج با دختری بدون موافقت پدرش ممکن است شادابی بایسته و شایسته را نداشته باشد. ناگفته نماند از نظر حکمت و مصلحت که در برخی موارد نظارت و کنترل پدر و مانند او شرط اساسی است؛ زیرا مرد بنده شهوت

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۲۴

و زن اسیر محبت است، آنچه مرد را می‌لرزاند، شهوت است و آنچه زن را از پای در می‌آورد، نغمه محبت و عشقی است که از مردی بشنود، در لغزش مرد و اسارت زن، این بزرگ‌ترها هستند که می‌توانند آن‌ها را به مسیر درست و مطابق مصالح رهنمون باشند؛ از این رو وقتی یک بار ازدواج کرد، و سردی و گرمی روزگار و شیرینی و تلخی آن را چشید و ورزیده شد، چندان نیازی به نظارت نیست.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۲۵

کابین (مهر) چرا و چگونه؟

اشاره

پرسش:

کابین (مهر) چرا و چگونه؟

پاسخ:

یکی از امور مهمی که قرآن کریم در موضوع ازدواج مطرح کرده، مسئله کابین یا مهر است که از آغاز پیمان زناشویی تا جدایی زن و شوهر از یکدیگر مورد توجه قرار دارد و با تعبیرهای مختلفی چون صدق، نحلّه، اجر و فریضه، «۱» به بیان احکام آن پرداخته، و می‌فرماید: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً؛» (۲)

و مهریه‌های زنان را (به عنوان هدیه یا) بدهی به آنان پردازید. و نیز می‌فرماید: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً؛» (۳) و کسانی از زنان را که (با مُتعه و ازدواج موقت) از او بهره می‌برید، پس مهرشان را، در حالی که واجب شده، به آنان بدهید.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۲۶

«صدق» به ضم دال، جمع صداق، از ریشه صدق به معنای راستی، و در مقابل دروغ است.

«نحلّه» به عطیه و بخشش بدون عوض گفته می‌شود.

«اجر» به معنای چیزی است که در ازای عمل دنیوی یا اخروی عاید انسان می‌گردد.

«فریضه» از ریشه فرض و به معنای جدا کردن چیزی، علم و تقدیر است. «۱»

از این تعبیرها واژه اجر درباره ازدواج موقت به کار رفته است که خود کنایه از مهر است، و دیگر واژگان از زوایای گوناگون در معنای مهر به کار رفته است؛ یعنی بدین جهت به مهر صدق (صدقه) گفته می‌شود که نشانه راستین بودن علاقه مرد است و به این خاطر بدان نحلّه گفته‌اند که در مقابل آن، عوض مالی وجود ندارد، و به این دلیل فریضه نام گرفته که بر مرد واجب و مقدر است که آن را پردازد.

تعیین مهر

اگر چه مهر شرط صحت عقد ازدواج نیست و عقد بدون تعیین مهریه نیز درست است، ولی ازدواج نمی‌تواند بدون مهر باشد، مگر برای پیامبر (ص)؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «... وَامْرَأَهُ مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۲۷

النَّبِيِّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ؛ «۱»

و (نیز حلال کردیم) زن با ایمان را، در صورتی که خودش را به پیامبر ببخشد، اگر پیامبر بخواهد که او را به همسری برگزیند؛ در حالی که (چنین ازدواجی) مخصوص توست نه سایر مومنان».

این نوع ازدواج به لفظ هبه (وَهَبْتُ) صورت می‌گیرد، نه با الفاظ انكَحْتُ و زَوْجْتُ، و مهری نیز در بین نیست، لیکن این امر ویژه پیامبر (ص) است؛ زیرا می‌فرماید: «خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ».

باید توجه داشت که پیامبر (ص) یک رشته ویژگی‌هایی خاص به خود داشته که به «خصائص النبی» مشهور است؛ از جمله در ازدواج، می‌توان به زنان بدون مهریه، تعدد همسر، (بیش از چهار نفر) و ... اشاره کرد؛ اما پیمان زناشویی دیگران همراه با مهر معین می‌باشد، و اگر چه زن می‌تواند مهر نخواهد- که بدان (تفویض البضع: واگذاری حق التذاذ) گفته می‌شود- و یا می‌تواند بدون هیچ سخن مثبت یا منفی در باره مهر اجرای عقد ازدواج نمایند- این عقد صحیح است- ولی وظیفه پرداخت، در برخی موارد از عهد شوهر ساقط نمی‌شود. با چنین عقدی، پیش از آمیزش حق هیچ‌گونه مهری برای زن وجود ندارد؛ همچنین اگر زن یا شوهر بمیرد، و یا عقد فسخ شود، حقی وجود ندارد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۲۸

اما اگر شوهر زن را طلاق بدهد، در این صورت بستگی به حال شوهر از نظر فقر، غنا، رفاه و سختی دارد که می‌باید متاعی به عنوان «متاع المطلقه» یا «صداق المتعه» پرداخت نماید؛ چرا که قرآن می‌فرماید:

«لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرَهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرَهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ؛ هیچ گناهی بر شما نیست اگر زنان را طلاق دهید، مادامی که با آنان تماس نگرفته‌اید یا برایشان مهریه‌ای تعیین نکرده‌اید. و (در این هنگام با هدیه‌ای مناسب) بهره‌مندشان سازید. توانگر به اندازه [توانایی] اش و تنگدست به اندازه خودش کالایی (بعنوان هدیه‌ای) پسندیده بدهد. [و این کار] حقی بر عهده نیکوکاران است.» «۱»

«موسع» به معنای توانگر و «مقتر» به معنای تنگدست است، و «متاع» عبارت است از مرکب، لباس و پول. «۲» اما پس از آمیزش، زن استحقاق مهرالمثل (مهریه‌ای که برای امثال این زن تعیین می‌شود) را دارد، «۳» و «معروف» یعنی شایسته و پسندیده از نظر شرع و عرف، و «حقا» یعنی این وظیفه واجب است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۲۹

مهر معین

چنانچه به هنگام پیوند زناشویی و اجرای عقد، مهریه تعیین شود، «۱» ولی به دلایلی توافق و تفاهم برای ادامه زندگی نداشته باشد، و بخواهند از یکدیگر جدا شوند، در صورتی که پیش از آمیزش جنسی باشد، شوهر می‌باید نصف مهر را بپردازد. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ؛ «۲»

و اگر آن (زن) ان را، پیش از آنکه با آنان تماس بگیرید، و در حالی که مهری برای آنها تعیین کرده‌اید، طلاقشان دهید، پس نصف آنچه را تعیین کرده‌اید (به آنان بدهید) مگر اینکه [آنان ببخشند].»

ولی اگر پس از آمیزش، طلاق انجام گیرد، باید تمام مهریه، هرچند زیاد باشد، پرداخته شود: «وَلَمَّا يَجْلَلَ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا؛» (۳)

و برای شما حلال نیست که از آنچه به آنان داده‌اید، چیزی [باز] ستانید.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۳۰

و نیز می‌فرماید: «وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا؛ اگر خواستار جایگزینی همسری به جای همسر (خود) شدید، و به یکی از آنان مال فراوانی (بعنوان مهر) پرداخته‌اید، پس هیچ چیزی از آن را (باز) مگیرید. آیا آن [مهر] را با تهمت و گناهی آشکار (باز پس) می‌گیرید؟» (۱)

«قنطار» به معنای مال فراوان است که مقدار آن دست کم تا چهار هزار دینار گفته‌اند. (۲)

مهر عطیه است نه قیمت

برخی با توجه به فرضیه‌های ذهنی خود و یافته‌های تحمیل شده بر تاریخ، (۳) بر این باورند که دادن مهریه به زن از سوی شوهر به معنای پرداخت قیمت زن و خریدن او است، به ویژه این که در دریافت مهر پای پدر و مادر دختر نیز در میان است و هر کدام خود را صاحب بخشی از مهر و شیر بها می‌دانند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۳۱

باید دانست که شیر بها نه مهر است و نه بخشی از مهر و چنانچه مبلغی به عنوان شیر بهاء جزء مهر قرار گیرد و پدر شریک دختر در دریافت مهریه قلمداد شود، از نظر شرعی و قانونی تنها مقدار مهر صحیح و بقیه باطل است، و اگر از روی طیب خاطر مبلغی یا هدیه‌ای به این عنوان به پدر یا مادر دختر پرداخت، تا عین مال باقی است می‌تواند پس بگیرد. (۱)

اما در رابطه با اصل مهر، حق این است که ریشه مهر از جای دیگر و برای چیز دیگر است. ریشه مهر را باید در سیستم آفرینش زن جستجو کرد که از سیستم آفرینش مرد متفاوت است. برخی تفاوت‌ها عبارت است از:

۱. در مرد عشق و طلب وجود دارد، و در زن جمال و غنا.

۲. زن از مرد شهبانی‌تر، ولی در مقابل آن مرد تواناتر است. (۲)

۳. مرد شهوت کم‌تری دارد، ولی در برابر آن توان خودداری ندارد.

۴. زن در پرتو آزر و عفت درونی خود می‌داند که عزت و احترام او در این است که خود را رایگان در اختیار مرد قرار ندهد، بلکه باید کاری کند که مرد را به آستانه خود بکشد، و مردان را به رقابت با یکدیگر وا دارد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۳۲

۵. در طول تاریخ ثابت شده است که تأثیر زن بر مرد، از تأثیر مرد بر زن بیشتر بوده است. بسیاری از هنرنمایی‌ها، دلیری‌ها، نبوغ‌ها، موفقیت‌ها و حتی پیروزی در جنگ‌ها و ... برخاسته از اثر بخشی همین قدرت است. (۱)

با توجه به ویژگی طلب و تقاضا و فقدان توانایی لازم برای کنترل خود، و نیز تأثیرپذیری مرد از زن از یک سو، و زیبایی و غنا، قدرت کنترل، آزر و حیا، ربایش و قدرت اثر بخشی زن از سوی دیگر، توانسته است مرد را به پیشکشی هدیه‌ای به نام مهر وادار سازد.

از سوی دیگر دریافت مهر توسط زن، خود پشتوانه‌های مالی برای استقلال وی در دوران زندگی مشترک به شمار می‌رود و به هنگامی که مرد سرناسازگاری نهاد و زمینه آزار زن را فراهم کرد، ابزار خوبی برای کنترل وی می‌باشد؛ چرا که اگر تاکنون مهریه را پرداخت نکرده است، به خاطر بار مالی نمی‌تواند زور بگوید، و اگر پرداخته است، زن می‌تواند با هزینه کردن آن (فدیه طلاق خلع و مبارات) به خواست خود برسد، و به هنگام جدایی که بخشی از عمر زن گذشته و سرمایه جوانی و زیبایی خود را از دست

داده، خسارتی که بر روح و تن وی وارد شده، تا حدی جبران می‌کند و وسیله‌ای برای تأمین زندگی آینده او خواهد بود.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۳۳

چند همسری چرا و به چه شرطی؟

پرسش:

چند همسری چرا و به چه شرطی؟

پاسخ:

یکی دیگر از مسائلی که قرآن در امر ازدواج بدان پرداخته، مسئله چند همسری یا تعدد زوجات است: «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعًا؛ پس آنچه از زنان، دلخواهتان است، دو دو و (یا) سه سه و (یا) چهار چهار، به زنی بگیرید.» (۱) از آنجا که بررسی این مسئله نیازمند به فرصت بیشتری است و در این نوشتار کوتاه مجال آن نیست، تنها به یادآوری چند نکته بسنده می‌کنیم. و بررسی همه جانبه آن را به فرصتی دیگر واگذار می‌نماییم.

۱. «مثنی» یعنی دو تا دو تا «ثلاث» یعنی سه تا سه تا، و «رباع» به معنای چهار تا چهار تا است؛ «۲» البته این بدان معنا نیست که به هنگام ازدواج دو تا دو تا، سه تا سه تا و چهار تا چهار تا باشد، بلکه با توجه به عموم مردم چنین تعبیر کرده است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۳۴

۲. «او» در آیه، اگر چه عطف است، به معنای جمع نیست تا دو تا، سه تا و چهارتا و در مجموع نه تا معنا دهد، بلکه بدین معناست که شما می‌توانید دو تا، یا سه تا و یا چهار همسر داشته باشید؛ از این رو، اگر با «او» عطف می‌کرد، موهم این معنای بود که هر کسی لزوماً باید دو یا سه و یا چهار تا زن بگیرد.

۳. اسلام نه تنها چند همسری را اختراع نکرد، بلکه چند همسری نامحدود پیش از اسلام را کنترل و محدود نمود و برای آن مرزی (حداکثر تا چهار تا) قرار داد.

۴. در تعدد زوجات قید «طاب» وجود دارد که بیانگر این حقیقت است که نباید زنان هرزه را دور خود جمع کند و حرمسرا تشکیل بدهد.

۵. در ادامه آیه جواز تعدد را مشروط به اجرای عدالت کرده، و می‌فرماید: «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً؛ و اگر می‌ترسید عدالت را رعایت نکنید، پس (به) یک (همسر)، اکتفا کنید.»

قید عدالت، آن هم با احتمال ترس، زمینه جلوگیری از هوس‌بازی‌های مردان است؛ زیرا از یک سو افرادی که بتوانند رعایت عدالت کنند، کم هستند و از سوی دیگر، اگر به واقع عدالت اجرا شود، مشکلی نخواهد بود.

۶. اسلام در میان گونه‌های مختلف چند همسری (اشتراک جنسی از دو طرف، چند شوهری برای فرزندآوری، چند شوهری برای شهوت رانی (روسپی‌گری) و چند زنی) تنها نوع اخیر را مجاز شمرده است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۳۵

عوامل چند همسری

عواملی که می‌تواند مسئله چند همسری را توجیه نماید، عبارت‌اند از:

الف- بروز عادت ماهانه؛

ب- خستگی زن از زایمان؛

ج- نازا بودن زن و یائسه شدن او؛

د- فزونی جمعیت زنان بر تعداد مردان؛

ه- نجات تک همسری.

شهید مطهری می‌نویسد: «وقتی عدد زنان نیازمند به ازدواج از مردان نیازمند فزونی یافت، اگر حق تأهل این عده از زنان به رسمیت شناخت نشود و به مردان اجازه چند همسری داده نشود، رقیقه‌بازی و معشوقه‌گری ریشه تک همسری واقعی را می‌خشکاند.» (۱) یادآوری این نکته ضروری است که این عوامل، تنها حکمت «۲» تشریح تعدد زوجات است و علت واقعی آن را فقط ذات اقدس احدی می‌داند و بس.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۳۷

قرآن چه توصیه‌هایی به زوجین دارد؟

پرسش:

قرآن چه توصیه‌هایی به زوجین دارد؟

پاسخ:

در اینجا به کسانی که ازدواج کرده و تشکیل خانواده داده‌اند، دو توصیه قرآنی را یادآور می‌شویم:

۱. همزیستی مسالمت آمیز

زن و شوهر می‌باید کانون خانواده را به بهشتی مبدل سازند که در آن دوستی، محبت، مودت و تفاهم برقرار باشد، نه این که با مشاجره، کشمکش‌ها و جنگ و دعوا، این آشیانه مطمئن خود و فرزندان را به جهنمی سوزان بدل کنند که همگان به ویژه فرزندان معصومان در آتش آن بسوزند؛ البته اجرای این برنامه بیشتر در گرو برخورد شایسته شوهر است؛ از این رو، خطاب به وی می‌فرماید: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ و با آنان، بطور پسندیده رفتار کنید.» (۱)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۳۸

زندگی مسالمت‌آمیز بین زن و شوهر به این محقق می‌شود که محبت، صفا، صمیمیت، فرمانبری، رعایت حقوق شرعی و قانونی و از همه مهم‌تر تفاهم اخلاقی در خانه حاکم باشد.

۲. جدایی شایسته

اگر چنانچه زن و شوهر به هر دلیلی نتوانستند با هم زندگی کنند، حق دارند از یکدیگر جدا شوند، به شرط آن که این جدایی نیز شایسته باشد. این سفارش قرآن است که می‌فرماید: «فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ؛ (۱)»

پس به طور پسندیده نگاه داشتن، یا به نیکی آزاد کردن [همسر بر شما واجب است. اما این حق را ندارد که همسر خود را تحت فشارهای جسمی و روحی قرار دهد تا وی مجبور شود برای رهایی خود بخشی از مهر خود را ببخشد: «وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذَهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ؛ (۲)»

و بر آنان سخت‌گیری نکنید، تا بخشی از آنچه (مهریه) به آنان داده‌اید، (از دستشان به در) برید.» حتی در آخرین لحظات زندگی مشترک (روزهای آخر طلاق رجعی) نیز سفارش می‌کند که یا ماندن به خوشی، یا رهایی به خوبی. «فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا؛ و به (روزهای پایانی) سرآمد (عده) شان رسیدند، پس بطور پسندیده نگاهشان

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۳۹

دارید، یا بطور پسندیده آزادشان سازید؛ و بخاطر زیان رساندن نگاهشان ندارید، تا (به حقوقشان) تجاوز کنید.» (۱)

از این همه سفارش و تأکید، به روشنی در می‌یابیم که روح پیام قرآن در زندگی، مودت و رحمت و پیوند زناشویی برای زندگی

مسالمت آمیز است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۴۱

خواستگاری و عروسی چه آدابی دارد؟

پرسش:

خواستگاری و عروسی چه آدابی دارد؟

پاسخ:

۱. نگرش الهی به ازدواج

گروهی به حضرت علی (ع) طعنه می‌زدند که «تو با فضیلت‌ترین و شجاع‌ترین مرد عرب هستی و می‌توانستی دختر ثروتمندی را به عقد خود درآوری تا با جهاز خود خانه‌ات را مزین کنی.» آن حضرت در پاسخ فرمود: «همانا ما قوی هستیم که به دستورهای الهی رضایت داده‌ایم و جز رضایت خدا چیزی نمی‌خواهیم و افتخار ما نیز به اعمال نیکو است نه مال و ثروت.» (۱)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۴۲

همچنین به حضرت فاطمه (س) طعنه زدند که تو همسر مرد فقیری شدی که هیچ مالی ندارد و ایشان در پاسخ فرمود: «من به علی (ع) راضی هستم و رضایت من از او، بالاترین درجات رضایت است.» (۱)

۲. زمان مناسب

مستحب و نیکو است مراسم عروسی در شب برگزار شود؛ زیرا خداوند شب را زمان آرامش قرار داده است و ولیمه (غذا) عروسی در شب یا روز باشد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «زُفُوا اعْرَائِسَكُمْ لَيْلًا وَاطْعَمُوا ضِحًّا؛ عروسی و زفاف را در شب برگزار کنید و ولیمه آن را در روز بدهید.» (۲)

حضرت باقر (ع) فرمود: «ولیمه عروسی یک روز است و روز دوم بزرگواری و کرم و روز سوم خودنمایی و ریا» (۳) است سزاوار است مؤمنان دعوت عروسی را اجابت کرده و از ولیمه عروسی تناول کنند.

۳. مهریه (صداق) و جهیزیه

در صحت عقد ازدواج تعیین مهریه واجب است که بر عهده مرد قرار می‌گیرد. در روایات از خوبی‌های دختر برای شوهر کم بودن مهریه و زیاد نبودن آن عنوان شده است و این به خاطر توجه اسلام به سعادت و سلامت عروس و داماد و تشکیل خانواده سعادت‌مند بوده است و می‌بینیم که مهر و جهاز حضرت زهرا (س) با آنچه پدر بزرگوارشان فرموده، مطابقت دارد. (۴)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۴۳

نگرش به مهریه

مهریه، بدهی مرد به زن و پرداخت آن بر او واجب است و اگر کسی مهریه زیاد تعیین کند و قصد پرداخت آن را نداشته باشد؛ چنان که در زمان ما گفته می‌شود: «کی داده و کی گرفته»، معصیت کار بوده و نوعی دزدی محسوب می‌شود.

۴. دعا و صدقه

حضرت علی (ع) به مردی که می‌خواست ازدواج کند و از حضرت طلب دعایی کرد، حضرت به او فرمود که بگوید: «اللهم بکلماتک استحللتها، و بامانتک اخذتها اللهم اجعلها لوداً و دوداً لاتفرک تاکل مراح و لاتسأل عما سرح» (۱)

در هنگام عروسی حضرت زهرا (س) با دیدن جهیزیه مختصر دعا کردند و پس از اجرای صیغه عقد با تکبیرات و تسهيلات مراسم را برگزار کردند.

آری، از آغازین لحظه‌های تشکیل زندگی این دو بزرگوار ارزش‌های الهی و انسانی متجلی بود و سزاوار است شیعیان و محبان این بزرگواران با شناخت بیشتر سیره و منش آنان در مسیر حقیقت گام بردارند.

۵. شادی و شادمانی

مراسم عروسی نماد و نقطه آغازی برای تشکیل بنیان مقدس خانواده است و عرف جامعه پس از برگزاری آن به هر شیوه‌ای باشد، این پیوند مقدس

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۴۴

را به رسمیت می‌شناسد. این مراسم در هر منطقه‌ای به شکلی خاص انجام می‌گیرد که نقطه مشترک همه آن‌ها در این ویژگی است که مجلس عروسی همراه با سرور و شادی بوده و گردانندگان مراسم از برنامه‌ها و امکاناتی استفاده می‌کنند که شادی بیشتری به همراه داشته باشد. در متون دینی نیز به این مطلب اشاره شده است که مؤمن واقعی فردی با نشاط و سرزنده است که ناشی از ایمان مذهبی وی می‌باشد و نمی‌توان نقش آن را در زمینه‌های پیدایش شادی و نشاط نادیده گرفت. در قرآن و روایات سفارش شده است که عبادات خود را با نشاط و سرحالی انجام دهید تا بدون داشتن نگرانی به اطمینان قلبی برسید.

برای برخی این شبهه وجود دارد که اساساً نمی‌توان در مراسم شادی مسائل شرعی و دینی را رعایت کرد و این دو منافات دارند و شادی‌ها فقط به شادی‌های ظاهری اطلاق می‌گردد، در حالی که اگر دقت داشته باشیم به این نکته می‌رسیم که ارمغان دین برای بشر شادی، سرور، بهجت به معنای عمیق آن است و مؤمنان واقعی عمیق‌ترین این شادی و خوشحالی‌ها را دارند. زیارت با معرفت معصومین (ع)، نماز با حضور قلب، تدبر در قرآن تا انفاق و صدقه‌ای که به اهلش می‌رسد، کشف راز علمی، پیروزی در رقابت ورزشی، شادمانی و خرسندی که از حسن انجام وظیفه حاصل می‌شود، احساسی که پس از توسعه رزق و روزی که برای خانواده مهیا کرده است، رضایت از خدمتی که به بشریت عرضه کرده است و ده‌ها و صدها احساس بهجت و سرور که پس از انجام کارهای خداپسندانه و مطابق فطرت پاک انسانی پدیدار

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۴۵

می‌شود، برگرفته شده از یک جوهره و حقیقت بوده و همه جلوه‌ای از زیبایی و عظمت و کمال بی حد و حصر خداوند متعال است، که برای کسانی که در این مسیر زندگی می‌کنند، شادی‌های ظاهری و باطنی به همراه دارد و در مقابل هر آنچه شادی و سرور از راه‌های شیطانی و انحرافی حاصل می‌شود، زودگذر و لحظه‌ای بوده و پس از اندکی آثار سوء خود را مشخص خواهد کرد؛ همانند فردی که از مواد مخدر و مشروبات الکلی برای شادی چند لحظه‌ای خود استفاده می‌کند. اکنون که با ماهیت شادی واقعی آشنا شدیم، به این نکته توجه می‌کنیم که مؤمن برای لذت و شادی چند دقیقه‌ای، مرتکب نافرمانی خدا نمی‌شود تا برای شادی مراسم عروسی خود گرفتار آداب آلوده به گناه گردد.

گاهی در مراسم ازدواج، اختلاط زن و مرد با پوشش نامناسب، موسیقی حرام، مزاحمت برای دیگران از جمله همسایه‌ها و به راه انداختن کارناوال‌های پر طمطراق، اسراف، چشم و هم چشمی، بی توجهی به واجبات مهمی مانند نماز دیده می‌شود که ناشی از عدم آگاهی برگزارکنندگان از لذت و شادی واقعی است که همیشه به دست خداست و با گناه و معصیت به دست نمی‌آید. راهکارها:

برای اجرای مراسم عروسی با رعایت اصل شادی و شادمانی به دور از امور غیر قابل قبول نزد شرع و عرف باید نگرش‌های جدید و صحیح را اعتقاد و باور داشت و از مدت‌ها قبل برای جایگزین کردن آن‌ها با امور خرافی و

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۴۶

غیرشرعی برنامه‌ریزی کرد. قبل از ذکر راهکارها این نکته جالب توجه است که با کسب آگاهی‌های لازم و این که انسان با توانایی

خود می‌تواند گره از مشکل‌ترین کارها بگشاید و امور را بر وفق مراد خود تنظیم کند، می‌تواند بر موانع و مراثت‌ها پیروز گردد. برای این که مجلس عروسی برگزار کنیم که هم سرشار از شادی باشد و هم از گناه و معصیت به دور ماند و خانواده و فامیل نیز راضی باشند، توجه به نکات زیر سازنده خواهد بود:

۱. سعی شود ابتدا دختر و پسر انجام چنین مراسمی را به صورت جدی از بزرگ‌ترها خواستار شوند و به برگزاری آن باور و اعتقاد داشته باشند؛ پس اهمیت موضوع را در شرایط مختلف به اعضای خانواده‌ها به ویژه والدین و خواهران و برادران خود تفهیم کنند و برای همه روشن کنند که عروس و داماد حق دارند مطابق نظریات خودشان مراسم عروسی را برگزار کنند.

۲. چون آداب نادرست در عروسی در طول زمان پایدار شده و به صورت یک فرهنگ در آمده است، می‌توان با جایگزین‌های مناسب فرهنگ و آداب نادرست را تغییر داد؛ از جمله این جایگزین‌ها می‌توان به استفاده از مداحان موفق در این گونه مجالس و هنرمندانی که با تردهای مفید و یا خواندن اشعار و لطیفه‌های مناسب مجلس گردانی می‌کنند، استفاده کرد.

بهتر است مجالس عروسی در مناسبت‌های مذهبی و جشن‌های میلاد ائمه (ع) برگزار گردد و سپس از وجود مداحان و هنرمندان استفاده برد؛ همچنین حضور برخی شخصیت‌های مذهبی و معتمدان محلی نیز چاره ساز خواهد بود.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۴۷

۳. اگر ممکن نبود مراسمی صد در صد به دور از این گونه برنامه‌ها باشد، سعی شود جلوی برخی گناهان بزرگ گرفته شود؛ مانند جلوگیری از اختلاط زن و مرد و ... و عروس و داماد به انجام این امور رضایت ندهند تا گناهی به حساب آنان نباشد.

۶. آداب خواستگاری

برخی فقهاء خواستگاری را مستحب دانسته‌اند و همچنین مستحب است مردی که تصمیم بر ازدواج می‌گیرد، قبل از تعیین دختر و خواستگاری از او، دور رکعت نماز بخواند و پس از آن به دعاهایی که از ائمه (ع) رسیده، تمسک جوید. «۱»

از پسندیده‌ترین آداب ازدواج که ریشه در فطرت انسانی و طبیعت و نظام آفرینش دارد و در مناطق مختلف به عنوان یکی از رسوم و آیین و حامل اندرزهای حکیمانه پذیرفته شده است و اجرا می‌شود، خواستگاری است. در خواستگاری، مرد به خواستن زن اقدام می‌نماید و برای اجرای آن از طریق خود او و یا خانواده و دوستان او اولین گام برداشته می‌شود و این زن است که مؤدبانه و پسندیده خواسته می‌شود و طلب و عشق مرد را می‌پذیرد که به

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۴۸

قول شهید مطهری یکی از تدابیر حکیمانه و شاهکارهای خلقت به شمار می‌رود. «۱»

از این رو، در قرآن که آیین فطرت است و روایات معصومین (ع) نیز در هماهنگی با فطرت و نظام آفرینش، مردان در امر ازدواج مورد خطاب واقع شده‌اند و به طور مستقیم به آن‌ها دستور خواستگاری و انتخاب همسر داده شده است، آن جا که خداوند در آیه مربوط به خواستگاری می‌فرماید: «وَلَا جُنَاحَ ... أَنْفُسِكُمْ» «۲» و آیه ازدواج می‌فرماید: «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» «۳» پس آنچه از زنان، دلخواهتان است به زنی بگیریید.»

شایسته است زنان و خانواده‌هایشان مردانی را که دارای صفات پسندیده‌اند و از برخی صفات ناپسند به دورند، بپذیرند و رد نکنند که باعث فتنه‌انگیزی و فساد در جامعه خواهد شد. «۴»

شوهر مطلوب

براساس دسته‌ای از روایات نورانی که از معصومین (ع) رسیده است، پنج ویژگی خواستگار عبارت‌اند از: اخلاق، دین، امانت، عفت و توانایی در تأمین

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۴۹

هزینه زندگی. «۱» و سزاوار است که (زن) دختر و خانواده او به خواستگاری شارب الخمر (معتاد به شراب و یا مانند آن، بدخلق و خو، مخنث و فاسق جواب رد بدهند؛ زیرا چنین فردی همشان نمی‌باشد و نمی‌تواند زندگی سعادت‌مندی داشته باشد. «۲» همسر مطلوب

مردی که قصد ازدواج دارد، نمی‌تواند از هر زنی خواستگاری کند، بلکه از نظر دستورهای دینی که در قانون نیز بدان تصریح شده است، می‌تواند از هر زنی که خالی از موانع ازدواج باشد. (موارد آن ذکر خواهد شد) یعنی ازدواج با او مشروع باشد، خواستگاری نماید. «۳»

ازدواج با چند گروه از زنان حرام است و در نتیجه نمی‌توان از آنان خواستگاری کرد که عبارت‌اند از:

۱. زنانی که با انسان حرام دایمی هستند؛ مانند، خاله، عمه، مادر.

۲. زنانی که به سببی خاص بر انسان حرام می‌شوند؛ مانند زن پدر، خواهر زن مادامی که همسر انسان زنده است و یا زنانی که همسر دارند، مادر زن، و

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۵۰

۳. زنانی که از طریق شیر خوردن از یک مادر با شرایط خاص بر مرد حرام می‌شوند.

۴. زنانی که به خاطر کفر و طلاق و یا ارتباط نامشروع جنسی بر مرد حرام می‌شوند. «۱»

پیشنهاد خواستگاری

ممکن است این پیشنهاد بدون دخالت خانواده و یا دوستان وی به دختر گفته شود؛ اما در این مرحله نیز انسان عاقل سعی می‌کند با در نظر گرفتن فرهنگ جامعه و آداب و رسوم اجتماعی و ارج نهادن به مقام و منزلت زن و همچنین احترام به والدین و دیگران و بهره‌مندی از حمایت‌های مادی و معنوی آنها و احترام به پیوندهای نزدیک خانوادگی از تنها پیشقدم شدن اجتناب نماید و باعث جلوگیری از برخی آسیب‌های روحی و روانی و برخی عوارض منفی شود که معمولاً ناشی از تحت تاثیر احساسات و عواطف قرار گرفتن طرفین به ویژه دختر می‌باشد؛ بنابراین، مناسب است مقدمات خواستگاری نیز به شیوه پسندیده و معمول هر منطقه‌ای صورت بگیرد.

مستحب است مرد هنگامی که تصمیم بر ازدواج می‌گیرد، قبل از این که دختر معینی را برای خواستگاری مدنظر قرار دهد، دو رکعت نماز بخواند و دعا کند و سپس به خواستگاری اقدام نماید.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۵۱

مجلس خواستگاری

جلسه خواستگاری در هر منطقه آدابی دارد که مطابق آن برگزار می‌شود، ولی وجوه مشترکی نیز وجود دارد؛ مانند گفتگوی خانواده‌ها در این جلسه، امروزه تقریباً همه جا پسر و دختر نیز جداگانه با یکدیگر به گفتگو نشستند و از نزدیک در باره شخصیت خود و اهداف و دیدگاه‌ها و برنامه‌هایشان برای زندگی آینده صحبت می‌کنند و در این دیدار اگر به تفاهم رسیدند، انس و الفت مضاعفی حاصل خواهد شد.

در این دیدار، به مرد اجازه داده شده است که به صورت و دست‌ها و مو و قسمت‌های زیبای (محاسن) دختر مورد نظر نگاه کند و احتیاطاً از روی لباس نازک و چون که برای شناخت و اطلاع یافتن بر حال و وضعیت دختر است، محدودیتی از نظر دفعات نگاه کردن نیست؛ البته توجه به این نکته ضروری است که جواز شرعی مسئله زمانی است که تصمیم مرد به ازدواج جدی باشد و احتمال حصول توافق بر ازدواج بدهد و امکان ازدواج با زن فراهم و با این نگاه در صدد انتخاب همسر باشد. «۱»

از دیگر ویژگی‌های این دیدار، این است که زیبایی‌های ظاهری را بر اساس گرایش طبیعی و فطری انسان به زیبایی و جمال، مورد

توجه قرار می‌دهد و نقش آن را در انتخاب‌هایی که انسان در زندگی دارد، به ویژه ازدواج

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۵۲

نمی‌توان نادیده گرفت و از این طریق، باعث ایجاد و استمرار محبت و صمیمیت می‌گردد.

پیامبر خدا (ص) به جوانی که قصد ازدواج داشت، فرمودند: «لو نظرت الیها فأنه آخری ان یودم بینکما» (۱)؛ نگاه به دختر مورد نظر برای دوام ازدواج شما بهتر است.»

به ویژه این که مورد پسند بودن همسر تأثیر عمیقی در روابط سرشار از عاطفه و احساسات زن و شوهر دارد و حقیقت نگاه مرد که به قول شهید مطهری طبیعت و خلقت وی را مظهر طلب و عشق و تقاضا قرار داده، این است که کمک می‌کند مرد به بهترین شکل به وصالش برسد.

۷. روابط دوران نامزدی و لزوم خواندن صیغه محرمیت

دوران نامزدی پس از قبول پسر و دختر برای ازدواج شروع می‌شود و تا زمانی که صیغه عقد شرعی خوانده نشده، دختر و پسر با یکدیگر نامحرم و بیگانه‌اند، هرچند در آینده ازدواج کنند؛ بنابراین، باید روابط خودشان را با معیارهای شرعی بسنجند و از ملازمت با یکدیگر، گفتگوی طولانی، خلوت کردن با یکدیگر و ارتباط نزدیک به ویژه ارتباط جنسی نامشروع پرهیزند و در موارد ضروری از پدر یا سرپرست دختر رخصت بگیرند (۲) و عقد موقت جاری کنند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۵۳

بنابراین، اگر فاصله بین خواستگاری و اجرای مراسم عقد شرعی طولانی می‌شود، برای این که موانع شرعی روابط در این دوران برداشته شود، مناسب است صیغه محرمیت شرعی خوانده شود. این عقد همان شرایط ازدواج موقت را دارد و خانواده‌ها می‌توانند آن را به صورت مشروط اجرا کنند و از بعضی جهات محدودیت‌هایی را در روابط دختر و پسر اعمال نمایند.

از شرایط اصلی صیغه محرمیت تعیین مهریه و تعیین مدت است. اگر طرفین بخواهند عقد دائم بخوانند، ولی هنوز مدتی که در عقد محرمیت ذکر کرده بودند، باقی است، مدت باقی مانده را می‌بخشند و سپس عقد جدید جاری می‌شود. (۱)

برای اجرای این کار فوایدی مادی و معنوی مترتب می‌شود؛ از جمله این که اصل اجرای صیغه محرمیت خشنودی خداوند را به همراه دارد و بهترین راه حل برای مقابله با رفتارهای غیر شرعی و باورهای غلط در مقدمات ازدواج است و به جای این که نامزدها از این گونه روابط احساس تخلف و دلهره و دغدغه داشته باشند، با خواندن عقد محرمیت به این ارتباط رسمیت داده می‌شود و (عوارض) احساسات منفی جای خود را به احساس عاطفی-الهی در مسیر رشد و شکوفایی و آرامش روانی در راستای تقویت ایمان می‌دهد و از خوشگذرانی و دوستی‌های خطرناک جلوگیری می‌کند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۵۴

۸. زمان اجرای عقد

در برگزاری مراسم عقد و عروسی بهتر است از بعضی امور که پیامدهای منفی دارد و در روایات به آن‌ها اشاره شده است، اجتناب گردد، از جمله این که صیغه عقد در زمانی خوانده نشود که قمر در برج عقرب باشد و یا در روز چهارشنبه و یا در زمانی که ماه در محاق باشد (دو یا سه شب آخر ماه) (۱) و ایام وفات و سوگواری معصومین (ع) به ویژه ایام محرم و صفر.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۵۵

نظر قرآن در باره ازدواج موقت چیست؟

پرسش:

نظر قرآن در باره ازدواج موقت چیست؟

پاسخ:

در مورد ازدواج موقت چند بحث اساسی وجود دارد:

الف- ازدواج موقت قبل از اسلام؛

ب- ازدواج موقت بعد از اسلام؛

- ازدواج موقت از منظر قرآن؛

- ازدواج موقت از منظر روایات؛

- ازدواج موقت در فتوای جدید برخی از علمای اهل سنت؛

- ازدواج موقت از منظر عقل؛

- ازدواج موقت از منظر حقوق؛

- راهکار اجرای ازدواج موقت؛

- شرایط و مقررات ازدواج موقت.

مقدمه

از شیرین‌ترین و پرخاطره‌ترین رخدادهای دوران حیات هر فردی ازدواج است که خداوند آن را از آیات خود معرفی کرده است:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۵۶

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» و از نشانه‌های او این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید، تا بدان‌ها آرامش یابید، و در بین شما دوستی و رحمت قرارداد؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.»

و در آیات دیگر به آن توصیه و سفارش نموده است و فقر را مانع آن نمی‌داند:

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ وَلَيْسَ تَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُمْ مِّنْ مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَمَا تَكْرَهُوا فَبَيِّتْكُمْ عَلَى الْبُعْءِ إِنْ أَرَدْتُمْ تَحْصِينَ لِنَبْتِغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» و افراد بی‌همسران، و شایستگان از بندگانتان، و کنیزانتان را به ازدواج (یکدیگر) در آورید؛ اگر نیازمند باشند، خدا از بخشش خود آنان را توانگر می‌سازد؛ و خدا گشایشگری داناست. و کسانی که (وسایل) ازدواج نمی‌یابند، باید خویشتنداری کنند تا خدا از بخشش خود آنان را توانگر سازد. و از میان آنچه (از بردگان) مالک شده‌اید، کسانی که خواستار (قرارداد آزادی): مُکاتبه هستند، پس با آنان (قرارداد) مُکاتبه ببندید، اگر در (آزادی) ایشان نیکی می‌دانید؛ و از

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۵۷

مال خدا که به شما داده، به آنان بدهید. و کنیزان جوانسال خود را اگر پاکدامنی را می‌خواهند، بر تجاوزکاری (: زنا) به اکراه و امدارید، تا (کالای) ناپایدار زندگی پست (دنیا) را بجوید؛ و هر کس آنان را (بر این کار) به اکراه و امدار کند (و پشیمان شود)، پس بعد از اکراه آنان خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.»

افزون بر آیات قرآن، روایات اسلامی نیز ضمن پرهیز دادن انسان‌ها از رهبانیت، ازدواج را به عنوان سنت معرفی کرده و رویگردانی

از آن را روی‌گردانی از سنت و دین رسول خدا (ص) معرفی می‌کند: «النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی» (۱).»

بیش از اسلام و تشریح احکام نورانی آن، مردم در قالب‌های مختلفی ازدواج می‌کردند و هر کدام از این قالب‌ها برای ایشان از منزلگاه خاصی برخوردار بود. «۲» در این نوشتار برآنیم تا ضمن بررسی ازدواج موقت (متعّه) چهره واضح و روشن از این نوع ازدواج ارائه دهیم و آن را به عنوان راهکاری در ترویج فرهنگ ناب اسلامی در مسیر کاهش آمار مفساد اجتماعی آشکار و پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۵۸

نهان معرفی نماییم، باشد تا با به کارگیری این شیوه صحیح گامی در راستای اصلاح روابط زن و مرد در جامعه اسلامی برداریم.
۱. سابقه تاریخی ازدواج موقت

این نوع از ازدواج به همراه انواع دیگر در میان امت‌های پیشین و قبل از اسلام وجود داشته است در کتاب دکتر عمر فروخ می‌نویسد:

این عقد که از عقود ازدواج زمان قبل از اسلام است بین مرد و زن غیر باکره بود که این عقد در زمان معینی براساس مهر مشخص بسته می‌شد، و این نوع از ازدواج با پایان یافتن مدت تمام می‌شد. «۱»
۲. ازدواج موقت در اسلام

ازدواج موقت در زمان پیامبر اکرم (ص) و در دوران حکومت ابوبکر و بیشتر از نیمی از زمان حکومت عمر مرسوم بود، لیکن در اواخر حکومت عمر بن خطاب این مسئله با نهی و جلوگیری شدید عمر رو به رو شده وی اعلام کرد: اگر به من خبر دهند که مردی ازدواج موقت کرده، وی را سنگسار خواهم کرد.

او در خطبه‌ای دیگر گفت: «همانا قرآن همان قرآن است و رسول، همان رسول، اگرچه دو متعه در زمان رسول خدا (ص) حلال بود [متعّه حج و متعه]

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۵۹ زنان پس من از آن دو نهی و جلوگیری می‌کنم و بر مرتکب شونده آن حد زنا جاری می‌سازم.» «۱»

این عمل خلیفه مورد اعتراض بزرگان صحابه قرار گرفت؛ از جمله مخالفان عبارت‌اند از:

۱. امیرالمومنین علی (ع) که فرمودند: اگر عمر از ازدواج موقت جلوگیری نمی‌کرد، به جز شخص شقی و بد سرشت کسی زنا نمی‌کرد. «۲»

۲. عبدالله بن عمر؛

۳. عبدالله بن عباس؛

۴. جابر بن عبدالله انصاری.

راغب در کتاب محاضرات خود می‌گوید: روزی یحیی بن اکثم به بزرگی از اهل بصره گفت: چرا ازدواج موقت را حلال می‌دانی و از چه کسی در این مورد پیروی می‌کنی؟ شیخ گفت: به عمر بن الخطاب. یحیی گفت: چگونه ممکن است و حال آن که عمر در این مورد اول کسی بود که جلوگیری کرد و خیلی در این مورد تعصب به خرج داد.

شیخ گفت: به خاطر آن که خبر صحیحی از جانب عمر به ما رسیده است و به آن عمل می‌کنیم و آن خبر این است که: روزی عمر بالای منبر رفت و گفت: به درستی که خدا و رسولش برای شما دو نوع متعه را حلال کرده‌اند؛

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۶۰

متعّه حج و متعه زنان، ولی من آن دو را بر شما حرام می‌کنم و کسی که مرتکب شود، او را سنگسار می‌نمایم؛ پس ما شهادت عمر را بر حلال بودن متعه قبول می‌کنیم، لیکن حرام کردنش را خیر. «۱»

به گواهی تاریخ و به اتفاق همه علمای شیعه و سنی، اولین کسی که متعه و ازدواج موقت را منع کرد و به خلاف خدا و پیامبر اکرم

(ص) در این مورد دستور داد حتی برای مرتکب شونده حد قرار داد عمر بن الخطاب بود. «۲» اما علمای شیعه به تبعیت از پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) ازدواج موقت را جایز می‌دانند. شهید ثانی در این مورد می‌نویسد: آن‌قدر احادیث در مورد ازدواج موقت به ما رسیده که نزدیک است به حد تواتر برسد و البته این کثرت احادیث در حالی است که شیعه و امامان آن مراحل سخت سیاسی دوران بنی امیه و بنی عباس را طی کردند و این بسی جای تعجب است که با این همه موانع این قدر زیاد احادیث در این مورد به ما رسیده است.

ازدواج موقت در قرآن مجید

«وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۶۱

فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا؛ «۱»
و زنان شوهردار (نیز بر شما حرام است)؛ مگر آنچه (از کنیزان) که مالک شده‌اید. (این احکامی است که) خدا بر شما مقرر داشته است. و غیر از این (زنان نامبرده)، برای شما حلال است، که با اموالتان آنان را طلب کنید؛ در حالی که پاکدامنان غیر زشتکار (غیر زناکار) باشید. و کسانی از زنان را که (با متعه و ازدواج موقت) از او بهره می‌برید، پس مهرشان را، در حالی که واجب شده، به آنان بدهید. و هیچ گناهی بر شما نیست در آنچه، بعد از وجوب (مهر)، با یکدیگر در موردش توافق کردید؛ براستی که خدا، دانای فرزانه است.»

در باره چگونگی استدلال به آیه شریفه بر ازدواج موقت توجه به نکات زیر راهگشاست:

الف- شان نزول: این آیه از آیات مدنی است که در سال اول هجرت در شرایطی که مسلمانان در مقابل پرداخت اجرت، ازدواج موقت می‌کردند، نازل شد. لیکن؛ البته مسلمانان در پرداخت اجرت به زنان مسامحه می‌کردند؛ از این رو، آیه بر طبق عادت معمولی برای تاکید در پرداخت اجرت نازل شد که بیانگر تایید ازدواج موقت می‌باشد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۶۲

ب- کاربرد واژه «متععه»: کاربرد این واژه در عرف مردم به معنای متداول «ازدواج موقت» بیانگر این مطلب است که این آیه در مورد ازدواج موقت است.

ج- سیاق آیه: این آیه در ادامه آیات مربوط به بیان شأن و جایگاه ارتباط زناشویی در قالب حلال و حرام است و نوعی دیگر ازدواج را بیان می‌کند که باید در باره آن توضیح داده شود در آیه می‌خوانیم: «و کسانی از زنان را که (با متعه و ازدواج موقت) از او بهره می‌برید، پس مهرشان را در حالی که واجب شده به آنها بدهید.»

پرداخت اجرت نیز در بهره‌برداری در ازدواج موقت قابل تصور است. آیه بعد هم در مورد ارتباط صحیح زناشویی است.

د- نظر گاه مفسران: علامه امینی هجده منبع را از منابع اصلی معرفی می‌کند و این آیه را در مورد ازدواج موقت می‌داند؛ «۱» از جمله مجمع البیان، المیزان، و ...

- گفته عمر: این گفته که متعه حج و متعه نسا در زمان پیامبر وجود داشت و من ممنوع کردم، دلالت بر وجود ازدواج موقت در زمان پیامبر (ص) دارد؛ همان طور که از این آیه به دست می‌آید.

ازدواج موقت در روایات شیعه

بیان شد که تعداد قابل توجهی از روایات شیعه در تفسیر آیه ازدواج موقت و پیرامون مسائل دیگر از جانب اهل بیت عصمت (ع)

مطرح شده است. در یک تقسیم بندی می‌توان روایات را به چهار دسته کلی تقسیم کرد:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۶۳

دسته اول: احادیث دلالت کننده بر جواز ازدواج موقت و علت آن.

محمد بن مسلم می‌گوید: امام صادق (ع) فرمود: خداوند تبارک و تعالی نسبت به شما رأفت و مهربانی کرده و عوض از حرام کردن شراب، ازدواج موقت را حلال نموده است. «۱»

امام رضا (ع) متعه و ازدواج موقت را از شرایط اسلام دانسته و می‌فرماید: محض اسلام، و اساس اسلام شهادت به وحدانیت خداوند است... و از اساس اسلام این است که متعین (ازدواج موقت و تمتع و لذت‌جویی در ایام حج بین عمره و اعمال حج) را حلال بدانی؛ آن دو متعه‌ای که خداوند در کتابش آیه‌ای در موردش نازل فرموده، و پیامبر اکرم (ص) آن دو را سنت و مستحب قرار داده است. «۲»

دسته دوم: احادیثی که بر مستحب بودن ازدواج موقت دلالت دارند.

صالح بن عقبه از پدرش نقل می‌کند که گفت:

از امام صادق (ع) پرسیدم: آیا برای کسی که ازدواج موقت بنماید، ثوابی (از طرف خدا) در نظر گرفته شده است؟ امام صادق (ع) فرمودند: اگر با این عمل (ازدواج موقت) قصد قربت کند و... کلمه‌ای با آن زن صحبت نمی‌نماید، مگر آن که خداوند به عدد هر کلمه حسنه‌ای برای او قرار می‌دهد و دستی به طرف زن دراز نمی‌نماید مگر این که خداوند برای او حسنه‌ای قرار می‌دهد و

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۶۴

وقتی به او نزدیک شود، خداوند گناهی از او می‌آمرزد، و وقتی غسل می‌کند، خداوند به عدد هر موئی از بدن او که آب بر آن جریان پیدا می‌کند، از او گناه می‌بخشد.

عقبه می‌گوید: (با تعجب) پرسید: به عدد هر مو؟

حضرت فرمودند: (آری) به عدد هر مو (خداوند گناهی از او می‌بخشد). «۱»

هشام از امام صادق (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمودند: همانا دوست دارم که مؤمن از دنیا نرود مگر آن که ازدواج موقت کرده باشد، هر چند یک مرتبه. «۲»

دسته سوم: احادیثی که بر کراهت ازدواج موقت در مواردی دلالت می‌کند.

محمد بن فیض گوید:

از امام صادق (ع) در مورد متعه و ازدواج موقت سوال کردم، حضرت فرمود: آری، اگر زن عارفه و آگاه باشد، اشکال ندارد (شما را از چند دسته زنان بر حذر می‌دارم): از «کواشف» بر حذر باشید، از «دواعی» بر حذر باشید از «بغایا» بر حذر باشید و از شوهرداران بر حذر باشید.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۶۵

عرض کردم: کواشف چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: زنانی که کشف شده هستند (بی حجاب هستند) و خانه‌هایشان شخصی است و رفت و آمد (نامشروع) دارند.

عرض کردم: دواعی چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: زنانی که مردان را به خود می‌خوانند و به فساد شناخته شده‌اند.

عرض کردم بغایا چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: زنانی هستند که به زنا معروف می‌باشند.

عرض کردم: شوهرداران چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: زنانی که به طور غیر شرعی طلاق داده شده‌اند. «۱»

دسته چهارم: احادیثی که احکام متعه را بیان می‌کنند.

شیخ حر عاملی از محدثان قرن دوازدهم و نویسنده کتاب گران سنگ وسایل الشیعه در بخش نهم از کتاب النکاح، ۴۶ باب با عناوین گوناگون باز کرده است و تعداد ۲۲۳ روایت نقل می‌کند؛ از جمله:

۱. باب مباح بودن ازدواج موقت (۳۲ روایت)؛
 ۲. باب مستحب بودن ازدواج موقت (۱۵ روایت)؛
 ۳. باب مستحب بودن ازدواج موقت، اگرچه عهد بسته باشد که آن را ترک کند یا بر او نذر کرده باشد (۳ روایت)؛
 ۴. مکروه بودن متعه در صورت بی نیازی و منجر شدن به فساد زنان (۶ روایت)؛
 ۵. باب مستحب بودن ازدواج موقت با زنان امین و عقیف (۳ روایت)؛
- پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۶۶
- و ابواب دیگر که در بیان احکام، شرایط و آداب ازدواج موقت است.
- این تعداد روایت بیانگر اهمیت موضوع در پیشگاه ائمه معصومین (ع) راویان و محدثان اخبار معصومین (ع) است.

فتوای جدید برخی از علمای اهل سنت درباره ازدواج موقت

مشکل بالا رفتن سن ازدواج دختران، تنها به کشورهای عربی خاور میانه محدود نمی‌شود، بلکه به یک شیخ تهدید آمیز برای همه کشورهای اسلامی تبدیل شده است. وب سایت «محیط» طی گزارشی، خاطر نشان کرد که ۳۴ دختران در کشورهای عربی از سن ۳۵ سال گذشته‌اند و این افراد را دختران ناامید می‌نامند، زیرا دیگر آمیدی به ازدواج با فردی شایسته و دلخواه ندارند. تنها در مصر ۸ میلیون ناامید وجود دارد، در مراکش وضعیت بدتر است. ممکن است همین رقم و شاید هم بیشتر از آن وجود داشته باشند، البته کشورهای عربی خلیج فارس نیز همین مشکل را به نوع دیگری دارند. در این میان، وضع «یمن» از همه بدتر است. درصد ازدواج‌های زود هنگام، اشتغال دختران خردسال به عنوان خدمتکار و ... ناهنجاری‌های بسیاری را ایجاد کرده است. بالا رفتن آمار دختران ناامید به عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برمی‌گردد. در این میان، بالا رفتن سن ازدواج پسران نیز

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۶۷

بر این پدیده تأثیر گذاشته است. از نظر فرهنگی، امروزه ازدواج پسران در سن بالا، امری ناپسند به حساب نمی‌آید، حال آنکه تا نیمه قرن گذشته، میانگین سن ازدواج پسران ۲۲ سال بود و مجرد بودن آنان، امری ناپسند تلقی می‌شد، در سال‌های اخیر در کشورهای عربی، کنفرانس‌های متعددی در خصوص راهکارهایی برای حل مشکل دیر ازدواجی و پیر دختری برگزار شده است. یکی از راه‌هایی که مورد بررسی قرار گرفت، ازدواج موقت است. در فقه شیعه، ازدواج موقت و زمان دار و به قصد طلاق برای زنان بدون شوهر با شرایط خاص، مجاز است، اما در فقه اهل سنت، ازدواج موقت و یا هر ازدواجی که مدت دار باشد، حرام است.

به تازگی، تعدادی از علمای اهل سنت اعلام کرده‌اند که خلیفه دوم، سنت خدا و پیامبر را حرام کرده است، در حالی که این حرمت، جایگاه شرعی و قانونی نداشته است. از جمله در کتابی به نام «ازدواج متعه حلال است»، صالح وردانی، فقیه سنی سلفی مصری، نوشته است که دلایلی بر تحریم ازدواج موقت و نیز دلایلی بر تأیید آن وجود دارد، اما دلایلی که در تأیید وجود دارند، محکم‌ترند، زیرا همه آنها به پیامبر اعظم (ص) منسوبند، اما دلایل ابطال به خلیفه دوم و صحاح سته منسوب است. ولی در استدلال‌های خود، به فقه شیعه نزدیک شده و بطور ضمنی، احادیث شیعه را در مورد ازدواج موقت، صحیح دانسته و ادله فقهایی که در نسخ آن، سخن گفته‌اند را با نقد و بررسی فقهی رد کرده است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۶۸

این نخستین بار است که یک مفتی سنی، وارد مباحث و مفاهیم بنیادین در رفتارشناسی جنسی مانند: آموزش و تربیت جنسی،

جنسیت یا تمایل جنسی، هویت جنسی، نقش جنسی، حدود و ثغور آموزش و تربیت جنسی، آموزش جنسی قبل از ازدواج می‌شود و درباره آنها کند و کاو می‌کند.

به هر حال، مسئله ازدواج موقت، یکی از موضوعات قابل بحث در حوزه وضعیت زنان در کشورهای عربی است. بیوه‌زنانی که در کشورهایی مانند مغرب، مصر، الجزایر و یمن زیر فشارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، کمر خم کرده‌اند، «ازدواج موقت» را به عنوان وسیله‌ای برای آرامش و تأمین حداقل معیشت می‌یابند. آنان نه تنها این را عملی از روی اکراه و اجبار، بلکه با رضایت می‌پذیرند. امروزه، زنان از قشرهای مختلف، پذیرای این پیشنهاد هستند. زنان و دختران جوان گرفتار، برای گره‌گشایی از وضعیت نابسامان مالی خود، ازدواج زمان‌دار را می‌پذیرند و پس از ناامیدی، خوشبختی خود را یک بار دیگر آزمایش می‌کنند.

مشکل اساسی، قبلاً این بود که فرزندان ناشی از ازدواج‌های موقت، وضعیت حقوقی و شرعی مشخصی نداشتند و این ازدواج‌های عرفی توسط شاهدانی از فامیل و یا وعاظ درجه پایین انجام می‌شد، ولی اگر قانونی و شرعی بودن این نوع زناشویی رسماً پذیرفته شود، مشکل حضانت کودکان نیز قانونمند خواهد شد.

روند فزاینده این گونه ازدواج‌ها در بین اقشار تحصیل کرده و شهرنشین، افراد جدا شده و کسانی که مسافرت‌های کاری طولانی مدت و یا سفر فصلی

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۶۹

دارند به گونه‌ای است که قبح و زشتی حرمت این گونه ازدواج‌ها نزد عامه مردم از بین رفته است.

به طوری که شاید میزان ازدواج‌های عرفی سال‌های اخیر در کشورهای عربی سنی، از جمله در یمن به مراتب بیشتر از جوامع شیعی است.

بسیاری از دختران و یا بیوه‌زنان تحصیل کرده که صاحب شغل هستند نیز برای حفظ موقعیت خود در محل کار و تثبیت وضعیت اقتصادی‌شان، گاه مجبور به پذیرفتن ازدواج موقت از سوی کارفرمای خود می‌شوند. این امر چنان امروزه در کشورهای عربی پیداست که هیچ کس نمی‌تواند، منکر آن شود.

عقل و ازدواج موقت

شهوة یک نوع غریزه در وجود انسانی است اگر در راه خود مصرف نشود، ناگزیر در غیر راه خود مصرف خواهد شد و انسان را به انحراف‌های جنسی پنهانی و یا علنی خواهد کشید. زنی که طلاق گرفته یا شوهر او از دنیا رفته و زمانی با شوهر زندگی کرده، چگونه می‌تواند بعد از چشیدن لذت از شوهر اکنون بدون آن زندگی کند؟ آیا این زن نمی‌تواند به انحراف‌های جنسی دیگر مانند، خودارضایی، زنا، مخفیانه و یا ارضاع با همجنس کشیده شود؟ آیا اگر شرایط مساعدتر شود، این زن تن به زنا آشکار نمی‌دهد؟

جوانی که در بحران جوانی و شهوت قرار دارد و شهوت عقل او را می‌رباید و قدرتی نیز برای ازدواج دائم در خود سراغ ندارد، برای ارضای غریزه جنسی به طور مشروع راهی به جز ازدواج موقت ندارد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۷۰

عقل سالم و انسان منصف برای پیشگیری از گرفتاری‌های نامشروع جنسی برای ارضای غریزه قوی شهوت، راه صحیح و شرعی ازدواج موقت را توصیه می‌کند که با شرایط، آداب و احکام خاص خود و حفظ حریم‌های شرعی انجام می‌پذیرد.

ازدواج موقت در حقوق

قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ در کتاب هفتم از جلد دوم به پیروی از فقه امامیه بر ازدواج موقت صحه گذاشته است. ماده ۱۰۷۵ قانون

یاد شده می‌گوید: نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی باشد.

ماده ۱۰۷۶: مدت نکاح منقطع باید کاملاً معین شود.

ماده ۱۰۹۵: در نکاح منقطع عدم مهر در عقد موجب بطلان است.

ماده ۱۰۹۶: در نکاح منقطع موت زن در اثنای مدت موجب سقوط مهر نمی‌شود و همچنین است اگر شوهر تا آخر مدت با او نزدیکی نکند.

ماده ۱۰۹۷: در نکاح منقطع هر گاه شوهر قبل از نزدیکی تمام مدت نکاح را ببخشد، باید نصف مهر را بدهد.

ماده ۱۰۹۸: در صورتی که عقد نکاح اعم از دائم یا منقطع باطل بوده و نزدیکی واقع نشده، زن حق مهر ندارد و اگر مهر را گرفته شوهر می‌تواند آن را استرداد نماید.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۷۱

۱۱۱۳. در عقد منقطع، زن حق نفقه ندارد مگر این که شرط شده یا آن که عقد مبنی بر آن جاری شده باشد. «۱»

شرایط و احکام «۲» ازدواج موقت

شرایط:

اول: صیغه عقد ازدواج موقت (ایجاب و قبول)

در زناشویی، چه دائم و چه غیر دائم، باید صیغه خوانده شود و تنها راضی بودن زن و مرد کافی نیست و صیغه عقد را یا خود زن و مرد می‌خوانند، یا دیگری را وکیل می‌کنند که از طرف آنان بخواند. (م ۲۳۶۳)

- وکیل لازم نیست مرد باشد، زن هم می‌تواند برای خواندن صیغه عقد از طرف دیگری وکیل شود. (م ۲۳۶۴)

- زن و مرد تا یقین نکنند که وکیل آن‌ها صیغه را خوانده است، نمی‌توانند به یکدیگر نگاه محرمانه نمایند و گمان به این که وکیل صیغه را خوانده کفایت نمی‌کند، ولی اگر وکیل بگوید صیغه را خوانده‌ام کافی است. (م ۲۳۶۵)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۷۲

الف- ایجاب (آنچه زن موقع خواندن صیغه ازدواج موقت می‌گوید): اگر خود زن و مرد بخواهند صیغه عقد غیر دائم بخوانند، بعد از آن که مدت و مهر را تعیین کردند، زن بگوید:

«متعتك نفسی فی المدّه المعلومه علی المهر المعلوم؛ خودم را مورد بهره برداری تو (مرد) قرار دادم در مدت معلوم بنا بر پاداش معلوم.»

ب- قبول (آنچه مرد در پاسخ زن می‌گوید): مرد بدون فاصله بگوید: «قَبِلْتُ» و اگر دیگری را وکیل کنند، اول وکیل زن به وکیل مرد بگوید: «متعت موکلتی موکلک فی المدّه المعلومه علی المهر المعلوم» پس بدون فاصله وکیل مرد بگوید: «قبلت لموکلک هکذا» (۲۳۶۹)

احکام:

۱. در صورتی که صیغه عقد ازدواج موقت صحیح خوانده نشود، عقد باطل است. اگر در عقد یک حرف غلط خوانده شود که معنی آن را عوض کند، عقد باطل است. (۲۳۷۱)

۲. در صورتی که زن و مرد نمی‌توانند صیغه را صحیح بخوانند، باید به شخص ثالثی که می‌تواند صیغه را صحیح بخواند، وکالت دهند تا از جانب آن‌ها اجرای صیغه نماید.

۳. در صورتی که زن به تنهایی قادر به تلفظ صحیح صیغه عقد ازدواج موقت از جانب خود نباشد، می‌تواند به شوهر موقت خود وکالت دهد تا از طرف او اجرای صیغه نماید.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۷۳

۴. در صورتی که مهریه مشخص نباشد و اجرای صیغه عقد موقت شود، عقد باطل است.

۵. کسی که دستور زبان عربی را نمی‌داند، اگر قرائتش صحیح باشد و معنای هر کلمه از عقد را جداگانه بداند و از هر لفظی معنای آن را قصد نماید، می‌تواند عقد را بخواند. (۲۳۷۲، ص ۳۸۶ مراجع)

۶. عقد ازدواج باید به عربی صحیح خوانده شود و اگر خود زن و مرد نتوانند صیغه را به عربی صحیح بخوانند، به هر لفظی که صیغه را بخوانند، صحیح است و لازم نیست و کیل بگیرند، اما باید لفظی بگویند که معنی را بفهماند.
دوم: تعیین مهر در ازدواج موقت

باید طرفین بر مال توافق نمایند. مهر زن می‌تواند پول یا منفعت و انجام کاری حلال و یا مباح باشد.

در صورت معلوم نبودن مهریه چه از نظر کیفیت یا کمیت، عقد ازدواج باطل است.

سوم: تعیین وقت در صیغه عقد ازدواج موقت

تعیین وقت در موقع اجرای صیغه از شرایط عقد ازدواج موقت است و در صورت تعیین نکردن وقت، عقد باطل می‌شود. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۷۴

چهارم: خالی بودن زن از موانع ازدواج

۱. زن نباید موقع خواندن صیغه ازدواج موقت در عده شوهر قبلی باشد.

تبصره: عده به ایامی می‌گویند که پس از جدا شدن، زن باید صبر کند و حق شوهر کردن ندارد تا زمانی که دو باره خون حیض ببیند و همین که حیض دوم را دیده، عده او تمام می‌شود و می‌تواند شوهر دیگر اختیار نماید.

اگر زن به طور طبیعی خون حیض نمی‌بیند و یا به این علت که رحمش را در آورده باشند، اگر در سن کسانی می‌باشد که حیض می‌بینند (از ۹ سال تا ۵۰ یا ۶۰ سالگی) باید ۴۵ روز عده نگهدارد و سپس ازدواج نماید.

زنانی که عده ندارند

یک- زنی که اگر سیده باشد، در شصت سالگی و اگر غیر سیده باشد، در پنجاه سالگی دیگر خون حیض نمی‌بیند (یائسه).

د- زنی که ازدواج کرده، ولی با او همبستر نشده باشد.

سه- زنی که ۹ سالش تمام نشده باشد.

زنانی که عده ندارند می‌توانند پس از تمام شدن وقت ازدواج موقت، بلافاصله با شخص دیگری ازدواج کنند.

- اگر شوهر موقت بخواهد در ایام عده ازدواج دو مرتبه به همان زن رجوع کند، لازم نیست زن ایام عده را به پایان برساند.

- زنی که در ایام عده (ممنوعیت از ازدواج) به سر می‌برد، اگر مسئله حرمت ازدواج در این ایام را نمی‌داند و ازدواج مجدد نماید، در صورتی که به او دخول نشده باشد، زن به مرد حرام ابدی نخواهد شد، لیکن در صورتی

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۷۵

که دخول انجام گرفته باشد، هر چند مسئله را نمی‌دانسته، زن بر مرد حرام ابدی خواهد شد.

- زن و مردی که می‌دانسته‌اند ازدواج در ایام عده حرام است، اگر ازدواج نمایند، زن بر مرد حرام ابدی خواهد شد.

- عده زنی که از ازدواج موقت حامله شده باشد، به وضع حمل او، یا دیدن دو حیض (در کسانی که حیض می‌بینند) و یا ۴۵ روز در کسانی که حیض نمی‌بینند، به هر کدام که زمانش بیشتر باشد، می‌باشد.

- عده زنی که شوهرش بمیرد، چه ازدواج موقت و یا دائم، چهار ماه و ده روز قمری می‌باشد. چه یائسه باشد یا زیر ۹ سال و چه دخول شده باشد یا نشده باشد.

- ۱- اگر زن بگوید من در ایام عده نیستم، در صورتی که متهم به دروغ‌گویی و یا فحشا نباشد، می‌شود سخن او را قبول و با او ازدواج کرد.
۲. زن نباید محرم مرد باشد.
- ازدواج با زن‌هایی مثل مادر، خواهر، (دختر، عمه، خاله، دختر برادر و دختر خواهر)، مادر زن (فعلی و قبلی)، مادر مادر زن و مادر پدر زن با مرد محرم هستند، حرام است. (۲۳۸۴ م)
- اگر کسی زنی را برای خود عقد نماید، اگرچه با او نزدیکی نکند، مادر و مادر مادر آن زن و مادر پدر او هرچه بالا رود، به آن مرد محرم می‌شوند. (۲۳۸۵)
- پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۷۶ - اگر زنی را عقد کند و با او نزدیکی نماید، دختر و نوه دختری و پسری او، هرچه پایین روند، چه در وقت عقد باشند و یا بعداً به دنیا بیایند، به آن مرد محرم می‌شوند. (۲۳۸۷ م)
- ازدواج با زن‌هایی که از طریق شیر خوردن به انسان محرم می‌شوند (خواهر رضاعی) حرام می‌باشد.
- ازدواج با خواهر زن حرام و باطل است، مگر آن که زن خود را طلاق بدهد و یا اگر ازدواج با او موقت است، باقی وقت را به او ببخشد و بعد از خروج آن زن از عده، با خواهرش ازدواج نماید. (۳۹۴) (۲۳۹۷ م)

احکام و مسائل متفرقه

- کسی که صیغه را می‌خواند باید بالغ و عاقل باشد، چه برای خودش بخواند یا از طرف دیگری وکیل شده باشد. (۲۳۷۰)
 - در ازدواج موقت هر کدام از طرفین می‌توانند به نفع خود شروطی را قرار دهند و پس از آن که به توافق برسند، صیغه عقد ازدواج را بخوانند.
 - در موقع خواندن صیغه، زن و مرد باید قصد انشا کنند؛ به این معنا که با خواندن صیغه همین الان زن با این مرد و یا مرد با این زن محرم خواهند شد.
 - مردم و یا زن و یا هر دو می‌توانند به صورت تلفنی شخص دیگری را وکیل خود نمایند تا در غیاب آن‌ها اجرای صیغه عقد نماید.
 - در ازدواج موقت زن از مرد ارث نخواهد برد.
- پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۷۷
- زن مسلمان نمی‌تواند به عقد کافر در آید، مرد مسلمان هم نمی‌تواند با زن‌های کافره غیر کتابیه به طور دائم ازدواج کند و به احتیاط واجب ازدواج دائم با زن‌های کافره اهل کتاب نیز جایز نیست، ولی صیغه کردن زن‌های اهل کتاب مانند یهود و نصاری مانعی ندارد. (۲۳۹۷)
 - اگر با زنی که در عده طلاق رجعی است، زنا کند، آن زن بر او حرام می‌شود و اگر با زنی که در عده متعه یا طلاق یا عده وفات است، زنا کند، بعداً می‌تواند او را عقد نماید (اگرچه احتیاط مستحب آن است که با او ازدواج نکند) (۲۳۹۸)
 - اگر با زن بی‌شوهری که در عده نیست، زنا کند، بعداً می‌تواند آن زن را برای خود عقد نماید، ولی احتیاط مستحب آن است که صبر کند تا آن زن حیض ببیند بعد او را عقد نماید، بلکه احتیاط مزبور حتی الامکان نباید ترک شود و همچنین است اگر دیگری بخواهد آن زن را عقد کند. (۲۳۹۹)
 - اگر زنی را که در عده دیگری است برای خود عقد کند، چنانچه مرد و زن یا یکی از آنان بدانند که عده زن تمام نشده و بدانند عقد کردن زن در عده حرام است، آن زن بر او حرام می‌شود، اگرچه مرد بعد از عقد با آن زن نزدیکی نکرده باشد. (۲۴۰۰)

۱۰. اگر زنی را برای خود عقد کند و بعد معلوم شود که در عده بوده، چنانچه هیچ کدام نمی دانسته‌اند زن در عده است و نمی دانسته‌اند که عقد کردن زن در عده حرام است، در صورتی که مرد با او نزدیکی کرده باشد، آن زن بر او حرام می‌شود. (۲۴۰۱)
- پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۷۸
۱۱. اگر انسان بدانند زنی شوهر دارد و با او ازدواج کند، باید از او جدا شود و بعداً هم نمی تواند او را برای خود عقد کند. (۲۴۰۲)
۱۲. شوهر بیش از چهار ماه نباید نزدیکی با متعه خود را ترک کند. (۲۴۲۲)
۱۳. زنی که صیغه می‌شود اگر در عقد شرط کند که شوهر با او نزدیکی نکند، عقد و شرط او صحیح است و شوهر فقط می‌تواند لذت‌های دیگر از او ببرد، ولی اگر بعداً به نزدیکی راضی شود، شوهر می‌تواند با او نزدیکی نماید. (۲۴۲۳)
۱۴. زنی که صیغه شده است اگر چه آبستن شود، حق خرجی ندارد. (۲۴۲۴)
- زنی که صیغه شده است حق همخوابی ندارد و از شوهر ارث نمی‌برد و شوهر هم از او ارث نمی‌برد (۲۴۲۵)
۱۵. زنی که صیغه شده می‌تواند بدون اجازه شوهر از خانه بیرون برود، ولی اگر به واسطه بیرون رفتن حق شوهر از بین می‌رود، بیرون رفتن او حرام است. (۲۴۲۷)
- پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۷۹

از نظر قرآن و فقه چه تفاوتی بین زنا و عقد موقت وجود دارد؟

پرسش:

از نظر قرآن و فقه چه تفاوتی بین زنا و عقد موقت وجود دارد؟

پاسخ:

این پرسش را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

۱. تفاوت بین زنا و ازدواج موقت از نظر قرآن چیست؟

۲. زنا و عقد موقت از نظر فقه چه تفاوتی دارند؟

پیش از بیان تفاوت بین زنا و ازدواج موقت، مناسب است آن دو را تعریف کنیم.

تعریف:

در تعریف «زنا» گفته‌اند: «نزدیکی با زن، بدون عقد شرعی را زنا گویند.» «۱» و در تعریف ازدواج موقت می‌توان گفت: «نزدیکی با

زن با عقد شرعی که مدت و مهر آن معلوم باشد.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۸۰

گناه بزرگ

قرآن کریم «زنا» را در ردیف شرک به خدا و قتل نفس معرفی می‌کند. «۱» در این باره ابن عباس حدیثی نقل می‌کند از پیامبر گرامی (ص): سوال کردم،

کدام گناه از همه گناهان بزرگ‌تر است؟ حضرت فرمود: این که برای خداوند شریکی قرار دهی، در حالی که او تو را خلق کرده است؛ بعد گفتم: بعد از آن کدام گناه؟ فرمود: این که به قتل برسانی فرزند خود را به خاطر ترس از این که با تو هم غذا شود. بعد

پرسیدم: بعد از آن کدام گناه؟ فرمود: این که با زن همسایهات زنا کنی. «۲»

قرآن کریم در مذمت و تقبیح عمل زنا می‌فرماید:

«وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (۳)؛

و نزدیک زنا نشوید؛ [چرا] که آن، زشتکاری است، و بد راهی است.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۸۱

خداوند در این آیه، «زنا» را عملی بسیار زشت و ناپسند و راهی بسیار بد و خطرناک معرفی می‌کند و می‌فرماید: هیچ کس حق ندارد به آن نزدیک شود!

راهکار قرآنی برای سلامت جامعه

قرآن کریم برای حفظ جامعه، عقد موقت را به عنوان راهی بسیار مناسب و مطابق با حکمت برای انسان قرار داده است:

«فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً ... إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (۱)

و کسانی از زنان را که (با مُتعه و ازدواج موقت) از او بهره می‌برید، پس مَهْرشان را، در حالی که واجب شده، به آنان بدهید ... براستی که خدا، دانای فرزانه است.»

از این بخش از آیه استفاده می‌شود که اصل ازدواج موقت و صیغه، قبل از نزول این آیه برای مسلمانان امری مسلم بوده که در این آیه نسبت به پرداخت مهر توصیه می‌کند. «۲» در پایان آیه آمده است: و خداوند نسبت به مصالح بندگان آگاه و احکامش مطابق با حکمت است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۸۲

ازدواج موقت یک ضرورت اجتماعی

با توجه به این که گزینه شهوت یکی از غرایز نیرومند انسان است و نمی‌شود آن را از بین برد؛ زیرا خداوند آن را به خاطر حفظ بقای انسان در نهاد او گذاشته است، باید از طریق شرعی تعدیل کرد. اکنون در بسیاری از محیطها و شرایط، افرادی به خاطر مشکلات مادی و یا به خاطر تحصیلات

طولانی قادر به ازدواج دائم نیستند و یا برخی افراد متأهل در مسافرت‌های طولانی که با مشکل عدم ارضای غریزه جنسی مواجه می‌شوند، چکار باید بکنند؟ آیا باید این غریزه خدادادی را سرکوب کنند و راه راهبان را پیش بگیرند؟- اسلام به این امر راضی نیست- و یا باید آزاد و بی‌بند و بار باشند؟ در این جا راه سومی نیز هست که نه مشکلات ازدواج دائم را به دنبال دارد و نه به سرکوب غریزه جنسی می‌انجامد و نه آن بی‌بند و باری را در پی دارد و آن ازدواج موقت (صیغه) است که اسلام آن را پیش روی ما گذاشته است؛ بنابراین، در صورت ضرورت و اضطرار می‌توان بدان عمل کرد.» پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۸۳

تفاوت‌های زنا و عقد موقت:

۱. عمل «زنا» به تعبیر قرآن (إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا) «۱»

عمل زشت و بد راهی است و ازدواج موقت از روی حکمت و علم خداوند به مصلحت بندگان است: «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا».

۲. بر اثر این عمل زشت اگر فرزندان نامشروعی ب‌ه‌وجود آیند، بین آنان هیچ گونه ارتباطی وجود نخواهد داشت و خودشان را نسبت به یکدیگر بیگانه قلمداد خواهند کرد؛ چرا که از اصالت خانوادگی، عاطفه و محبت که موجب ارتباط و اتصال است، برخوردار نمی‌باشند؛ اما در ازدواج موقت اگر صاحب

فرزند شوند چون شرعی و قانونی است، با فرزندی که از ازدواج دائم به دنیا می‌آیند، هیچ تفاوتی ندارند.

۳. عمل زنا غالباً همراه با اضطراب و ترس است، به ویژه برای کسانی که اهل ایمان باشند، حال اگر فرزندی به وجود آید طبعاً

اضطراب و دلهره در فرزند تاثیر می‌گذارد که این خود مشکلات جسمی و روحی - روانی برای وی به بار می‌آورد؛ اما نزدیکی بر اساس عقد موقت چون شرعی و قانونی است و قرآن آن را مباح دانسته، مفسد مذکور را به همراه نخواهد داشت.

۴. فرزندان نامشروع خودشان را به کسی و جایی منتسب نمی‌دانند و خود را معلول شهوات و غرایز جنسی یک عده شهوت‌ران می‌دانند؛ در نتیجه

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۸۴

روشن است که در جامعه بحران آفرینی می‌کنند، به طوری که امنیت و آسایش از جامعه سلب خواهد شد، ولی مقاربت مشروع آن عواقب سوء را به دنبال نخواهد داشت.

فرزند نامشروع سرنوشت خود را در آینده مبهم می‌داند، ولی فرزند قانونی و شرعی این گونه نیست؛ زیرا از اصالت خانوادگی بهره‌مند و نسب وی برای دیگران معلوم است. ممکن است گفته شود: با ایجاد کانون‌های تربیتی چه بسا بشود مشکلات مذکور را حل کرد؛ اما باید دانست که ممکن است در یک مقطع زمانی با محبت و عاطفه‌های مجازی از بروز مشکلات پیش‌گیری کرد، ولی از آن‌جا که آنان از نعمت محبت و عاطفه واقعی محروم‌اند مشکلات تربیتی و اخلاقی همچنان باقی می‌ماند.

۵. ارتباط زن و مرد در قالب ازدواج موقت خود به خود روابط زناشویی را مدیریت می‌کند و از ارتباط با افراد متعدد کاسته می‌شود و همین که این روابط در چهارچوبی نظام‌مند شد، به طور طبیعی از بسیاری از بیماری‌های مقاربتی و ... کاسته می‌شود و بهداشت جسم و روان زن و مرد و جامعه را به ارمغان می‌آورد.

با توجه به تفاوت‌هایی که بین زنا و ازدواج موقت بیان شد، حکمت این مطلب روشن می‌شود که چرا قرآن از عمل زنا نهی کرده و عقد موقت را مباح و جایز دانسته است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۸۵

ویژگی‌های ازدواج موقت از منظر فقه

در کتب فقهی برای ازدواج موقت ویژگی‌هایی ذکر شده که از آن‌ها تفاوت ازدواج موقت با زنا روشن می‌شود. اکنون به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. ازدواج موقت که به آن «متعّه» نیز گفته می‌شود، مانند ازدواج دائمی است که احتیاج به عقد مشتمل بر ایجاب و قبول دارد و تنها رضایت قلبی دو طرف و نگارش و اشاره و داد و ستد کافی نیست. (۱)

۲. زن باید در طول مدت ازدواج موقت (صیغه) در اختیار مرد باشد و حق ندارد خودش را در معرض مرد دیگری برای صیغه شدن قرار دهد؛ اما در زنا این حکم رعایت نمی‌شود.

۳. زن باید بعد از اتمام مدت صیغه عده نگه دارد؛ یعنی اگر زن «رگل» می‌شود، در صورت آمیزش باید به اندازه‌ی دو نوبت قاعدگی عده نگه دارد و اگر «رگل» نمی‌شود، باید ۴۵ روز عده نگه دارد (۲) و در این مدت با مرد دیگری ازدواج نکند. در این حکم فرق نمی‌کند از وسایل جلوگیری کننده از باردار شدن استفاده کرده باشد یا نه، در حالی که در زنا این حکم رعایت نمی‌شود. (۳)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۸۶

۴. اگر مردی از زنش صاحب فرزندی شد، باید مثل فرزند ازدواج دائم مورد حمایت مرد قرار گیرد و نفقه او را پرداخت نماید؛ اما در زنا چون فرزند شرعی و قانونی نیست، از حمایت مرد محروم است.

۵. در صورتی که مرد بعد از ازدواج موقت بمیرد، فرزندش از او ارث می‌برد، بر خلاف فرزند نامشروع.

ی ادآوری

این که شهوت‌رانی لجام گسیخته را بتوان به شکل قانونی و در چهارچوب خاصی مدیریت کرد، دغدغه‌ای بوده که فکر اندیشمندان را همواره به خود مشغول داشته است؛ چنان که برتراند راسل - دانشمند معروف انگلیسی - ازدواج موقت را به نام «زنا شویی دوستانه» راه حل مشکل جنسی جوانان در

عصر حاضر می‌داند و آن را به دولت‌ها پیشنهاد می‌کند «۱» و یکی از علمای اهل سنت، پس از نقل این پیشنهاد، افتخار می‌کند که این قانون جزو قوانین یکی از مذاهب اسلامی یعنی شیعه است. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۸۷

بدیهی است طرح فوق از جهات زیادی به «ازدواج موقت» در اسلام نزدیک است، ولی طرح اسلام از جهات زیادی روشن‌تر و کامل‌تر و جامع‌تر می‌باشد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۸۹

فصل دوم: مسائل گوناگون

اشاره

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۹۰

روابط دختر و پسر

اگر شخص به خاطر این که فرد مورد نظر از نظر ایمان کامل نیست و یا ...، با او ازدواج نکند، نظر اسلام در این مورد چیست؟

اشاره

پرسش: اگر شخص به خاطر این که فرد مورد نظر از نظر ایمان کامل نیست و یا ...، با او ازدواج نکند، نظر اسلام در این مورد چیست؟

پاسخ:

اگر انسان با فردی که مورد علاقه او نیست و یا شرایط همسر خوب را ندارد، ازدواج نکند، این گونه نیست که تا آخر عمر بدون همسر بماند؛ زیرا اگر خانم‌ها در محیط خانه و اجتماع به وظایف دینی و شخصی خود عمل کنند، با امید به رحمت و فضل الهی، ان‌شاءالله در کار آن‌ها گشایش حاصل خواهد می‌شود و نباید با ناامیدی، در حال در باره‌ی آینده نامعلوم قضاوت کرد.

ازدواج که بنیان‌گذار کانون پر مهر خانواده است، آن‌قدر مهم و با ارزش است که حتی در جوامع غیراسلامی و غیردینی نیز اهتمام ویژه‌ای نسبت به آن دارند.

در قرآن کریم نیز از آن به عنوان آیه و نشانه خدا که باعث آرامش و سکونت انسان می‌گردد، یاد شده است و این نیاز طبیعی همه انسان‌هاست.

ازدواج امری فطری، خدادادی و طبیعی است که سلامت «جسم و روح» انسان را تأمین می‌کند و نقش فراوانی در پرورش استعدادهای روحی و فکری

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۹۱

و جسمی انسان برعهده دارد و باعث تکامل انسان می‌گردد. شهید مطهری در این راستا می‌گوید: انسان بدون ازدواج به مرحله تکامل نمی‌رسد، اگر چه مراحل علمی و معنوی بالایی را گذرانده باشد. هر شخصی که بخواهد ازدواج موفق داشته باشد، باید ویژگی‌های همسر مناسب را بداند و طبق آن ویژگی‌ها «انتخاب» کند.

ویژگی‌های همسر مناسب

با توجه به روایات و سخن بزرگان، ویژگی‌هایی گوناگون برای همسر شایسته بیان شده که برای رعایت اختصار برخی از آن‌ها را بر می‌شماریم:

برخی برای انتخاب همسر شایسته چهار ویژگی اساسی و چهار ویژگی که شرط کمال است را نامبرده‌اند که «ویژگی‌های اساسی» عبارت‌اند از:

الف: تدین و تعهد

در روایت می‌خوانیم: «علیک بذوات الدین» «۱» با انسان متدین ازدواج کنید. اعتقاد به خدا و دین باوری نگاه انسان را به هستی و خوشبختی تغییر می‌دهد، و ارزش‌های واقعی را می‌فهماند و در فراوانی نعمت روحیه شکر و انفاق به دیگران، در سختی و مشکلات زندگی، به جای کج خلقی و بدبینی، امید و تلاش را سرلوحه زندگی قرار می‌دهد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۹۲

«دین» انسان را مسئولیت‌پذیر می‌کند و استقلال شخصیت و روی پای خود ایستادن را به انسان هدیه می‌دهد؛ همان چیزی که زن‌ها از مردشان انتظار دارند، و رهایی از تنبلی و انجام ندادن کارهای لغو و دوری از گناه که بنیان خانواده را سست می‌کند، از دیگر نتایج ایمان می‌باشد. خلاصه در «سایه دین» است که انسان «طعم خوشبختی» را می‌چشد.

ب- اخلاق نیک

از امام باقر (ع) نقل شده که فرمود: «اذا جاء کم من ترضون خلقه و دینه فزوجوه؛» «۱»

اگر کسی که برای خواستگاری شما آمد از اخلاق و دین داری او راضی هستید، پس با او ازدواج کنید.»

ج- شرافت خانوادگی و اصالت داشتن

این ویژگی به این معنا نیست که شهرت یا ثروت و یا موقعیت اجتماعی بالا داشته باشند، بلکه با نجابت بزرگوار باشند و به کارهای باطل و حرام شهرت نداشته باشند.

د- عاقل باشد و احمق و نادان نباشد

فرق است بین «عاقل» و «عالم و با سواد»، زیرا چه بسا افرادی که سواد زیادی ندارند، ولی تدبیر و عقل معاش و عقل معاد خوبی دارند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۹۳

شرایط چهارگانه کمال در همسر

الف- سلامت جسمی و روحی

اگر شخص بیماری خاصی دارد، از چگونگی آن پیش از عقد با خبر شود و با آگاهی کافی ازدواج کند.

ب- زیبایی

از نظر ظاهری حداقل زیبایی را داشته باشد؛ البته کمال زیبایی یک «امتیاز» است و «شرطی» که مانع ازدواج باشد نیست. برخی افراد

به هنگام انتخاب همسر فقط زیبایی‌های معنوی همسر خود را مد نظر دارند و نسبت به زیبایی‌های ظاهری بی‌توجهی می‌کنند و مهم نمی‌دانند و از سوی دیگر، برخی افراد نیز به خاطر انتخاب همسر زیبا بقیه ویژگی‌های همسر مناسب را فدا می‌کنند و به صرف داشتن زیبایی ظاهر بسنده می‌نمایند. این دو گروه «افراط» و «تفریط» می‌کنند، و بدیهی است که در طول زندگی با مشکل روبه‌رو می‌شوند؛ از این رو، پیشنهاد می‌شود در این زمینه معتدل و میانه رو باشند.

ج- علم

«آگاهی»، درک انسان را نسبت به زندگی بالا می‌برد، البته ضرورت آن تا حد معمول است و اصرار بر مدارج بالا برای تشکیل زندگی نیاز نیست.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۹۴

د- هم شأنی

گفتو بودن و هم‌شأنی در مسائل مختلف مثل ایمان، توانایی‌های فکری و فرهنگی، مسائل جسمی، زیبایی و در امور مالی، اقتصادی و سیاسی و ... مطلوب است.

نکات:

در پایان بیان چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

اول این که پیدا شدن شخصی؛ با همه این اوصاف امری است دور از دسترس. بلکه گاهی افراد ممکن است مثلاً اعتقاد به نماز و روزه داشته باشند، ولی برای مثال اهل گوش دادن به نوار ترانه نیز باشند، و این کار از روی اعتقاد آن‌ها نباشد، بلکه از روی تقلید از دوستان و جمع باشد و در خلوت همراه با ترس انجام می‌دهند. این گونه افراد با افرادی که به مسائل دینی پایبند نیستند، فرق دارند؛ از این رو، در برخورد با هر گروه باید برخورد مناسب داشت.

دوم این که این سوال مطرح می‌شود که خود خانم تا چه حد مقید است؟ و از طرفی آیا آن توانایی را دارد که در همسر خود تحول و تغییر ایجاد کند؟

سوم اینکه شاید هم‌اکنون ازدواج نکردن قابل تحمل باشد، ولی در آینده که شرایط تغییر می‌کند و سن شخص بالا می‌رود، تحمل او نیز کم می‌شود و یا مثلاً با فقدان پدر رو به رو می‌شود که در آن وقت تحمل آن شرایط غیرممکن است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۹۵

یادآوری:

انسان در باره مسئله مهم ازدواج نیازمند مطالعه و مشاوره حضوری یا غیرحضوری با کارشناسان و روان‌شناسان متخصص و متعهد است.

معرفی چند کتاب پیرامون ازدواج در اسلام:

۱. جوانان و انتخاب همسر، آیه‌الله حسین مظاهری

۲. ازدواج مکتب انسان‌سازی، شهید پاک نژاد

۳. انتخاب همسر، آیت‌الله ابراهیم امینی

۴. اسلام و ازدواج، آیت‌الله مشکینی

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۹۶

آیا می‌توان با ارتباط تلفنی دختر یا پسر را ارشاد کرد؟

پرسش:

آیا می‌توان با ارتباط تلفنی دختر یا پسر را ارشاد کرد؟

پاسخ:

چنانچه خوف مفسده نباشد با رعایت کامل موازین شرعی مانعی ندارد.

استفتاء از آیت الله العظمی فاضل لنکرانی - حفظه الله.

اگر دختری برای انسان مزاحمت ایجاد کند، می‌تواند برای دور کردن آن از خویش با او صحبت کند؟

پرسش:

اگر دختری برای انسان مزاحمت ایجاد کند، می‌تواند برای دور کردن آن از خویش با او صحبت کند؟

پاسخ:

چنانچه موجب تهییج و مفسده نباشد، به مقدار ضرورت برای رفع مزاحمت مانعی ندارد و در غیر این صورت جایز نیست.

استفتاء از: آیت الله العظمی فاضل لنکرانی - حفظه الله.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۹۷

آیا آرایش زنانه برای مردان اشکال دارد؟

پرسش:

آیا آرایش زنانه برای مردان اشکال دارد؟ توضیح این که برخی از جوانان مبادرت به برداشتن زیر ابرو، بند انداختن و ... می‌نمایند، لطفاً حکم و فلسفه آن را مرقوم بفرمایید.

پاسخ:

اگر موجب ترویج فرهنگ دشمنان اسلام و یا مستلزم مفسده و یا تشبه به زن باشد، جایز نیست.

استفتاء از دفتر آیت الله العظمی خامنه‌ای - دامت برکاته.

حکم نامه نگاری بین دختر و پسر نامحرم چیست و آیا ارتباط تلفنی جایز است؟

پرسش:

حکم نامه نگاری بین دختر و پسر نامحرم چیست و آیا ارتباط تلفنی جایز است؟

پاسخ:

جایز نیست.

استفتاء از: آیت الله العظمی فاضل لنکرانی - حفظه الله.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۹۸

شیوه اجرای عقد ازدواج و شرایط آن چگونه است؟

پرسش:

شیوه اجرای عقد ازدواج و شرایط آن چگونه است؟

پاسخ:

الف- شیوه اجرای عقد ازدواج موقت و شرایط آن:

این مطلب در مبحث ازدواج موقت توضیح داده شد.

ب- شیوه اجرای عقد ازدواج دائم و شرایط آن:

در این مورد دستور و شرایط و مسائل عیناً از رساله مراجع تقلید «۱» نقل می‌شود:

احکام ازدواج در رساله مراجع چیست؟

احکام ازدواج در رساله مراجع چیست؟

پاسخ:

احکام نکاح یا ازدواج و زناشویی «۲» ب- واسطه عقد ازدواج، «۳» زن به م----- رد «۴» ح----- لال می‌شود و آن بر دو قسم

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۱۹۹

است: دائم و غیردائم. «۱» عقد دائم آن است که مدت زناشویی در آن معین نشود «۲» و زنی را که به این قسم عقد می‌کنند «دائمه»

گویند. و عقد غیردائم آن است که مدت زناشویی در آن معین شود، مثلاً زن را به مدت یک ساعت یا یک روز یا یکماه یا یکسال

یا بیشتر عقد نمایند «۳» و زنی را که به این قسم عقد کنند «متعّه و صیغه» می‌نامند. * «۴»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۰۰

احکام عقد

مسأله ۲۳۶۳- در زناشویی- چه دائم و چه غیردائم- باید صیغه خوانده شود و تنها راضی بودن زن و مرد «۱» کافی نیست و صیغه

عقد را یا خود زن و مرد می‌خوانند، یا دیگری را وکیل می‌کنند که از طرف آنان بخواند.

مسأله ۲۳۶۴- وکیل لازم نیست مرد باشد، زن هم می‌تواند برای خواندن صیغه عقد از طرف دیگری وکیل شود. * «۲» *

*** مسأله ۲۳۶۵- زن و مرد تا یقین «۳» نکنند که وکیل آنها صیغه را خوانده است، نمی‌توانند به یکدیگر نگاه محرمانه نمایند «۴»

و گمان به این که وکیل صیغه را خوانده است کفایت نمی‌کند «۵» ولی اگر وکیل بگوید صیغه را خوانده‌ام کافی است.

این مسأله، در رساله آیت الله بهجت نیست

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۰۱

مسأله ۲۳۶۷- یک نفر می‌تواند برای خواندن صیغه عقد دائم یا غیردائم از طرف دو نفر «۱» وکیل شود و نیز انسان «۲» می‌تواند از

طرف زن وکیل شود و او را برای خود به طور دائم یا غیردائم عقد کند، «۳» ولی احتیاط مستحب آن است که عقد را دو نفر

بخوانند. * «۴»

این مسأله، در رساله آیت الله بهجت نیست

دستور خواندن عقد دائم

مسأله ۲۳۶۸- اگر صیغه عقد دائم را خود زن و مرد بخوانند و «۵» اول زن بگوید: «زَوَّجْتُكَ نَفْسِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ» ی عنی خود را زن تو نمودم به مهری که معین شده، پس از آن بدون فاصله «۶» مرد بگوید: «قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ» پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۰۲

یعنی قبول کردم ازدواج را، عقد صحیح است»

و اگر دیگری را وکیل کنند که از طرف آنها صیغه عقد را بخواند چنانچه مثلاً اسم مرد «احمد» و اسم زن «فاطمه» باشد و وکیل زن بگوید: «زَوَّجْتُ مُوَكَّلَتِي فَاطِمَةَ مُوَكَّلَكَ اِحْمَدَ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ»، «۲» پس بدون فاصله «۳» وکیل مرد بگوید: «قَبِلْتُ لِمُوكَلِّي اِحْمَدَ عَلَى الصَّدَاقِ» «۴» صحیح می‌باشد. «۵»- * «۶»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۰۳

دستور خواندن عقد غیردائم

مسأله ۲۳۶۹- اگر خود زن و مرد بخواهند صیغه عقد غیردائم را بخوانند، بعد از آن که مدت و مهر را معین کردند، چنانچه زن بگوید:

«زَوَّجْتُكَ نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ» «۱»

بعد بدون فاصله «۲» مرد بگوید: «قَبِلْتُ»، صحیح است. و اگر دیگری را وکیل کنند و اول وکیل زن به وکیل مرد بگوید: «مَنْعْتُ» «۳» مُوَكَّلَتِي مُوَكَّلَكَ «۴» فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ» پس بدون فاصله «۵» وکیل مرد بگوید: «قَبِلْتُ» «۶» لِمُوكَلِّي هَكَذَا» صحیح می‌باشد. پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۰۴

شرایط عقد

مسأله ۲۳۷۰- عقد ازدواج چند شرط دارد:

اول: آن که به عربی صحیح خوانده شود به احتیاط واجب، «۱» و اگر خود مرد و زن نتوانند صیغه را به عربی صحیح بخوانند، به هر لفظی که صیغه را بخوانند صحیح است و لازم هم نیست که وکیل بگیرند، «۲» اما باید لفظی بگویند که معنی «زَوَّجْتُ» و «قَبِلْتُ» را بفهماند.

دوم: مرد و زن یا وکیل آنها که صیغه را می‌خوانند قصد انشاء داشته باشند یعنی اگر خود مرد و زن صیغه را می‌خوانند، زن به گفتن «زَوَّجْتُكَ نَفْسِي» قصدش این باشد که خود را زن او قرار دهد و مرد به گفتن «قَبِلْتُ» پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۰۵

التَّزْوِيجَ» زن بودن او را برای خود قبول نماید و اگر وکیل مرد و زن صیغه را می‌خوانند، به گفتن «زَوَّجْتُ و قَبِلْتُ» «۱» قصدشان این باشد که مرد و زنی که آنان را وکیل کرده‌اند، زن و شوهر شوند.

سوم: کسی که صیغه «۲» را می‌خواند بالغ و عاقل باشد، «۳»
چه برای خودش بخواند یا از طرف دیگری وکیل شده باشد. «۴»
چهارم: اگر وکیل زن و شوهر یا ولی آنها صیغه را می‌خوانند،

در عقد، زن و شوهر را معین کنند مثلاً اسم آنها را ببرند یا به آنها اشاره نمایند. پس کسی که چند دختر دارد، اگر به مردی بگوید
«رَوَّجْتُكَ إِحْدَى بَنَاتِي» (یعنی زن تو نمودم یکی از دخترانم را) و او بگوید «قَبِلْتُ» یعنی قبول کردم، چون در موقع عقد، دختر را
معین نکرده‌اند عقد باطل است. پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۰۶
پنجم: زن و مرد به ازدواج راضی باشند، «۱»

ولی اگر زن ظاهراً به کراهت اذن دهد و معلوم باشد قلباً راضی است عقد صحیح است. * «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۰۷

مسئله ۲۳۷۶- دختری که به حد بلوغ رسیده و رشیده است، یعنی مصلحت خود را تشخیص می‌دهد، اگر بخواهد شوهر کند،
چنانچه باکره باشد، «۱» باید «۲» از پدر یا جد پدری خود اجازه بگیرد «۳» و اجازه مادر و برادر لازم نیست. «۴» پرسش و پاسخ‌های
قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۰۸

فهرست منابع دو جلد

فهرست منابع دو جلد

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. الاشارات و التنبیها، ابوعلی سینا، مع شرح خواجه نصیرالدین طوسی، التحقیق: سلیمان دنیا، موسسه النعمان بیروت، ۱۴۱۳ ق.
۴. اخلاق جنسی، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، چاپ شانزدهم، تیر ۱۳۸۱.
۵. اذن و آثار حقوقی آن، علیرضا فخیم‌زاده، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۷۷.
۶. استفتاء، دفتر آیت الله تبریزی
۷. استفتاء، دفتر آیت الله خامنه‌ای
۸. استفتاء، دفتر آیت الله سیستانی
۹. استفتاء، دفتر آیت الله فاضل لنکرانی
۱۰. استفتائات، امام خمینی (ره)
- ۱۱.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۰۹

۱۲. امالی، شیخ صدوق، المكتبة الاسلامیه، قم، الطبعة الرابعة المصححة، ۱۴۰۴ ق.
۱۳. انتخاب همسر و ازدواج، سید مهدی شمس‌الدین، شفق، چاپ اول، قم، ۱۳۷۵ ش.
۱۴. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، شهید دکتر سید رضا پاک‌نژاد، ۱۳۵۰ ش، انتشارات کتابفروشی اسلامی.
۱۵. آیه‌های زندگی، حسین اسکندری، انتشارات سروش صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱۶. بحار الانوار، علامه محمدباقر مجلسی، موسسه الوفاء، بیروت، الطبعة الرابعة، ۱۴۰۴ ق.
۱۷. البرهان فی تفسیر القرآن، البحرانی، سید هاشم الحسینی، دار الکتب العلمیه، قم، ۱۳۳۴ ش، پنج جلدی.

۱۷. پرسش‌ها و پاسخ‌ها، رساله دانشجویی مطابق با نظر ده تن از مراجع عظام، سید مجتبی حسینی، انتشارات دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۱۸. تاج العروس من جواهر القاموس، محمد مرتضی الزبیدی، مکتبه الحیاه، بیروت، بی تا.
۱۹. تاریخ الجاهلیه، عمر فروخ.
- ۲۰.
- پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۱۰.
- تحریر الوسیله، روح الله الموسوی خمینی، دار الکتب الاسلامیه، قم، دو جلد، ۱۳۹۰ ق.
- ۲۱.
- پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۱۱.
- تحف العقول، الحسن بن شعبه الحرانی، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۲۲. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، وزارت ارشاد جمهوری اسلامی ایران، الطبعة الاولى، ۱۳۷۱ ش.
۲۳. تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران، دکتر علی اصغر احمدی.
۲۴. ترجمه نهج البلاغه، ناصر مکارم شیرازی، مطبوعاتی هدف، قم، چاپ نهم، ۱۳۷۲.
۲۵. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم بن هاشم القمی، موسسه دارالکتب، قم، ۱۴۰۴ ق.
۲۶. تفسیر روح المعانی، فی تفسیر القرآن العظیم و السبع، ابوالفضل شهاب‌الدین انسیه محمود الالوسی، ۳۰ جلد.
۲۷. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق، ۳۲ جلدی.
۲۸. تفسیر نمونه، آیت الله ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۷۳ ش، دار الکتب الاسلامیه، تهران چاپ بیست و ششم (۲۷ ج).
- ۲۹.
- پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۱۲.
- تفسیر نور، محسن قرائتی، انتشارات در راه حق، قم، ۱۳۷۴ ش.
۳۰. تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، شیخ طوسی، حقه و علق علیه، سید حسن موسوی الخراسان، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ ق.
۳۱. توضیح المسائل، آیت الله بهجت
۳۲. توضیح المسائل، آیت الله نوری همدانی
۳۳. توضیح المسائل، آیت الله وحید خراسانی
۳۴. توضیح المسائل مراجع، جامعه مدرسین
۳۵. توضیح المسائل، آیت الله ناصر مکارم شیرازی
۳۶. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، مکتبه الحیدریه، نجف، ۱۳۸۵ ق.
۳۷. جاذبه و دافعه امام علی (ع)، شهید مطهری، انتشارات صدرا، تهران، چاپ سی و سوم، ۱۳۷۹ ش.
۳۸. جواهر الکلام، الشیخ محمدحسن النجفی، التحقیق: عباس القوچانی، دارالکتب الاسلامیه، آخوندی، الطبعة الثالثه، ۱۳۶۷ ش.
۳۹. حکمت الهی عام و خاص، مهدی الهی قمشه‌ای، چ ۳.
۴۰. الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه، صدرالدین محمد شیرازی (ملاصدرا)، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، الرابعه، ۱۴۱۰ ق.
- ۴۱.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۱۳ الخلاف، شیخ طوسی، التحقيق: سیدعلی الخراسانی، سید جواد شهرستانی، محمد مهدی نجف، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، الاولی، ۱۴۱۷ ق.

۴۲. دعائم الاسلام، نعمان بن محمد بن منصور بن احمد بن حیون التیمی المغزی، التحقيق: آصف بن علی اصغر فیضی، دارالمعارف، ۱۳۸۳ ش.

۴۳. دیوان حافظ، شمس الدین محمد حافظ شیرازی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ ش.

۴۴. روان‌شناسی عشق ورزیدن، اینیاس لپ، ترجمه کاظم سامی و محمود ریاحی، انتشارات چاپ پخش.

۴۵. روزنامه کیهان، ش ۱۳۸۹۵، ۱۰ آذر ۸۴

۴۶. زن در آئینه جلال و جمال، عبدالله جوادی آملی، نشر دارالهدی، چاپ ششم، تابستان ۱۳۸۰، بی‌جا.

۴۷. سیری در مسائل خانواده، حبیب‌الله طاهری، چاپ و نشر سازمان تبلیغات، چاپ اول، بهمن ۱۳۷۰، بی‌جا.

۴۸. شخصیت زن از دیدگاه قرآن، هادی دوست محمدی، چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات، چاپ اول، بهار ۱۳۸۰، بی‌جا.
۴۹.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۱۴

شرح لمعه، (الروضه البهیه فی اللغه الدمشقیه)، شهید ثانی (زین الدین الجبعی العاملی)، انتشارات داوری، قم، الاولی، ۱۴۱۰ ق.

۵۰. شرح نهج البلاغه، عبدالحمید بن هبه‌الله، ابن ابی‌الحدید، تهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش.

۵۱

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۱۵

الصادق، محمد محسن فیض کاشانی، ۱۴۰۲ ق، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، الطبعة الثانية، ۵ جلدی.

۵۲. صحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، اسماعیل بن حماد الجوهری، التحقيق: احمد بن عبدالغفار عطار، دارالعلم الملايين بیروت، الرابعه، ۱۴۰۷ ق.

۵۳. صحیفه سجاده، امام سید الساجدین و زین العابدین علی بن الحسین (ع)، نشر الهادی، قم، ۱۳۷۶ ش.

۵۴. طب در قرآن، دکتر دیاب و دکتر قرقوز، ترجمه علی چراغی، تهران، انتشارات حفظی، بی‌تا.

۵۵. العروه الوثقی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، التحقيق و النشر مؤسسه النشر الاسلامی، التابعه لجماعه المدرسین، قم، الاولی، ۱۴۲۰ ق.

۵۶. علل الشرایع، شیخ صدوق ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، مکتبه الداوری قم، ۱۳۸۶ ق.
۵۷.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۱۶

علل گرایش به مادی‌گری، مطهری، شهید مرتضی، انتشارات صدرا، تهران، قم، ۱۳۷۲ ش (جلد اول مجموعه آثار).

۵۸. عوالم العلوم، بحرانی، الشیخ عبدالله، التحقيق والنشر: مدرسه الامام المهدی (ع)، الطبعة الاولی، ۱۴۰۷ ق.

۵۹

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۱۷

عیون اخبار الرضا (ع)، الشیخ الصدوق، دارالعالم للنشر (جهان)، ۱۳۷۸ ق.

۶۰. الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، عبدالحسین احمد الامینی النجفی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۸۷ ق، ۱۱ جلدی.

۶۱. غررالحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد التیمی آمدی (گردآورنده)، مکتبه الاعلام الاسلامی، قم، ۱۳۶۶ ش.

۶۲. فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)، گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، ترجمه: علی مویدی، نشر معروف، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.

۶۳. فرهنگ سخن (بزرگ)، حسن انوری، انتشارات سخن، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.

۶۴. فرهنگ فارسی، محمد معین، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۷۱ ش.

۶۵.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۱۸

فقه الرضا (ع)، علی بن بابویه، التحقيق: موسسه آل البيت (ع)، الناشر: المؤتمر العالمی للامام الرضا (ع)، الطبعة الاولى، ۱۴۰۶ ق.

۶۶. فهرست موضوعی تفسیر نمونه، احمد علی بابائی و رضا محمدی، زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی، مدرسه الامام امیرالمومنین (ع)، قم، پنجم، ۱۳۷۰ ش.

۶۷.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۱۹

قرآن در آئینه اندیشه‌ها، جمعی از نویسندگان سازمان تبلیغات اسلامی، نشر سازمان تبلیغات، تهران، آذر ۱۳۶۴.

۶۸. قواعد، الاحکام علامه حلی، التحقيق والنشر: موسسه النشر الاسلامی، قم، الاولى، ۱۴۱۳ ق.

۶۹. کافی، کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، بی‌جا، چ سوم، ۱۳۸۸ ق.

۷۰. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری، بیروت، ادب الحوزه، دارالمعرفه، دارالکتب، ۱۴۰۰ ق.

۷۱. کشف الاسرار و عده الابرار، رشید الدین المیبدی، (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری).

۷۲. کیمیای محبت، لاله‌ای از ملکوت

۷۳. لسان العرب، ابن منظور، نشر ادب الحوزه، الاولى، ۱۴۰۵ ق.

۷۴.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۲۰

اللمعه الدمشقیه، محمد بن جمال الدین مکی العاملی (شهید اول)، التحقيق: علی کورانی، دارالفکر، الاولى، ۱۴۱۱ ش.

۷۵. ماهنامه اصلاح و تربیت، ش ۲۹.

۷۶. ماهنامه معارف، شماره ۳۶، خرداد و تیر ۱۳۸۵ ش.

۷۷. مبانی فلسفه عشق از منظر ابن سینا و ملاصدرا، مؤسسه بوستان کتاب، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۷۸.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۲۱

مبسوط فی فقه الامامیه، شیخ طوسی، صححه و علق علیه:

سید محمد تقی الکشفی، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ ق.

۷۹. مثنوی معنوی، (مثنوی معنوی براساس نسخه نیکلسون) جلال الدین محمد بن محمد مولوی، راستین، جانبی ۱۳۷۵.

۸۰. مجله زن روز، ش ۹۸۵

۸۱. مجله کتاب زن، ش ۲۶، زمستان ۸۳

۸۲. مجله کتاب زنان، ش ۲۴، سال ۱۳۸۳.

۸۳. مجله معرفت، ش ۸۷

۸۴. مجله معرفت، ش ۹۷، سال چهارم.

۸۵. مجمع البحرين، فخرالدین طریحی، التحقيق: السيد احمد الحسينی، مكتب نشر الثقافه الاسلاميه، الثانيه، ۱۴۰۸ ق.

۸۶.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۲۲

مجمع البيان، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، الطبعة الاولى، ۱۴۱۵ ق.

۸۷. مجموعه مباحثی از مدیریت در اسلام، دکتر ولی الله نقی پور، مرکز مطالعات و تحقیقات مدیریت اسلامی، تهران، چاپ اول،

۱۳۸۲.

۸۸. مساله حجاب، شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، چاپ پنجاه و دوم، ۱۳۷۹ ش.

۸۹.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۲۳

مستدرک وسایل الشیعه و مستنبط المسائل، محدث نوری طبرسی، التحقيق و النشر: موسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث الاولی،

۱۴۰۸ ق.

۹۰. مسند احمد، احمد بن حنبل، دار صادر، بیروت، بی تا.

۹۱. مصباح المنیر، فیومی، دارالهجره، قم، ۱۴۰۵ ق.

۹۲. معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام، حسن صادقی، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۹۳. مفاتیح الجنان، محدث قمی (شیخ عباس قمی)، انتشارات قدیانی، تهران.

۹۴. المفردات فی غریب القرآن، الراغب الاصفهانی، تهران، المكتبه المرتضویه، ۱۳۳۲ ش.

۹۵.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۲۴

مقائیس اللغه، ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا، تحقیق و ضبط: عبدالسلام محمد هارون، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی،

۱۴۰۴ ق.

۹۶. المقنعه، شیخ مفید، التحقيق والنشر: موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، قم، الثانيه، ۱۴۱۰ ق.

۹۷. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، التحقيق: علی اکبر غفاری، جامعه المدرسین، الثانيه، ۱۴۰۴ ق.

۹۸. منزلت زن در اندیشه اسلامی، محمد فنائی اشکوری، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، بهار ۱۳۷۷، قم.

۹۹.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۲۵

منهاج الصالحین، آیت الله سید علی سیستانی، النشر: مکتب آیت الله العظمی سید علی الحسینی السیستانی، قم، الاولى، ۱۴۱۶ ق.

۱۰۰. میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۶۷ ش.

۱۰۱. میزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبائی، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۳ ق، ۲۰ جلدی.

۱۰۲. نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری، صدرا، چاپ سیزدهم، زمستان ۱۳۶۸، قم.

۱۰۳.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۲۶

نگرشی نو بر ازدواج موقت، سید محمدحسین سجادی، چاپ اول، قم، ۱۳۷۵.

۱۰۴. النهایه فی غریب الحدیث، ابن اثیر، التحقیق: طاهر احمد الزاوی، محمود محمد الطناحی، موسسه اسماعیلیان، قم، الرابعه، ۱۳۶۴ ش.
۱۰۵. نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، نوبت چهاردهم، ۱۳۷۸ ش.
۱۰۶. نورالثقلین، عبدعلی بن جمعه حویزی عروسی، قم، المطبعه العلمیه، الطبعة الثانيه، ۱۳۸۳ ق، پنج جلدی.
۱۰۷. ورزش و تربیت بدنی در جمهوری اسلامی، اداره کل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۰.
۱۰۸. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن الحسن حرّ عاملی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۱ ق.
۱۰۹. سیستمی gro.inatsis اینترنت، دفتر
۱۱۰. تبریزی gro.izirbat اینترنت، دفتر
- و نیز از منابع زیر استفاده شده است:
۱. آنچه یک جوان باید بداند، رضا فرهادیان
 ۲. انس الثائبین، امام محمد غزالی.
 - ۳.
- پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۲۷
- اوصاف الاشراف، خواجه نصیرالدین طوسی،
۴. بررسی فقهی حقوق خانواده، سید مصطفی محقق داماد
 ۵. تعلیقات علی العروه، آیت الله مکارم شیرازی
 ۶. تفسیر بیضاوی، قاضی بیضاوی
 ۷. جامع المسایل، فاضل لنکرانی
 ۸. جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، اندره میشل، ترجمه فرنگیس اردلان
 ۹. جامعه‌شناسی، آنتونی گیدنز
 ۱۰. جاهلیت و اسلام، یحیی نوری
 ۱۱. جمعیت و تنظیم خانواده، حلم سرشت، پرپوش و دل پیشه، اسماعیل
 ۱۲. جمعیت و تنظیم خانواده، صمد کلانتری
 ۱۳. خانواده در گذشته و حال، اندره میشل
 ۱۴. درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های جمعیت‌شناسی، احمد کتابی
 ۱۵. رساله نوین امام خمینی
 ۱۶. رفتارهای جنسی انسان، علی اسلامی نسب
 ۱۷. فرهنگ علوم عقلی، سید جعفر سجادی
 ۱۸. فرهنگ مهرورزی، حسین انصاریان
 ۱۹. فمینیسم جهانی و چالش‌های پیش رو، عبدالرسول هاجری
 ۲۰. منهاج الصالحین، آیت الله تبریزی
 - ۲۱.
- پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج ۸، ص: ۲۲۸

- منهاج الصالحین، آیت الله وحید خراسانی
۲۲. نظام بین الملل حقوق بشر، حسین مهرپور
۲۳. نقد کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، خانم علاسوند
۲۴. هنر عشق و وزیدن، اریک فروم
۲۵. یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، جمعی از فضلالی حوزه علمیه قم.
۲۶. انگیزش و شخصیت؛ ۲۷. آیین بهزیستی اسلام؛ ۲۸. بررسی تاریخ منزلت زن از دیدگاه اسلام؛ ۲۹. التعریفات، فرهنگ معارف اسلامی؛ ۳۰. جنگ علیه زنان؛ ۳۱. زنان، جنون و پزشکی؛ ۳۲. سیمای زن در جهان آمریکا؛ ۳۳. فرهنگ فارسی عمید.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکنند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد.»



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

